

گزارش بررسی اشیاء آرامگاه ارجان - بهبهان

فائق توحیدی - علی محمد خلیلیان

کارشناسان دفتر آثار تاریخی

وزارت فرهنگ و آموزش عالی

پائیز ۱۳۶۱

فهرست مطالب :

- ۱- ماجرای کشف آرامگاه ارجان - بهبهان
- ۲- سابقه تاریخی محل کشف آرامگاه
- ۳- باستان‌شناسی استان خوزستان یا خوزستان در گذرگاه تاریخ
- ۴- معماری آرامگاه ارجان
- ۵- تابوت فلزی آرامگاه ارجان و مشخصات تابوت فلزی آرامگاه ارجان
- ۶- وضعیت اسکلت در داخل تابوت

۱- حلقه طلائی
۲- خنجر
۳- دکمه‌های طلائی
۷- اشیاء مکشوفه در داخل تابوت فلزی

۱- آتشدان
۲- ظروف فلزی
۳- میله نقره‌ای
۸- اشیاء خارج تابوت داخل آرامگاه

۹- نتیجه گیری :

بسم الرحمن الرحيم

که در کنار آن دو خمره سفالی بزرگ محتوی خاک سوخته یا احتمالاً " مواد غذایی از بین رفته بر اثر تیغه بولدزر متلاشی میشود . وقتیکه راننده بولدزر توجهش به درون حفره ایجاد شده جلب می شود به داخل آن میرود و بایک مقبره زیرزمینی دارای تابوت فلزی روبرو می شود و مراتب را از طریق مسئولین جهاد به مقامات محلی گزارش میدهد . در این رابطه اداره کل ارشاد اسلامی خوزستان کارشناس خود را به محل اعزام می نماید و پس از انتقال قسمتی از اشیاء قابل انتقال چگونگی وجود یک آرامگاه و اشیاء آن به اطلاع دفتر آثار تاریخی می رسد .

نگارندگان از دفتر آثار تاریخی جهت بررسی موضوع و انتقال اشیاء که شدیداً " مورد درخواست کارگاه جهاد بود و مدتی بود کار آنها تعطیل شده بود ، در حضور نمایندگان اداره ارشاد اسلامی بهبهان و فرمانداری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ژاندارمری محل عملیات انتقال اشیاء را شروع نموده و بدون اینکه به فرم معماری آرامگاه و کشف آن کوچکترین صدمه ای وارد شود در حد امکان و با استفاده از ماشین آلات جهاد و نیروی انسانی کارگاه سد مارون اقدام به برداشتن دو قطعه سنگ بزرگ روی مقبره گردید تا بتوان براحتی تابوت را خارج نمود .

همچنانکه در تصاویر مربوط نشان داده میشود . عکسهایی که قبل از بازدید ما از داخل آرامگاه توسط اداره ارشاد اسلامی بهبهان تهیه شده جمجمه اسکلت داخل تابوت را در قسمت قوسی شکل تابوت نشان میدهد ولی اولین تصویری که بعد از برداشتن سنگ پوشش قبر تهیه شده جمجمه را در محلی که بوده است نشان نمیدهد و از قرار اطلاع قبلاً " از داخل تابوت خارج شده و از محل اصلی خود تکان خورده و جایجا شده است . تنها یک استخوان ران بر سطح تابوت مشاهده میگردد . باید اعتراف نمود کوچکترین خاکبرداری داخل تابوت صورت نگرفته بود و قطعات زیادی از گچهای اندود دیوارها و سقف به داخل آن افتاده بود .

با اینحال در حضور نمایندگان مقامات محلی و در چند مورد

۱- ماجرای کشف آرامگاه ارجان - بهبهان

(تصاویر شماره ۱ تا ۱۸)

بر اساس تلفنگرام اداره کل ارشاد اسلامی خوزستان - اینجانبان کارشناسان دفتر آثار تاریخی به محل شهر قدیم ارجان واقع در حدود ده کیلومتری شمال بهبهان عزیمت و از محل تسطیح شده توسط بولدزرهای جهاد سازندگی ادارات وابسته به سازمان آب و برق خوزستان که منجر به ایجاد حفره ای که به درون آرامگاهی باز میشده است گردیده ، بازدید بعمل آورده و اقداماتی در این رابطه بشرح زیر انجام پذیرفت :

قبل از بیان وضعیت محل مذکور لازم است انگیزه جهاد از خاکبرداری را روشن نمائیم : جهاد سازندگی ادارات در شمال محل کشف آرامگاه در حاشیه رودخانه مارون عملیات احداث سدی را بر روی رودخانه شروع نموده است که نقشه موقعیت و نقشه پروژه سد ارائه می گردد . (نقشه های شماره ۱ تا ۳)

بهنگام اجرای عملیات خاکبرداری در جنوب رودخانه و در شمال محدوده شهر قدیم ارجان بمنظور تهیه خاک رس و تسطیح محل جهت نصب دستگاههای بچینگ به حفره ای برخورد می نماید

در حضور امام جمعه بهبهان در کمال دقت محوطه داخل آرامگاه از خاکهای اضافی تمیزگردید و اشیاء موجود در آن در دو گروه:

الف - تابوت فلزی و اشیاء داخل آن

ب - اشیاء داخل آرامگاه و خارج از تابوت

بشرح زیر از آرامگاه خارج گردید .

الف :

۱- تابوت فلزی و در پوش آن از جنس برنز

۲- حلقه طلائی

۳- دگمه‌های طلا به تعداد ۹۸ عدد

۴- خنجر با نگینی مرصع و بست طلائی

۵- چند قطعه پارچه

۶- مقداری استخوان اسکلت درون تابوت

ب :

۱- پایه آتشدان ؟ فلزی

۲- ظرف قیفی شکل با کف مسطح

۳- ظرف بشکل کوزه گرد از جنس نقره

۴- ظرف بشکل کوزه با گردن بلند از جنس برنز

۵- ظرف بشکل لیوان دو حداره از جنس برنز

۶- ظرف بشکل لیوان با دهانه باز به تعداد ۱۰ عدد از جنس

برنز

۷- ظرف بشکل کوزه بابدنه کروی و دواپر حلقوی از جنس برنز

ضمناً در معرفی اشیاء فوق سه قطعه شیئی شامل یک ظرف بزرگ بشکل سینی و یک عدد میله نقره‌ای و ساقه آتشدان اضافه میگردد .

این اشیاء کلاً در محل فرمانداری در حضور فرماندار و امام جمعه بهبهان جهت حمل به موزه ایران باستان بسته بندی گردید .

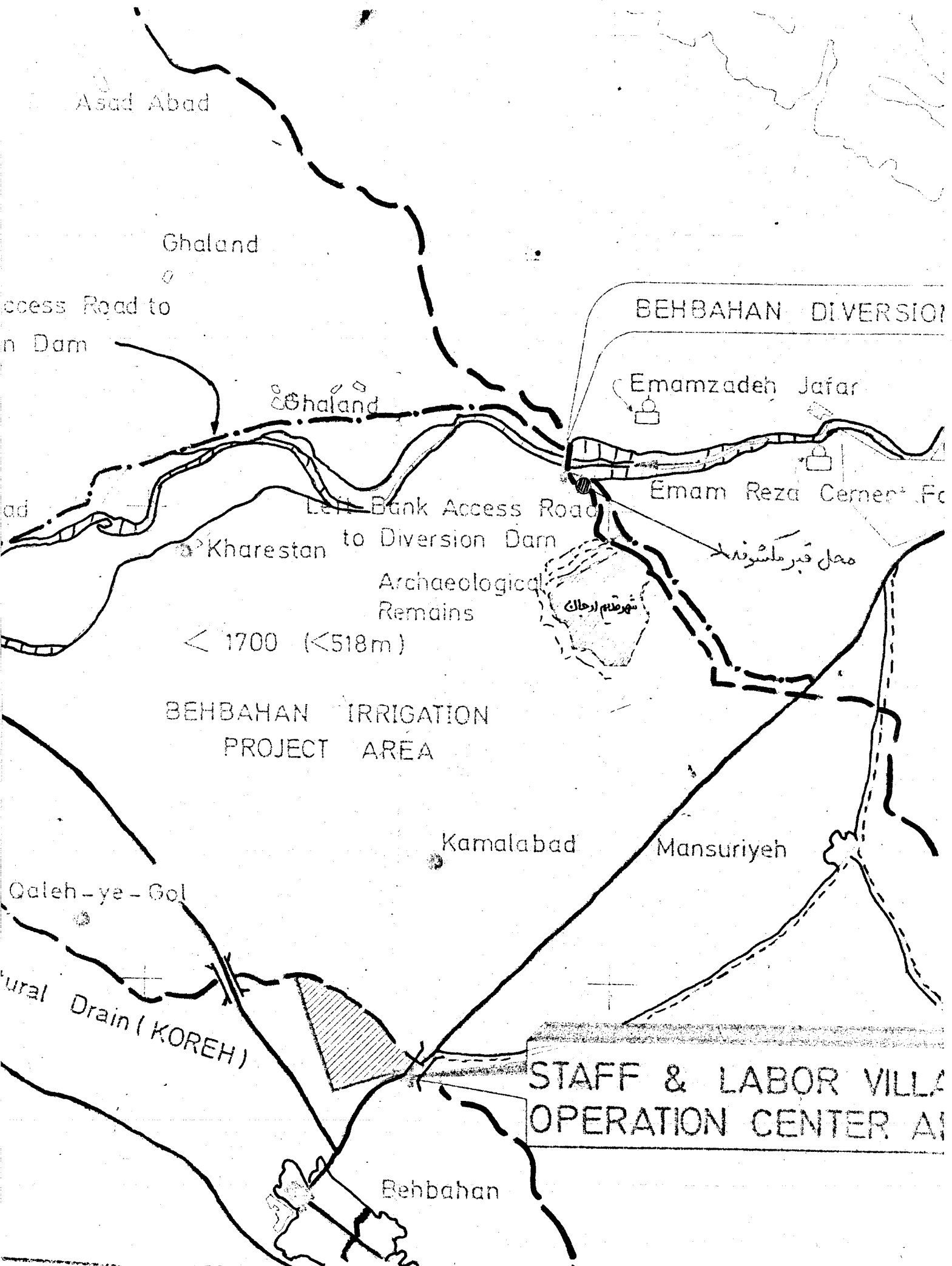
جا دارد در امر انتقال این اشیاء از برادر جامه دارپور فرماندار محترم بهبهان ، بردار دهقان نماینده سپاه پاسداران بهبهان و برادران ناجی ، آل اسحق ، ترک زاد مهندسین آب و برق و جهاد سازندگی ، مسئولین اداره کل ارشاد اسلامی خوزستان و

اداره ارشاد اسلامی بهبهان ، همکار ارجمند ناصر ترکی حبیب آبادی باستان شناس اداره کل ارشاد اسلامی خوزستان و همکاران آتلیه عکاسی دفتر آثار تاریخی بخاطر تهیه عکسها آقای ملک عراقی ، علی آبادی حساس و هرنده ای که کمک شایان توجهی نمودند کمال تشکر را بنمائیم .

ضمناً " محل آرامگاه جهت ادامه تحقیقات علمی و بررسی های باستان شناسی توسط مرکز باستان شناسی ایران تحت مراقبت و حفاظت قرار گرفت و روی آن بدون کمترین تغییری پوشیده شد .

در این گزارش سعی شده است ضمن بیان تاریخچه مختصری از سابقه تاریخی محل کشف آرامگاه به تاریخ گذشته خوزستان نیز اشاره ای شود سپس حاصل مطالعاتی که روی اشیاء صورت گرفته از جمله ترجمه نوشته میخی روی حلقه طلائی و اهمیت ارزش کشف این آرامگاه در روشن شدن نقاط تاریک و مبهم تاریخ سرزمین عیلام ارائه گردد .

اشیاء آرامگاه ارجان بخاطر کیفیت والا با ارزش خود هر کدام می تواند موضوع یک تحقیق و مقاله علمی باشد و باید اعتراف بنمائیم که با نگاه گذرائی که در این گزارش از اشیاء بعمل آمده چنانچه شاید و باید حق مطلب ادا نشده است . امید است محققین و هنرشناسان با آگاهی از این اطلاعات مختصر در زمینه های مختلف آن مثل معماری - بیان وقایع تاریخی - معرفی اشیاء هنری این آرامگاه تحقیقات مفصل و پر دامنه ای را آغاز کنند تا صفحه ای بر تاریخ پر از ابهام دوره عیلام افزوده گردد .



Asad Abad

Ghaland

Access Road to
n Dam

BEHBAHAN DIVERSION

Emamzadeh Jafar

Ghaland

Emam Reza Cemetery

Left Bank Access Road
to Diversion Dam

Kharestan

Archaeological
Remains

محل قبر ماشونه

شهر قدیم ارگان

1:1700 (1:518m)

BEHBAHAN IRRIGATION
PROJECT AREA

Kamalabad

Mansuriyeh

Qaleh-ye-Gol

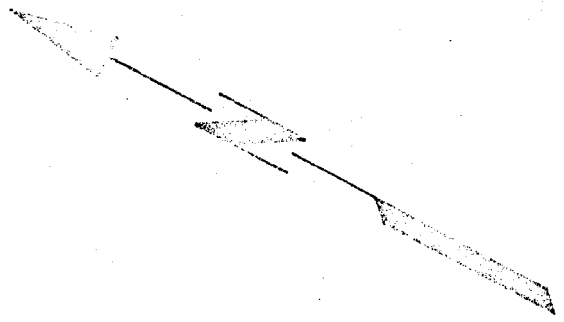
Natural Drain (KOREH)

STAFF & LABOR VILLA
OPERATION CENTER

Behbahan

۱- موقعیت آثار شهر قدیم ارگان در حاشیه رودخانه مارون

$N = 3.392.750$
 $PI-2 \quad E = 430.445$
 $\Delta = 26^\circ 53' 35''$
 $R = 200$
 $T = 47.81$
 $L = 93.87$
 $PC = 0+147.73$
 $PT = 0+241.60$



~~$N = 3.392.500$~~
 ~~$E = 430.500$~~

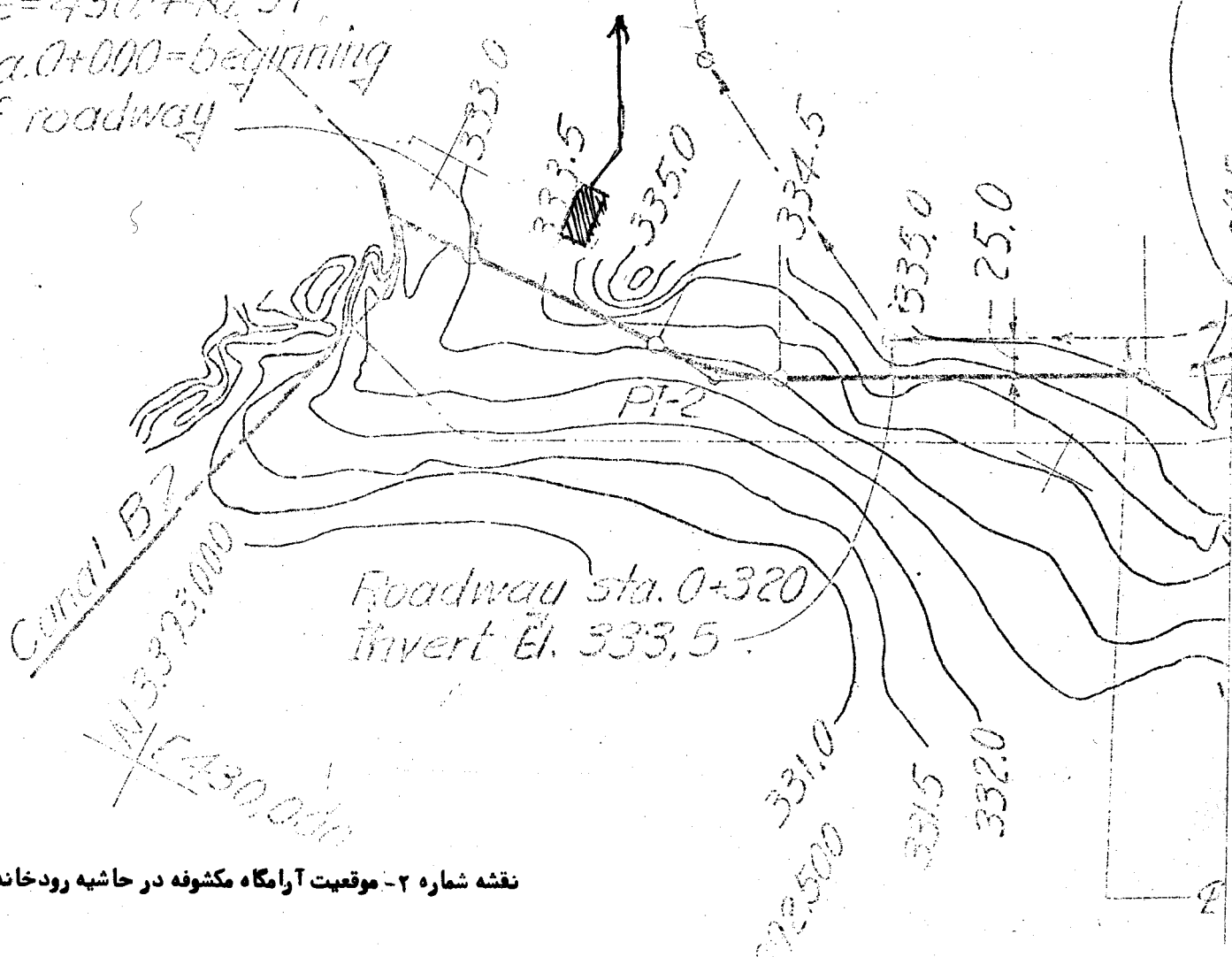
مختوم سد انحرافی

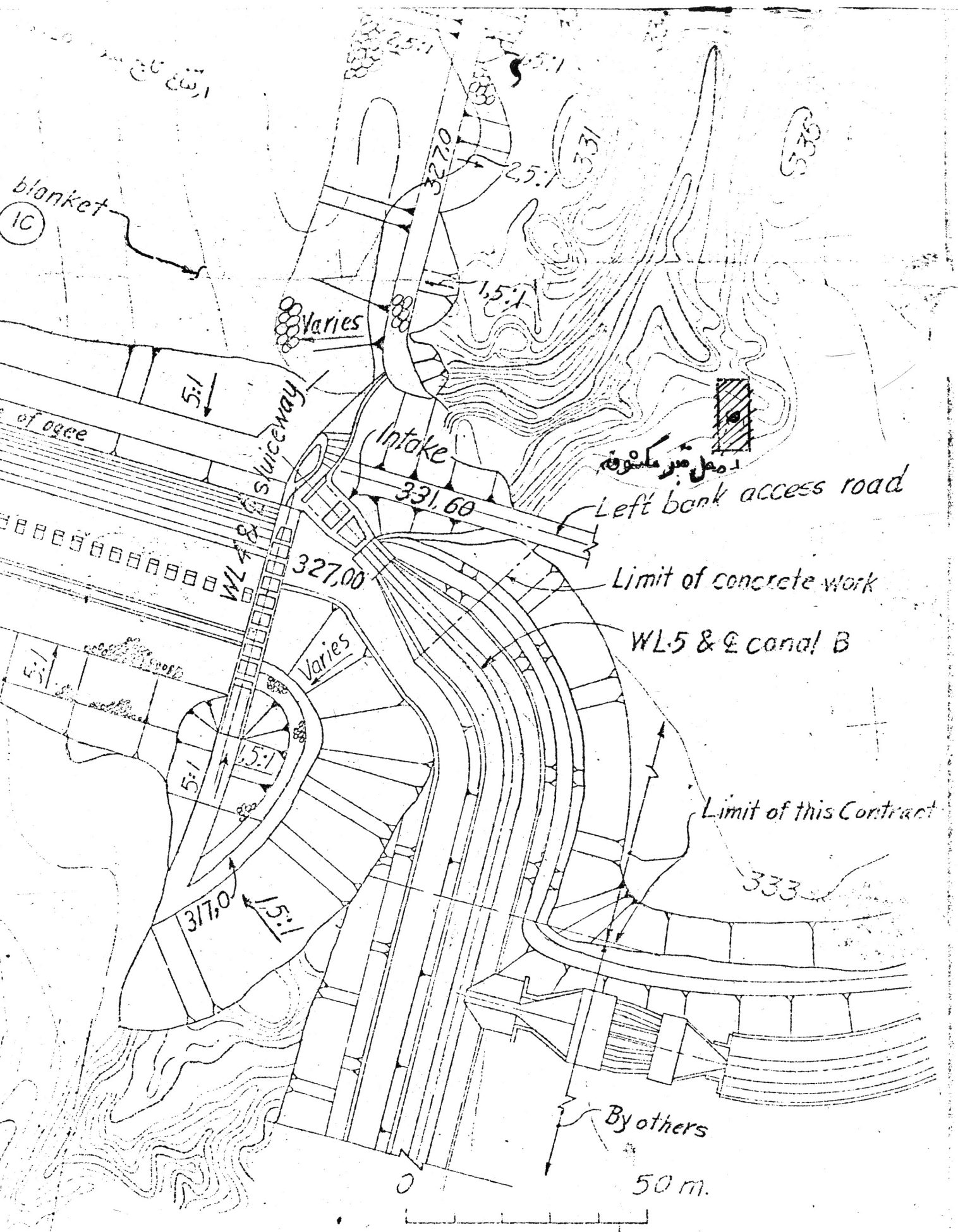
$PI \quad N = 3.392.860$
 $E = 430.650$

$Invert \quad El. \quad 333.2$
 (provide riprap at outlet as directed)

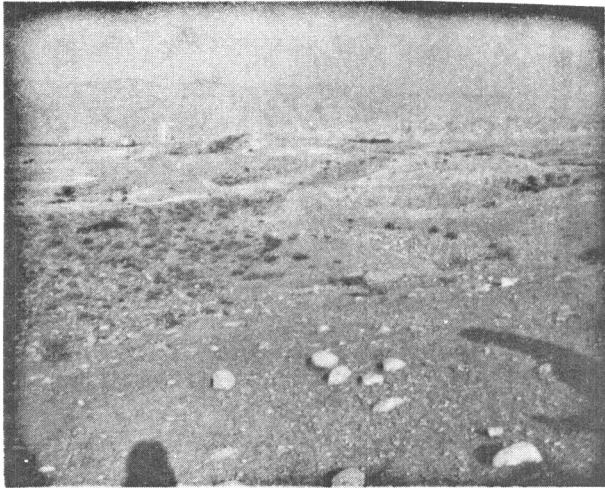
$PE-1 \quad N = 3.392.945.49$
 $E = 430.440.37$
 $Sta. \quad 0+000 = \text{beginning of roadway}$

$91, 7, 24$
 منزل قبر طبرستان

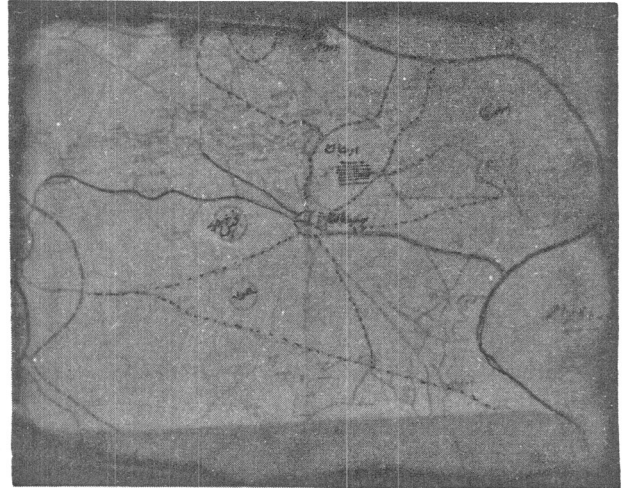




نقشه شماره ۳- موقعیت آرامگاه مکتوفه و نقشه پروژه سد در دست احداث رودخانه مارون



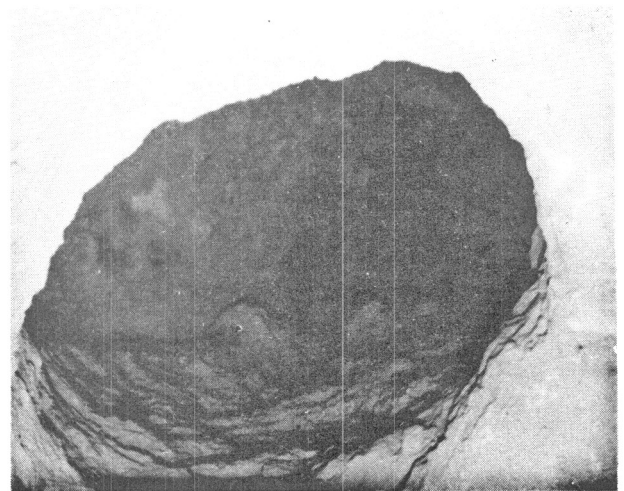
۲- نمای برجستگی های شهر قدیم ارجان



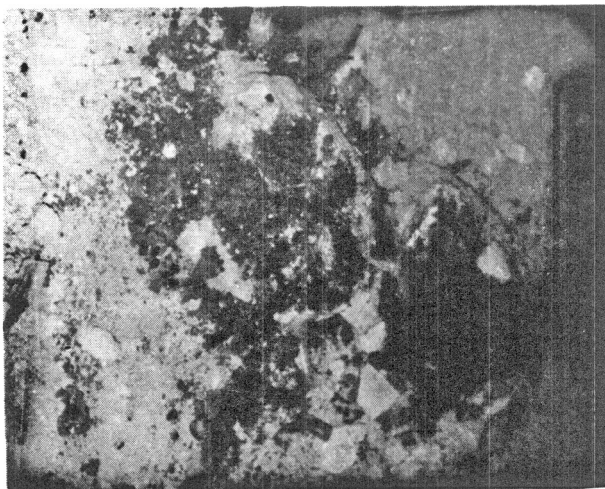
۱- شهر بهبهان و موقعیت ارجان واقع در شمال آن



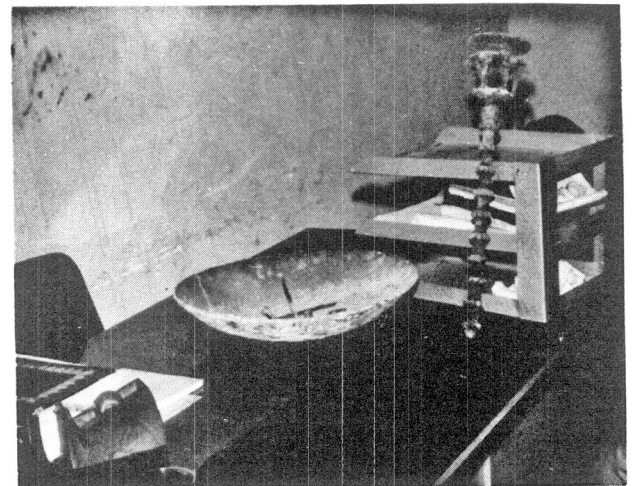
۴- عکسی که توسط اداره ارشاد اسلامی بهبهان از تابوت درون آرامگاه گرفته شده است .



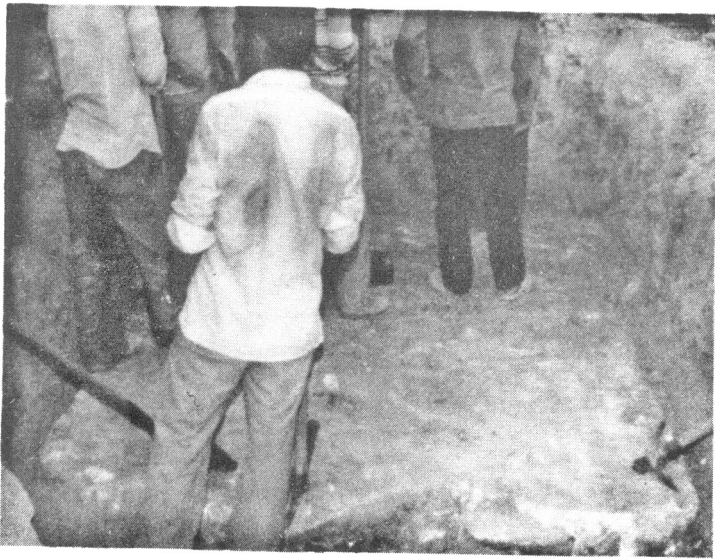
۳- حفرهٔ ایجاد شده بهنگام تسطیح



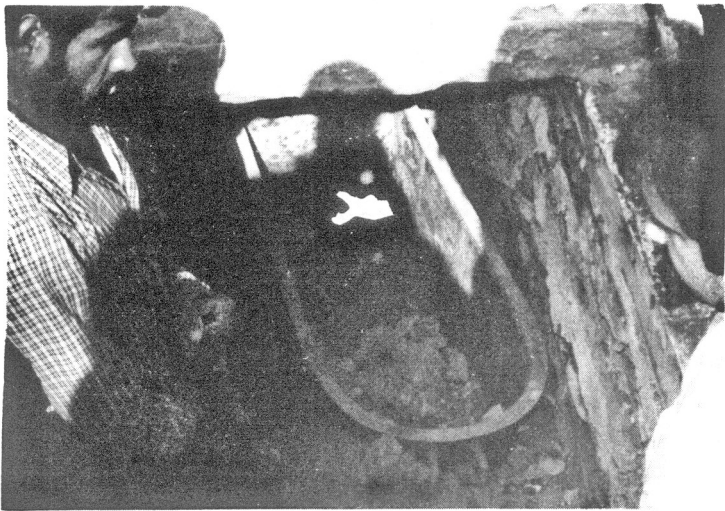
۶- سطح آرامگاه - محل دو حفره سفالی محتوی خاک زغال



۵- اشیاء انتقال یافته از دورن آرامگاه توسط اداره کل ارشاد اسلامی خوزستان



۷- سنگهای پوشش آرامگاه

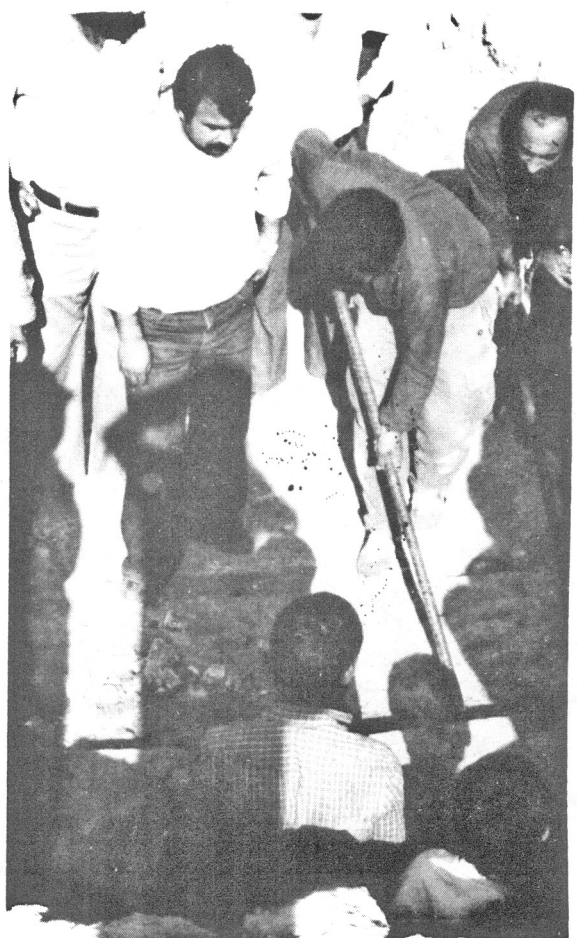


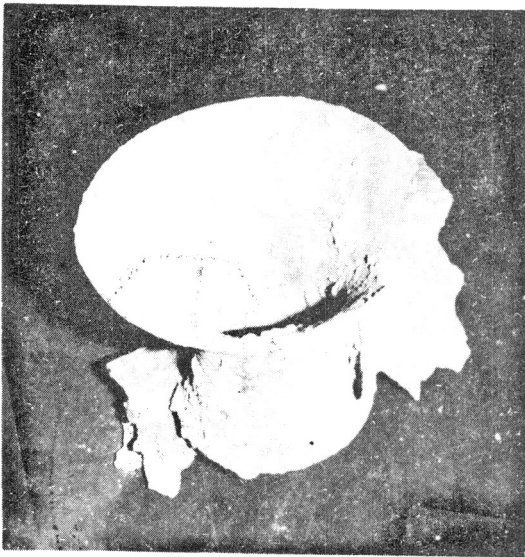
۸- نمودار شدن تابوت فلزی بعد از برداشتن سنگ پوشش قبر



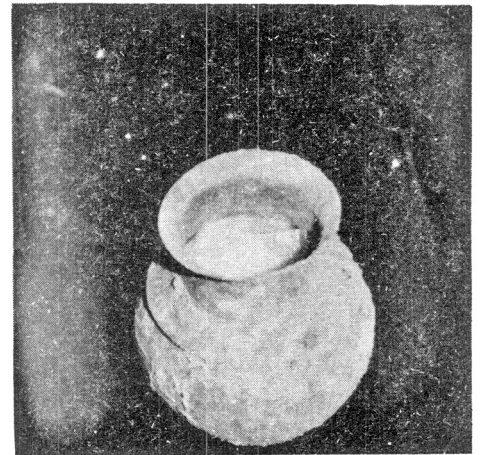
۹- عملیات تمیز کردن داخل آرامگاه در حضور امام جمعه بهبهان

۱۰- جابجا کردن سنگهای پوشش آرامگاه



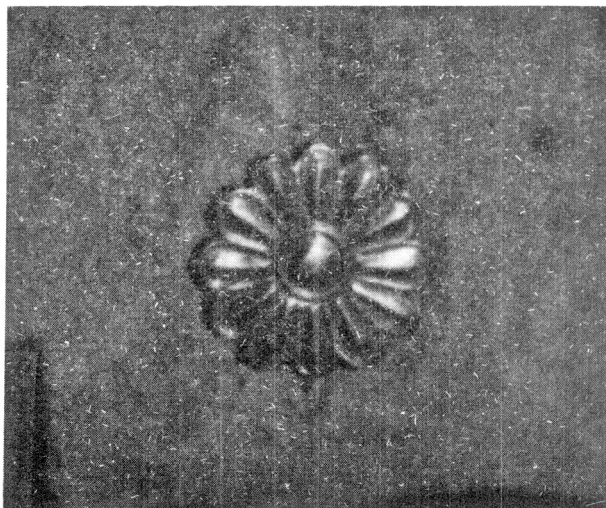
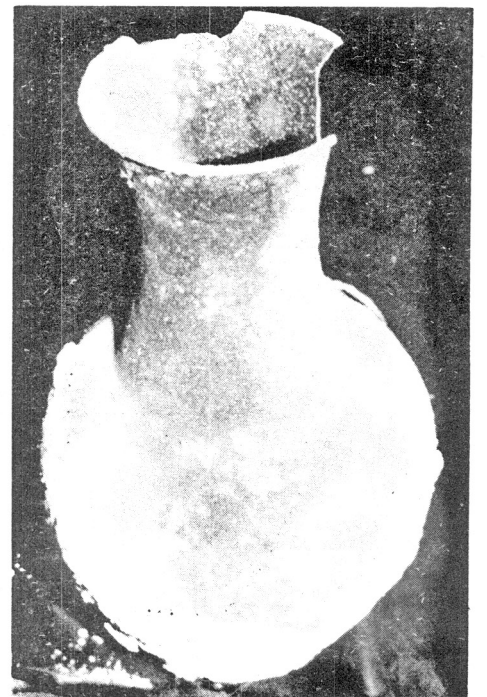
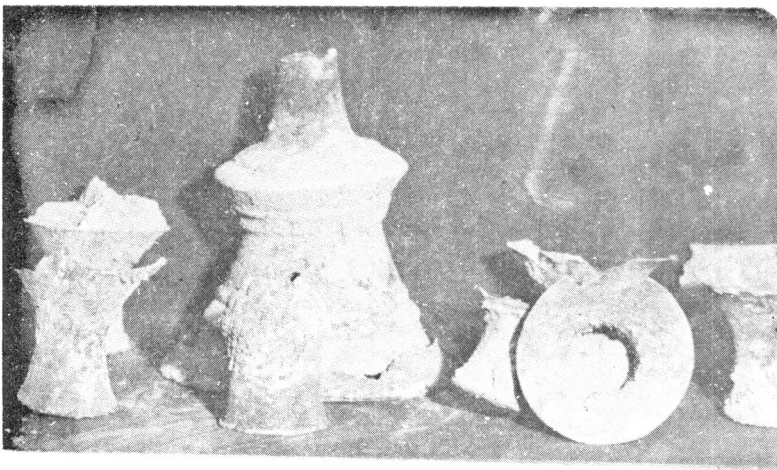


۱۲-۱۴ - ظروف فلزی داخل آرامگاه - خارج از تابوت

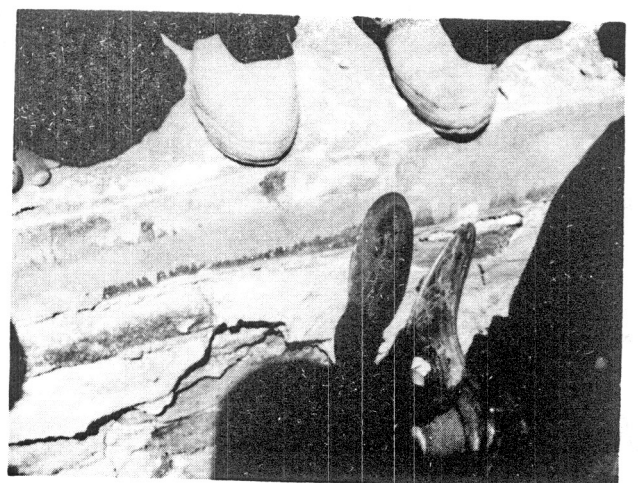


۱۱ - کوزه نقره‌ای مکشوفه از خارج تابوت داخل آرامگاه

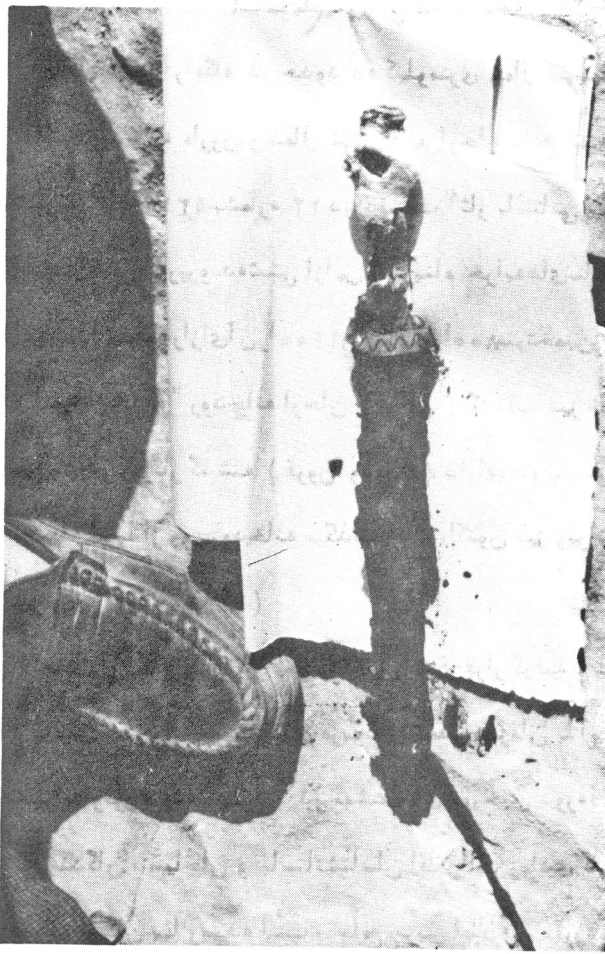
۱۳ - ظرف فلزی مکشوفه از داخل آرامگاه



۱۶ - نمونه‌ای از دکمه طلائی مکشوفه از داخل تابوت



۱۵ - حلقه طلائی مکشوفه از داخل تابوت

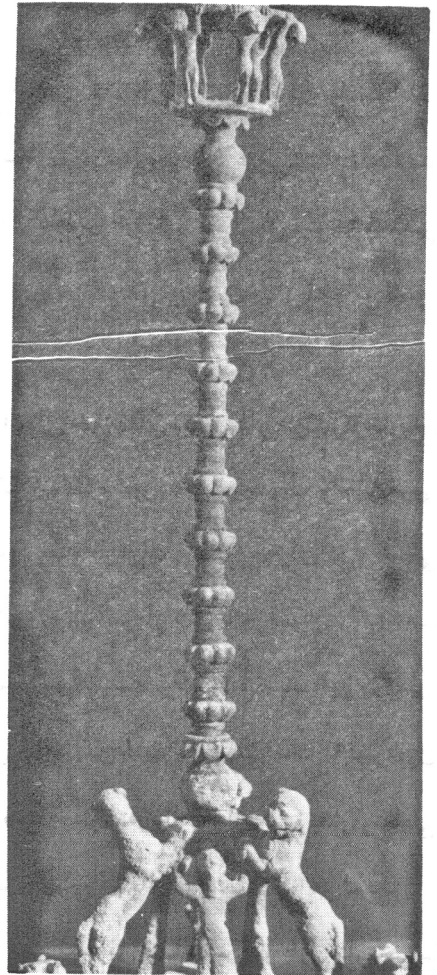


۱۸- خنجر با تزئینات طلا مکشوفه از داخل تابوت



۱۷- تابوت فلزی خارج شده از داخل آرامگاه

۱۹- آتشدان فلزی مکشوفه از داخل آرامگاه



۲۰- قسمتی از اشیاء در حضور امام جمعه و فرماندار بهبهان



۲- سابقه تاریخی محل کشف آرامگاه ارجان

محل کشف آرامگاه در حدود ده کیلومتری شمال بهبهان در حاشیه رودخانه مارون و شمال شهر قدیم ارجان واقع شده و در شهریور ماه ۱۳۱۰ بشماره ۴۴ در فهرست آثار باستانی به ثبت رسیده است. در پرونده ثبتی از این شهر بنام خرابه‌های ساسانیان اسم برده شده و در ازای آن ۲۰۰ و پهنای آن ۸۰ متر تخمین زده اند و آمده است که "رودخانه ارجان (ارگان) که تاب نیز خوانده میشود در روزگار گذشته (قرون وسطی) دارای دو پل بوده که بوسیله آنها از روی رودخانه میگذشته اند. اکنون نیز ویرانه‌های دو پل موجود است (۱) ."

محل آرامگاه واقع در محدوده این شهر قرار گرفته و بر روی لایه‌های سطحی آن سفالهای مربوط به تمدن همزمان با آبادانی شهر به وفور دیده میشود. در نوشته‌های مورخین دوره اسلامی نویسندگان، سیاحان و باستانشناسان اطلاعات زیادی در مورد منطقه ارجان بما رسیده است. جامع ترین اطلاعات مورد بحث که حاوی تحقیقات و مطالعات علمی بر مبنای توپوگرافی تاریخی منطقه است توسط پرفسور اطریشی-هاینس گاو به استاد باستانشناسی دانشگاه توپینگن آلمان در کتاب ارجان و کهگیلویه ارائه شده است. نامبرده شهر قدیم ارجان را مرکز یکی از ایالت‌های ساسانیان در مرز خوزستان و فارس ذکر نموده و این ناحیه را یکی از گذرگاه‌های مهم ذکر نموده که فلات ایران را به بین‌النهرین مربوط میساخته است. این استان بنا به موقعیت ارتباطی و نیز وضع مناسب طبیعی، آب فراوان و زمین‌های حاصلخیز توانست در زمانهای صلح و آرامش به دوران شکوفائی خود برسد و این شهر نیز بنا به موقعیت ویژه خود به داخل کشمکش‌های جنوب ایران و بین‌النهرین کشیده میشده و با پیروزی و شکست طرفین مخاصمه نواحی اطراف آن و مناطق نزدیک ساحل خلیج بین نیروهای متخاصم دست بدست می‌گشت. استان قرون وسطائی ارجان که تا حدی ترکیب باستانی خود را در شهرستان بهبهان که یکی از شهرهای خوزستان است

حفظ کرده و تقریباً "پانزده هزار کیلومتر مربع وسعت داشته و یکی از غربی‌ترین استانهای پنجگانه فارس (در دوره ساسانیان) بوده است. حاصل تحقیقات انجام شده اینست که بنای این شهر قدیم را به قباد ساسانی نسبت میدهند. اما آغاز تاریخ این محل مسلماً نمی‌تواند از دوره ساسانیان باشد بلکه باید از گذشته‌های بس دور بدنبال تمدنهای پیش از تاریخ این منطقه به بررسی و کاوش بپردازیم. چنانچه در بررسیهای اخیر وجود سفالهای پیش از تاریخ متعلق به هزاره سوم و چهارم قبل از میلاد را در حاشیه آن و در ته سبز واقع در جنوب شرقی ارجان در فاصله بسیار نزدیک سکونت را در این منطقه تایید نموده است. با توجه باینکه شهر ارجان در دامنه‌پست کوه‌های کهگیلویه یعنی همان ارتفاعات که دسته‌ای از قبایل هسی یا اوکسیان که ایلامی هستند سکونت داشته اند قرار دارد در دوره عیلام نمیتواند مورد توجه نباشد چنانچه در دوره‌های بعد این محل یکی از گذرگاه‌های ارتباطی بین‌النهرین و دولت هخامنشی است. اقوام ساکن در این منطقه از نظر باج‌گیری شهرت دارند و این باج‌گیری تا زمان اسکندر که میخواست است از تنگ‌تکاب واقع در شمال شهر قدیم ارجان عبور کند ادامه داشته است. بنابراین کشف آرامگاه عیلامی در ارجان توجه محققین را به مطالعه و بررسی این منطقه در ادوار پیش از ساسانی بخود جلب می‌نماید.

۳- باستانشناسی استان خوزستان (خوزستان در گذرگاه تاریخ)

سرزمینی که هم‌اکنون با نام خوزستان در جنوب و جنوب‌غربی کشور ایران معرفی میشود بلحاظ شرایط خاص جغرافیائی و طبیعی مسلماً "گذشته‌های مغشوش و سراسر از تحرک و جنبش را بقدمت پیدایش اولین طلیعه تمدن بشری پشت سرگزارده است. این سرزمین که ادامه قسمت جنوبی جلگه بین‌النهرین سفلی است با بهره‌وری از خصوصیات اقلیمی منطقه پیوسته رسالت تاریخی و نقش ارتباطی خود را به عنوان عامل اصلی انتقال فرهنگ و ظواهر تمدنی از فلات مرکزی ایران به بین‌النهرین و بالعکس در طول تاریخی با

تحمل فراز و نشیب‌هایی همچنان حفظ نموده است. تاریخ گذشته این سرزمین و اسرار نهفته تمدن آن تا سالیان قبل ناشناخته و ابهام انگیز بود. شروع کاوشها و حفريات باستانشناسی در شوش آغازی بود که اندک اندک پرده از راز این اسرار نهفته در دل خاک را بر میداشت، هر قدر که بنیه علمی هیاتهای کاوشگر تقویت میشد و تکنیک کار و دقت نظر بالا میگرفت و لابلای ذرات خاک فشرده بقایای باستانی با کنجکاو و هوشیاری هر چه بیشتر جستجو میگشت، نشانه های حیات و تداوم تمدن و استقرار در اشکال مختلف ابزار و ظواهر فرهنگ مادی بیشتر نمودار گشته و در تکمیل اطلاعات و تحقیقات علمی موثرتر می افتاد.

ادامه فعالیت هیاتهای مختلف در حوزه این استان و توسعه دامنه حفريات علمی باستانشناسی منجر به کشفیات جدیدی از مجهولات جهان باستان در دورانهای پیش از تاریخ و تاریخی منطقه گردید. این کاوشها که علاوه بر شوش در تپه های باستانی جعفرآباد جوی - بوهلان (نزدیکهای غرب شوش) - موسیان - خزینه علی کش - علی آباد - چغاسفید - اشرف آباد و تپه سبز (دشت جنوبی دهلران) چغامیش (نزدیکهای دزفول) هفت تپه و چغازنبیل مسجد سلیمان (نقشه ۴ صفحه ۲۴۵) و با بررسیها و گمانه زنیهای علمی که در اکثر نقاط حوزه این استان انجام میگرفت کلاً " موفقیت آمیز بوده و نتایج حاصل از آنها تا حدودی توانسته است هویت مجهول تمدن و فرهنگ اقوام باستانی و تاریخی مستقر در منطقه و رابطه های اسکان و استقرار، طرز معاش، چگونگی ایجاد و پیدایش اولین دهکده های سکونت، دوران شهرنشینی، آشنایی به امر کشاورزی و دامداری و بالاخره پیدایش خط و ظهور انقلابات فرهنگی و صنعتی (تکنولوژیکی) را معلوم نماید.

میتوان گفت فرانسه اولین کشوری بود که با سیاست خزننده و فرصت طلبانه خود بر روی غنائم فرهنگی و تمدنی این قسمت از مملکت مابال گسترده و سالیان دراز و متمادی تا آنجا که توانستند موزه ها و مراکز فرهنگی کشورشان را از اشیاء و ابزار بدست آمده

از حفريات باستانشناسی در این منطقه با پایمال نمودن و نادیده گرفتن حقوق انسانی یک ملت در لوای خدمتگزار فرهنگی و محقق و مستشرق مملو کرده و بالاخره در زمره سر دمداران و پرچمداران مدعی نشر و معرفی فرهنگ و تمدن ایران باستان قرار گرفتند. در کنار فعالیت هیاتهای فرانسوی در این اواخر میتوان از هیاتهای آمریکائی با عملیات کاوش در تپه های باستانی چغامیش - چغاسفید تپه سبز و علی کش در نواحی دزفول و دهلران نام برد که کم و بیش این حفريات تا سال ۱۳۵۶ (قبل از پیروزی انقلاب) ادامه داشته است.

برخورد تیغه بولدزر به پیکر یک تپه باستانی در مسیر جاده شوش - هفت تپه و نمودار شدن مجموعه ای عظیم از آثار و بقایای معماری موجب راهی شدن یک هیات باستانشناسی ایران بسرپرستی آقای دکتر عزت اله نگهبان بمحل گردید.

باید اذعان داشت که اتفاقات و حوادث ناشی از اقدامات عمرانی از قبیل راهسازی، شهرک سازی، خاکبرداری و تسطیح اراضی کشاورزی، احداث باغ و نظائر آن در پاره ای موارد از جمله عوامل موثر در امر شناساندن و معرفی بقایای باستانی و ظواهر تمدنی در مناطق مختلف کشور میباشد که کشف معبد هفت تپه و آرامگاه کیدین هوتران در ارجان - بهبهان مرهون این برخورد ناگهانی و تصادفی بوده و مشمول چنین مواردی هستند.

حاصل حفريات چندین ساله هیاتهای فرانسوی در شوش و چغازنبیل و هیات ایرانی در هفت تپه مجموعاً " اطلاعات بسیار جالب و قابل توجهی را در ارتباط با یک دوره خاص از تاریخ باستانی سرزمین خوزستان با نام " عیلام " بدست داده است.

هر چند اطلاعات بدست آمده در مورد تاریخ عیلام با توجه به عظمت این کشور و گذشته مغشوش نمیتواند جامع و کامل باشد مع الوصف با وجود ناقص بودن و مجهول ماندن و شاید هم از بین رفتن بسیاری از مدارک و شواهد مستند میتوان سیمای کلی حکومت و وضعیت تاریخی این قوم اصیل و محلی راتا حدود زیادی

از لابلای اسناد مکشوفه و منابع معتبر و علمی اعم از کتب تاریخی و الواح گلی و سنگی و غیره مشخص و معرفی نمود. بدون شک مطالعه تاریخ عیلام و سرزمین خوزستان بدون مطالعه و بررسی تاریخ بین‌النهرین و ممالک آشور و بابل و سومر و آکاد مقدور نمی‌باشد و قبل از عملیات حفاری و نتایج حاصله از این کاوشها صرفاً "اطلاعات ناقص و مبهمی راجع به این قوم در کتیبه‌های آشوری و بابلی آنهم با نامی گنگ و موهوم بنام "عیلام" بما رسیده که خوشبختانه با انجام عملیات کاوش و نتایج حاصله از حفاریات مزبور حقا "نام عیلام که تا آن زمان همچنان مبهم و نا آشنا بود شکل حقیقی و واقعیت عینی خود را باز یافت و از این راز کهن تاریخی پرده برداشته شد.

با وجود توسعه دامنه حفاریات و تداوم تحقیقات، تاریکیها و نکات ابهامی در جدول حکمرانان تاریخ عیلام از لحاظ زمان بندی وجود دارد که بدیهی است روشن نمودن و تاریک ماندن تاریخ عیلام در این نوع مسائل به اعتباری ارتباط مستقیم با زد و خورد ها و کشمکشهای سیاسی و نظامی این قوم با اقوام بین‌النهرین که زمانی پیروز و گاهی مغلوب بوده داشته است که بهمین منظور میبایست خیلی از اطلاعات مجهول خود را در این باره، با بررسی و مقایسه آثار تمدنی و وضعیت گذشته اقوام بین‌النهرین روشن نمائیم. از آنجائیکه هر پدیده اجتماعی مشمول یک سیر تداومی، تکوین و تکامل و انحطاط از آغاز حیات تا نقطه مرگ و سقوطش میباشد مسلماً "اوضاع تاریخی و گذشته یک قوم و یک حکومت در یک محدوده مکانی و جغرافیائی مشخص بر اساس موازین علمی نمیتواند از این قاعده مستثنی باشد.

تاریخ عیلام بر اساس مدارک و شواهد علمی و معتبر به سه دوره تمدنی عیلام قدیم (پروتو عیلام) - میانه و جدید (متاخر) تقسیم بندی شده است.

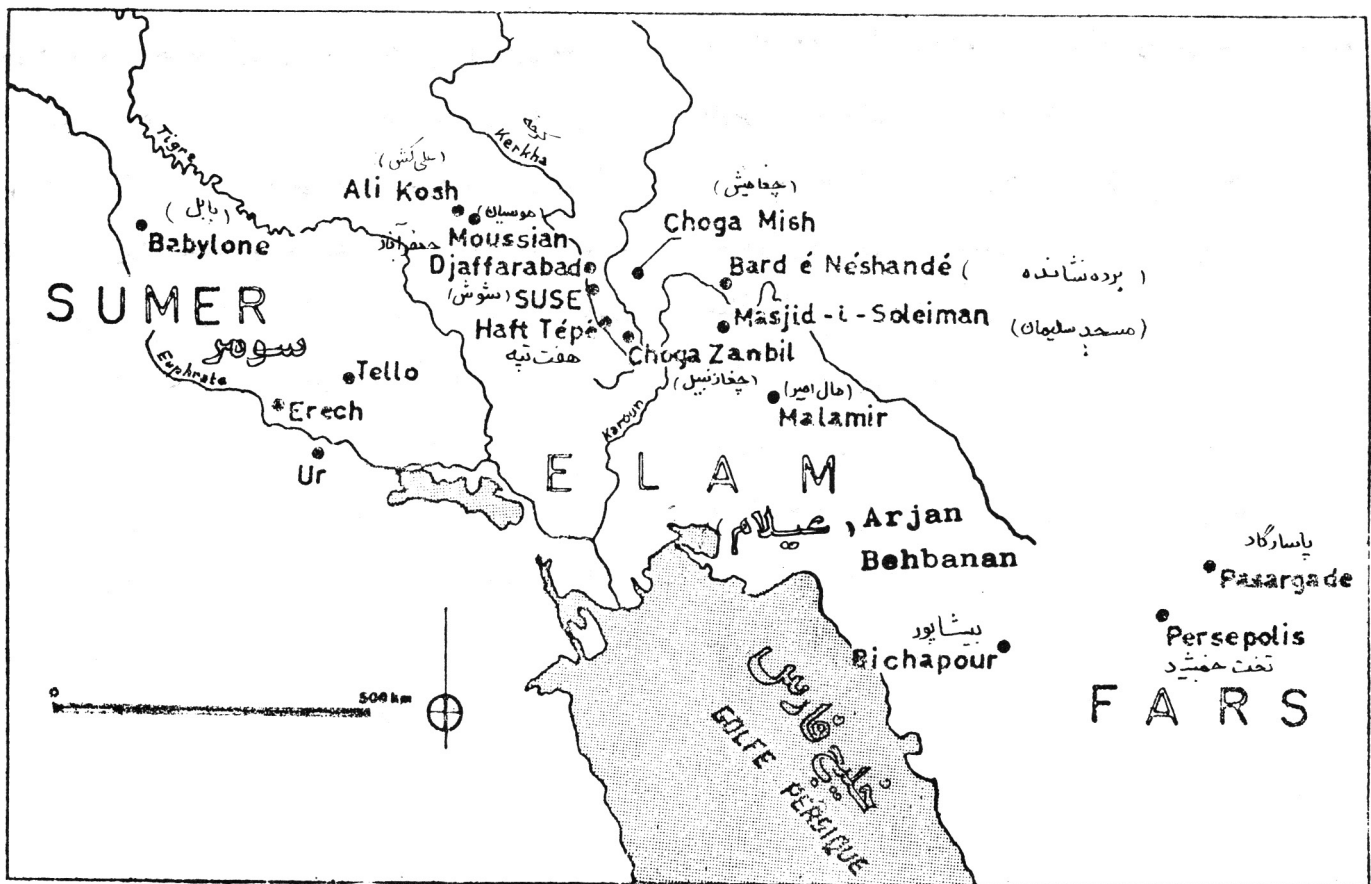
اصولاً "باستثنای دو مرحله زمان بندی شده تاریخی که زمان آنها بین قرون ۱۸ تا ۱۴ و ۱۲ تا ۸ ق. م قرار میگیرد کلیات

تاریخی و گذشته این قوم کاملاً "روشن و معرفی گردیده و با ادامه حفاریات و کاوشهای علمی انتظار میرود که وضعیت این دو مرحله تاریخ و مجهول تا آنجا که مدارک، بجا مانده یاری نمایند مشخص و بمرور جدول زمان بندی حکمرانان آن تکمیل گردد.

با کشف بقایای باستانی شهر پانزدهم شوش که تاریخ بنای آن بزمان اونتاش گال میرسد و بنام شهر "دوراونتاش" معروف میباشد و همزمانی آن با حفاریات چغا زنبیل و نمودار شدن زیگورات و معبدی عظیم در آنجا (که فی الواقع کشفیات این دو منطقه معروف مجموعه‌های عظیم شهرسازی و معماری بر اساس اعتقادات و مبانی مذهبی این قوم است) نکات بسیار ارزنده‌ای از وضعیت دوران تاریخ، تاریخ عیلام میانه معلوم گردید و موجودیت آنها از یک مرحله پیشرفت و تکامل و اوج هنری در آن دوره حکایت دارد و میتوان گفت تاریخ ایجاد و شکل‌گیری آنها با وجود اشیاء هنری با ارزش در اشکال و صور مختلف و تناسب تکنیک ساخت و رابطه این اشیاء با ابنیه عظیم آن عهد در حد خود نقطه عطفی در تاریخ گذشته این قوم بوده و بی‌شک نیست که این دوره را "عصر طلائی" تاریخ عیلام نام نهاده‌اند.

کشف آرامگاه "ارجان" با کیفیتی از مجموعه اشیاء بسیار نفیس بعد از آثار "زیویه" و "مارلیک"، از نقطه نظر ارزش موزه‌ای در قرون اخیر بی‌سابقه بوده و حتی به جهت وجود نوشته‌های میخی بر یکی از اشیاء آن "حلقه طلائی" بنام یکی از حکمرانان عیلام می‌تواند از ارزش و اعتبار علمی بیشتری برخوردار باشد.

حدود پانزده سال پیش بهنگامیکه بر اثر یک اتفاق آرامگاه هفت تپه از دل خاک بیرون آمد رازهای ناگفته‌ای از نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد در مورد تاریخ عیلام برملا گشت. کاوشهای مداوم و سیستماتیک هفت تپه زیر نظر دکتر نگهبان استاد باستانشناسی دانشگاه تهران با پی‌گیریهای استادانه ایشان نام "تپتی‌آهار" را به لیست حکمرانان این دولت افزود و سایه روشنیهای خطوط اصلی هنر عیلام را در عصر طلائی آن ترسیم نمود و نشان داد



نقشه شماره ۴ (از کتاب راهنمای موزه شوش)

که هنر عیلام هنوز باوج می رود . بنای معبد چغازنبیل در زمان اونتاشگال (حدود ۱۲۶۰ ق . م) چه از نظر شکوه و عظمت و چه از نظر بعد مذهبی و فلسفه تعالی انسان شواهدی است بر تکامل هنر این دوره .

از آنجائیکه سیر تاریخ، توقف ناپذیر است سرانجام با یک کشف اتفاقی دیگر تاریخ این دوره باز هم ورق می خورد و دنیای مبهم و تاریک دوره بعد از اونتاشگال که هنوز بدرستی کسی از آن مطلع نبود با کور سوئی که از درون آرامگاه " ارجان " تابیدن گرفت ما را به تفکر در حوادث درون خود وا داشت .

یکی از ویژگیهایی که می توان برای آرامگاه ارجان قائل شد وجود نوشته میخی بر حلقه طلائی است و با خواندن این نوشته هرچه سریع تر قاطع تر بدون استعمال و استفاده از کلمات نظیر احتمالاً " یا شاید بدون توسل به کاوشهای بعدی نظیر آنچه که حدود چند

سال در هفت تپه طول کشید می توان اظهار نظر نمود . خوشوقتانه نوشته میخی حلقه طلائی توسط آقای دکتر عبدالمجید ارفعی متخصص خطوط میخی در ایران ، خوانده شد و از مفاد آن چنین بر می آید که این آرامگاه متعلق به شخصی بنام " کیدین هوتران یا

کیتین خوتران پسر زیل لیب ایشنا "

Kitin huutraan šak zil lib iš na

Kidin huutraan šak sil lip iš na

می باشد . lil

تاریخ عیلام بخصوص در دوره عیلام میانی با پیدایش الواح گلی و نوشته های میخی روی آجرها و مجموعه های باقیمانده از معماری، مثل معبد چغازنبیل و آرامگاههای هفت تپه و شوش تا اندازه ای روشن شده است و در تدوین تاریخ این قسمت از عیلام آمده است : " اونتاشگال بسال ۱۲۶۵ ق . م معبد چغازنبیل را ساخت " و این دوره به عصر طلائی دوره عیلام مشهور است . هنر فلزکاری

و جواهرسازی، مجسمه سازی و معماری به اوج خود می‌رسد. ولی وقتی صحبت از هنردوران حکمرانی کیدین هوتران بمیان می‌آید تنها به یک علامت سوال اکتفا می‌شود و حتی جامع‌ترین اطلاعات مربوط به او از یک صفحه تجاوز نمی‌کند در حالیکه شوتروک ناحونته بسال ۱۱۷۰ ق. م بعد از وی حاکم عیلام بوده نوشته‌های زیادی از خود بجا گذاشته چنانکه در حفاریات هیات علمی فرانسوی در سال ۱۹۱۳ میلادی در بندر بوشهر، تعدادی آجر از گل پخته بدست آمد که بصورت کتابی در پاریس چاپ و منتشر گردید. نویسنده این کتاب موریس پزار است که بعداً "ترجمه این الواح در کتاب "خلیج فارس" توسط ویلسون به چاپ رسید. ترجمه یکی از نوشته‌های روی آجرها بشرح زیر است:

"من شوترک ناهونته پسرهلوتوش این شوشیناک، پادشاه‌انزان و شوش و هویان، مانا، معبد کی‌ری‌ری شایانوی لیان (۲) (که) با آجر پخته ساخته شده بود، در حال خراب شدن بود من آنرا بر پا داشتم با آجر آری‌تو دوباره ساختم و دوباره پایدار نمودم و به کی‌ری‌ری شاهه من تقدیم نمودم (۳)".

در چنین شرایطی بعد از اونتاشگال حکمرانان عیلام بجز کیدین هوتران وضعیت نسبتاً مشخصی در تاریخ پیدا کرده‌اند در منابع عیلامی و در خلال کاوشهای علمی شوش - هفت تپه و سایر نقاط خوزستان اسمی از کیدین هوترن برده نشده بود (۴) تنها اطلاعات ما در این زمینه صرفاً از روی منابع آشوری و بابلی بود آنهم بسیار اندک و مختصر است "نام هوتران" کیدین هوتران" از روی منابع آشوری و بابلی بدست آمده است. هنوز هیچ مدرک عیلامی زمان هوتران در حفاریات بدست نیامده است تنها نام او در معبد این شوشیناک در شوش متعلق به کی‌ری‌ری شاه متعلق به بانوی لیان آمده است. اگر تعبیراتی که از آثار بدست آمده در شوش درست باشد، کیدین هوتران بر عیلام حکومت کرده و مرزهای کشور خود را تا منتهی‌الیه مرزهای جنوبی گسترش و توسعه می‌دهد. و دوبار به آشور حمله برد. یکی در زمان آداد شوم آیدین بین

سالهای ۱۲۲۴ تا ۱۲۱۹ ق. م و حمله دوم در زمان آداد شوم نازیر بین سالهای ۱۱۸۹ - ۱۲۱۸ ق. م. کیدین هوتران ظاهراً از حملات فوق‌الذکر نتیجه‌ای نگرفته است ولی مورخین آشوری چنین اشاره کرده‌اند در حمله دوم مقداری غنائم با خود به شوش می‌آورد.

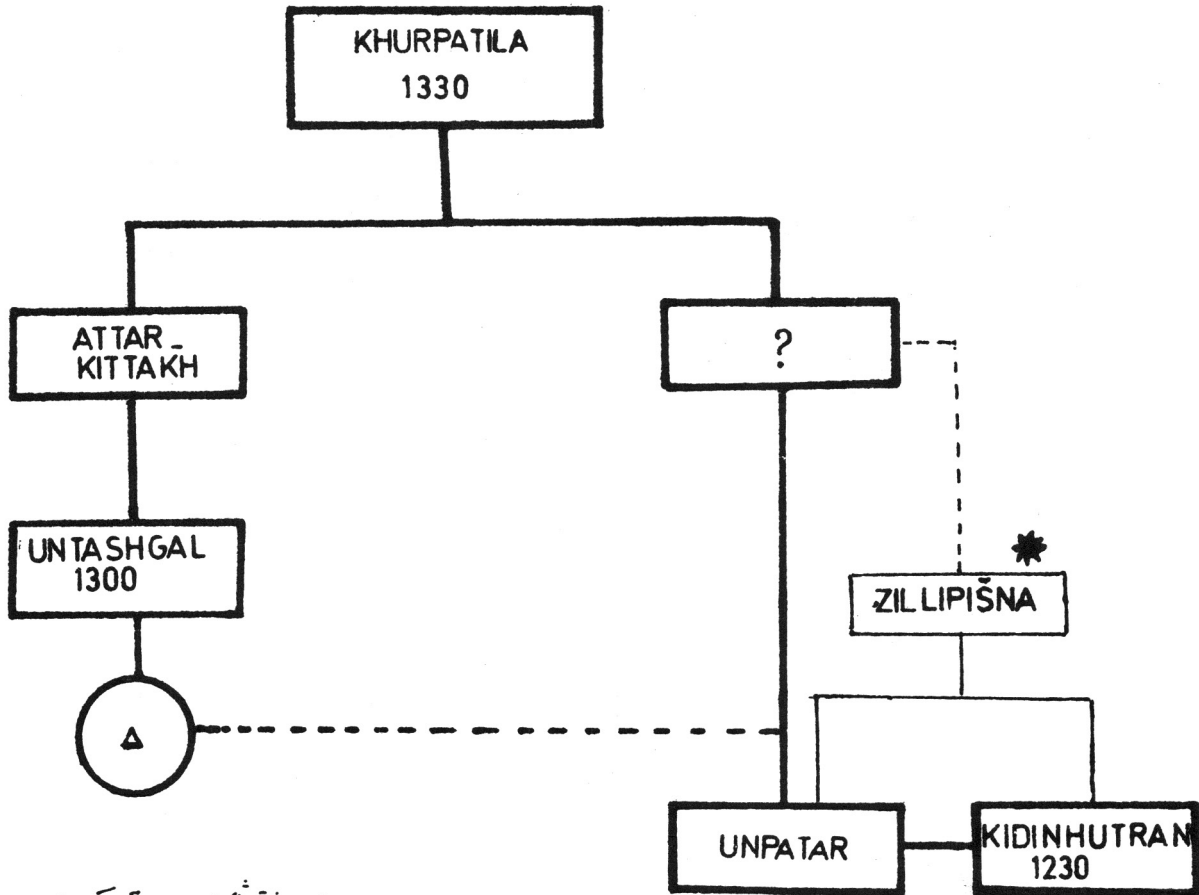
از دیگر وقایع زمان وی به این مسئله اشاره شده است که "وقتی توکولتی نینورتا (۱۲۵۸ - ۱۲۴۴ ق. م) قصد پیش‌روی بطرف مرزهای جنوبی عیلام را داشته هوتران دو مرتبه او را شکست داده و تا پایتخت آشور تعقیب می‌نماید. ولی سرانجام چون توکولتی نینورتا حمله‌های غافلگیرانه‌ای به عیلام نمود برد نهایی با او بوده است.

در آخرین حمله توکولتی نینورتا حکومت کیدین هوتران ظاهراً پایان می‌یابد زیرا شورش‌های داخلی و حملات خارجی باعث ضعیف شدن حکومت او شده بود. کیدین هوتران کسی بود که جانشین برادرش اونیپاتار شده بود (حدود سالهای ۱۲۴۲ تا ۱۲۲۲ ق. م) و اونیپاتار حکمرانی عیلام را بعد از زن اونتاشگال که بمدت یکسال حکومت کرد بدیگانه آورده بود. سرانجام سلسله‌ای از پادشاهان انزانی که موسس آن یک‌هکاهی بوده است با حکومت کیدین هوتران خاتمه می‌یابد و احتمالاً از سلطنت خلغ می‌شود (۵).

همچنین در کتاب سرزمین عیلام (۶) به زبان آلمانی که ترجمه آنرا آقای دکتر محمد رحیم صراف در اختیار ما گذاشته است به زمان حکومت کیدین هوتران اشاره‌ای شده است که ترجمه آن عیناً نقل می‌شود:

"در حدود سال ۱۲۴۰ قبل از میلاد بعد از اونتاش ناپیریشا (Untash Napirisha) که صاحب پسری نبوده است برادرزاده‌اش اونیپاتار ناپیریشا (Unpatar Napirisha) بجای او به تخت سلطنت می‌نشیند پدر او پاهیریشا دوم (Pahir Ishshan II) بعنوان برادر اونتاش ناپیریشا خادم (نایب‌السلطنه) بوده باشد. از اونیپاتار ناپیریشا

این جدول براساس مطالعه تاریخ کمبریج تهیه شده و استنباط نگارندگان میباشد:



Δ - زن اونتاشگال - مدت حکومت ۱ سال

جدول حکمرانان ایلام از ۱۲۳۰ تا ۱۳۰۰ ق.م.

*-ZILLIPIŠNA نام پدر کیدین هوتران از روی نوشته حلقه طلائی به جدول فوق افزوده شده است.

هیچ چیز باقی نمانده است بجز اسمش . وی مدت زمان زیادی حکومت نکرده است تا اینکه در حدود سال ۱۲۳۵ قبل از میلاد برادر جوانش کیتین هوتران (**Kiten Hutran**) بعد از او به تخت سلطنت می‌نشیند . اسم کامل او عبارت از :

(**Kiten Huntran-v-tash**) که بمعنی " حامی سحر آمیز خدای هوتران بمن کمک کرد " می‌باشد .

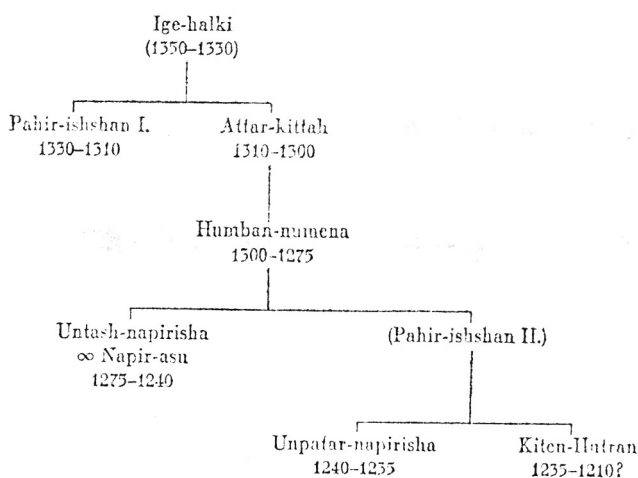
کیتین هوتران از نظر شیوه حکومت داری بنظر می‌رسد جزو سلاطین است که علاقه بیشتری به بکار بردن شمشیر بجای ایجاد بناها و نوشتن کتیبه ها داشته است . بعبارت دیگر از کیتین هوتران نیز آثار و علائمی باقی نمانده است در جدول از دو شاه بعد از کیتین هوتران بعنوان شاه عیلام اسم برده شده و از عملیات جنگی وی اطلاعات ما از منابع بین‌النهرین است . در این منابع ، او تاثیرات عمیقی را آشکارا بجا گذاشته است .

بر ضد شاه جنگجو (کیتین هوتران) یک دشمنی که بتازگی بر علیه او قیام کرده بود یعنی شاه آشور توکولتی نینورتا (**Tukulti Ninvrta** -) بر خورد می‌کند . توکولتی نینورتا که پسر سالمانصر اول است ۳۷ سال حکومت کرد (۱۲۰۶ - ۱۲۴۲ ق . م .) و فهمید که نفوذش را بطرف جنوب از طرف بابل توسعه دهد . بر علیه این لشکر کشی کیتین هوتران دوباره مقابله می‌نماید . منظور عیلامی‌ها تصرف سرحدات مشترک بابل و عیلام (**Der**) و (**Vlaiash**) بود که امروزه منطقه بدره و مندلی در عراق است .

بعد از مرگ کاشتیلیاش چهارم (**Kashtiliash VI**) پادشاه کاسیتیها در حدود سال ۱۳۲۱ ق . م آشوریها جانشین او را یعنی (**Enlil nadin shumi**) را در بابل به تخت سلطنت نشانند . در حدود سال ۱۲۲۶ قبل از میلاد کیتین هوتران از موقعیت استفاده نمود و بسرعت به بین‌النهرین هجوم آورد . لشکریان عیلام از دجله گذشته و شهر نیپور را در بابل میانی تصرف کردند . ساکنین شهر را به قتل رساندند ، سپس کیتین هوتران بطرف شمال زوی آورد و دوباره از دجله عبور کرد و شهر در (**Der**)

را ویران ساخت و ساکنین آنرا به اسیری گرفت ، معبد معروف آنرا خراب ساخت و شاه کاسیتی در بابل نیز مجبور به فرار گردید . با وجود این توکولتی نینورتای اول بزودی بابل را مجدداً " بزیر نفوذ آشور بهادر می‌آورد و ابتدا کاداشمان هاربه (**Kadashman harbe**) کاسیتی را در بابل حدود سال ۱۲۲۶ به تخت سلطنت می‌نشانند و بعد از یکسال ونیم او را بوسیله **Adadshumiddin** عزل می‌کند . در طول مدت پنج سال حکومت این پادشاه کاسیتی (بین ۱۲۱۹ - ۱۲۲۴) هیچگونه عکس العملی از طرف کیتین هوتران نشان داده نمی‌شود بلکه هنگامیکه اداد شوم نازیر (در سالهای ۱۱۸۹ - ۱۲۱۸) پادشاه بابل می‌گردد . کیتین هوتران جرات می‌کند یک حمله جدید بطرف بابل را آغاز کند . او از دجله عبور کرده و شهر ایسن (**isin**) را متصرف شود و بطرف شمال حرکت می‌کند تا ماراد (**Marad**) غرب نیپور پیشروی کرده و از آنجا با اموال غارت کرده خود بطرف عیلام مراجعت می‌کند . شاه آشوری ایندفعه منتظر حمله مجدد دشمن خود نشده بطوریکه تولوکتی نینورتا تا خلیج فارس پیشروی می‌کند و سواحل عیلام را تصرف می‌کند و بدینوسیله از جنبه جنوبی سرزمین سوزیانارا مورد تهدید قرار میدهد . آنچه که تاکنون در عیلام اتفاق می‌افتد

Haus der Igehalkiden
(mit ungefähren Regierungsdaten)



جدول ارائه شده در کتاب سرزمین عیلام اثر والتر هینس

ما بی اطلاع هستیم . اما یک چیز مسلم است و آن اینکه : کیتین هوتران بلاواسطه از صحنه تاریخ کنار می رود و به همراه او حکومت در خانواده ایکهالکیدن منقرض می شود . شاید در این زمان عیلام دچار اغتشاشات داخلی گردیده است . بهر حال بعد از آنها یک سلسله عیلامی جدید در این دوره ظاهر می گردد .

از نوشته های مندرج در تاریخ باستانی کمبریج و کتاب سرزمین عیلام اثر والتر هینس یک مطلب بسیار مهم استنباط می شود : " کیدین هوتران سلطنتش بر ایلام مسجل می شود و مرزهای عیلام را تا منتهی البه مرزهای جنوبی گسترش و توسعه میدهد . " تا اینجا هم هنوز حدس و گمان و احتمال بر این دوره از تاریخ عیلام سایه افکنده بود ولی با کشف این آرامگاه " ارجان " همه این حدس و گمانها به یقین مبدل می شود محل کشف آرامگاه در خوزستان جنوبی دامنه توسعه مرزهای کشور عیلام را تا ساحل آبهای خلیج فارس و حتی گسترش آن به بین النهرین را به وضوح نشان میدهد . گر چه باید اعتراف نمود حفاریات علمی و تحقیقات باستانشناسی مربوط به دوره عیلام از دامنه وسیع و گسترده ای برخوردار نبوده و صرفاً " به شمال و شرق خوزستان محدود بوده است ولی تاکنون محل دفن هیچیک از شاهان عیلام و مقابر آنها با اشیاء متعلقه کشف نشده است . لذا آرامگاه کیدین هوتران با حلقه طلائی و نوشته میخی روی آن از ویژگی خاصی برخوردار خواهد بود و از زحمت ما در اثبات بسیاری از مسائل مربوط بآن نظیر تاریخ گذاری می کاهد . بنابراین در این مقاله سعی خواهد شد با بیان ویژگیهای هنری اشیاء داخل مقبره به بیان مطالب مختصری از اوضاع اقتصادی و سیاسی و ارتباطات هنری ملل همجوار و تاثیر متقابل آنها در این دوره از تاریخ عیلام بپردازیم .

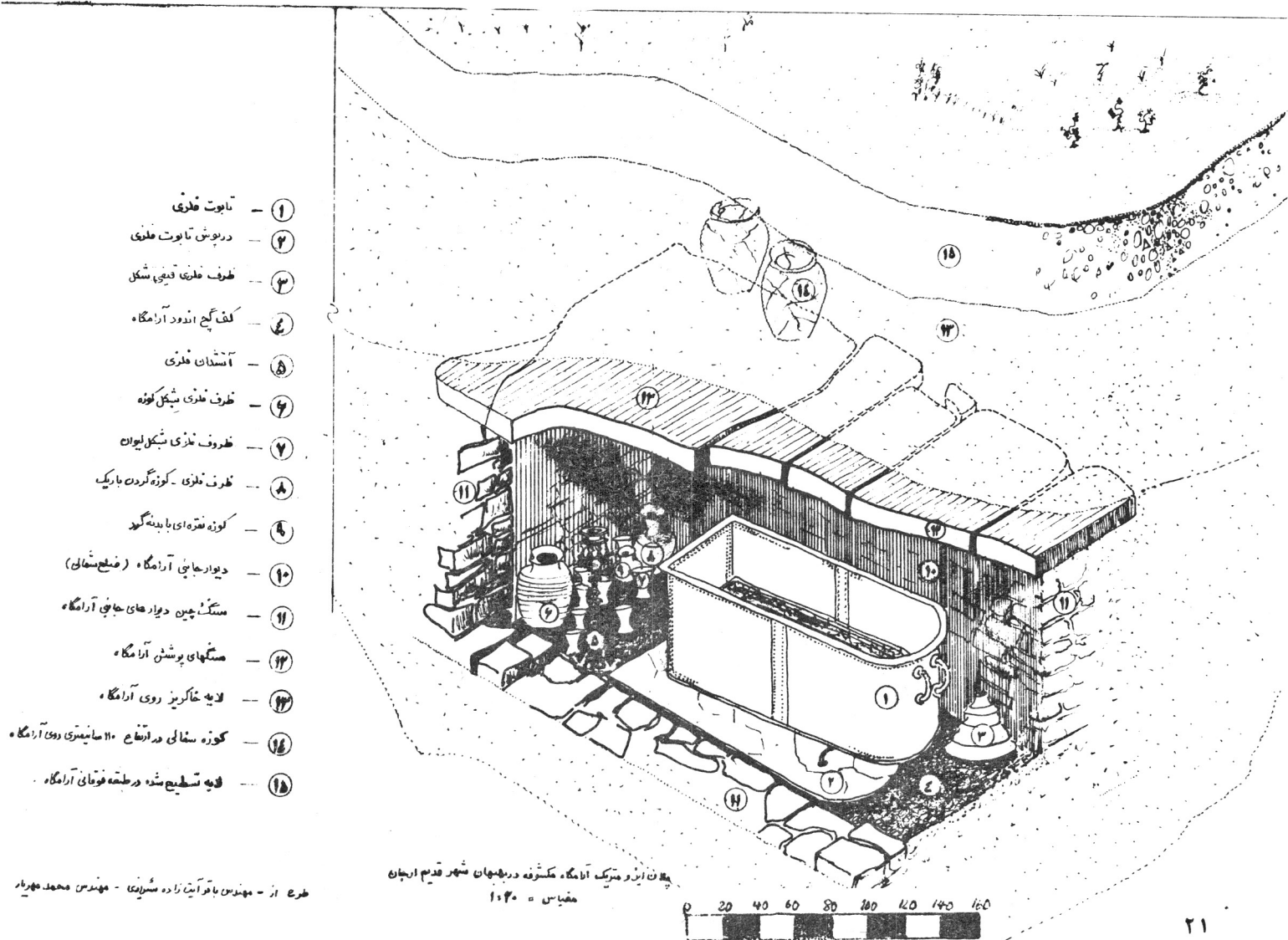
۴- معماری آرامگاه ارجان (تصاویر شماره ۱۹ تا ۲۹)

آرامگاه ارجان از نظر معماری دارای پلان مستطیل شکل با ابعاد ۲۵۰×۸۸-۹۰ سانتیمتر است و ارتفاع آن ۱۳۶ سانتیمتر میباشد . دیوارهای جانبی آن بوسیله سنگ های تقریباً " منظم در حدود

۱۱ ردیف سنگ چینی با ملاط گچ بالا آمده (بجز دیوار جانبی ضلع شرقی) و دور ردیف بالا بمنظور تراز بندی و تنظیم شیب جهت احداث سطح انکای مناسب برای سنگهای پوشش روی آرامگاه با یک ردیف قالب گچی شمش گیری شده اختلاف سطح در کایه دیوارها از بین رفته است . فاصله بین سنگها و حتی روی آنها در ابتدا با گچ اندود شده و کف آرامگاه نیز دارای لایه ای از گچ می باشد . هنوز هم در بعضی از قسمت ها این اندود دیده میشود . حتی بهنگام انتقال اشیاء نیز مشاهده گردید و رقه های بزرگ اندود گچ در کف قبر و داخل تابوت افتاده است .

عمق آرامگاه چنانچه در طرح ضمیمه نشان داده خواهد شد به غیر از لایه ای که توسط بلدوزر تسطیح شده و احتمالاً " در حدود بین یک تا نیم متر بوده است از کف تا سطح تخته سنگ های پوشش آن ۱۱۰ سانتیمتر میباشد و فضای مورد نظر جمعا " بوسیله ۵ تخته سنگ بزرگ پوشانده شده و چنین بنظر می رسد دیوار ضلع شرقی باین علت همزمان با سایر دیوارهای جانبی بوسیله سنگ بالا نیامده تا بعد از پوشش سقف بوسیله تخته سنگها بتوان از آن برای تشریفات بعدی به داخل آرامگاه دسترسی پیدا کرد . آنچه مسلم است بعلت وجود تکه های طناب به دسته های تابوت مراسم تدفین از بالا طی تشریفات صورت گرفته و همانند آنچه که در تدفین مسیحیان می بینیم تابوت بوسیله طناب به فعر آرامگاه فرستاده می شود بعد روی آن را می پوشانند یا با خاک پر می کنند . در اینجا نیز وجود آثار طنابها بر هر چهار دسته این مطلب را تایید می کند . پس ، بعد از اینکه تابوت از طریق بالا به داخل آرامگاه گذاشته شد روی آنرا با تخته سنگهای بزرگ پوشانده و از طریق ورودی جانبی در شرق فاصله تخته سنگها را با ملاط قیر (۷) اندود نموده اند .

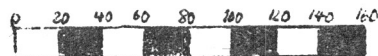
فرم معماری آرامگاه از نظر کاربرد مصالح شیوه جدیدی را به انواع مقابر عیلامی اضافه می نماید . زیرا تاکنون کلیه آرامگاههای مکشوفه عیلامی با پوشش طاق ضربی شناخته شده و فضاهای تعبیه



- ۱ - تابوت فلزی
- ۲ - درپوش تابوت فلزی
- ۳ - طرف فلزی قبری شکل
- ۴ - کف گچ اندود آرامگاه
- ۵ - آستدان فلزی
- ۶ - طرف فلزی بشکل کوزه
- ۷ - طرف فلزی بشکل لیوان
- ۸ - طرف فلزی - کوزه گردن باریک
- ۹ - کوزه تفره ای با بدنه گداز
- ۱۰ - دیوار حاشی آرامگاه (ضلع شمالی)
- ۱۱ - سنگ چین دیوار حاشی آرامگاه
- ۱۲ - سنگهای پرشش آرامگاه
- ۱۳ - لایه خاکریز روی آرامگاه
- ۱۴ - کوزه سفالی در ارتفاع ۱۱۰ سانتیمتری روی آرامگاه
- ۱۵ - لایه تسطیح شده در طبقه فوقانی آرامگاه

پلان نیز و متریک آرامگاه کشف شده در بهمان شهر قدیم ارجان
مقیاس = ۱:۴۰

طرح از - مهندس باقر آریزاده شیرازی - مهندس محمد مهرداد



علمی مربوط به دوره عیلام محدود بوده ولی در چند مورد استفاده از تابوت سفالی مشاهده شده است. برای نمونه به گوشه‌های از کاوشهای علمی شوش از زمان گریشمن اشاره می‌کنیم:

"شوش پایتخت دولت عیلام در هزاره چهارم پیش از میلاد مسکون شد. تمدن این دوره در ۲۶ متری زیرزمینی یافته شده است. در اینجا یک گورستان پیدا شد که پیرامونش با کاشیهای بسیار زیبای نخودی رنگ آراسته شده و بر آن نقش‌های هندسی و گیاهی و جانوران به شیوه ساده و به رنگهای سرخ و سیاه نگاشته‌اند. . . . از آغاز هزاره سوم مردم شوش با خط پیش از عیلام که هنوز خوانده نشده (۸) آشنا گشتند. . . . در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد این شهر سرمشق یک شهر کامل شد. . . . در این زمان مردم شوش

شده عموماً" یک مقبره خانوادگی را القاء می‌کند مانند مقابر مکشوفه در هفت تپه، شوش، چغازنبیل، در حالیکه آرامگاه ارجان انفرادی است و روی آن بوسیله تخت سنگهای عظیم پوشانده شده است. وجه اشتراک، کلیه مقابر عیلامی از جمله ارجان در کاربرد سایر مصالح و بکار بردن ملاط قیر ادامه یک شیوه شناخته شده بسبب عیلامی را نشان میدهد.

۵- تابوت فلزی آرامگاه ارجان

استفاده از تابوت در ارتباط با مراسم تدفین از نظر قراردادن آن در داخل آرامگاه و محتویات داخل و اطراف آن در داخل مقبره شیوه‌های مختلف تدفینی را در هر دوره‌ای برای ما روشن می‌سازد. گرچه قبلاً نیز باین مطلب اشاره شده است دامنه تحقیقات و کاوشهای

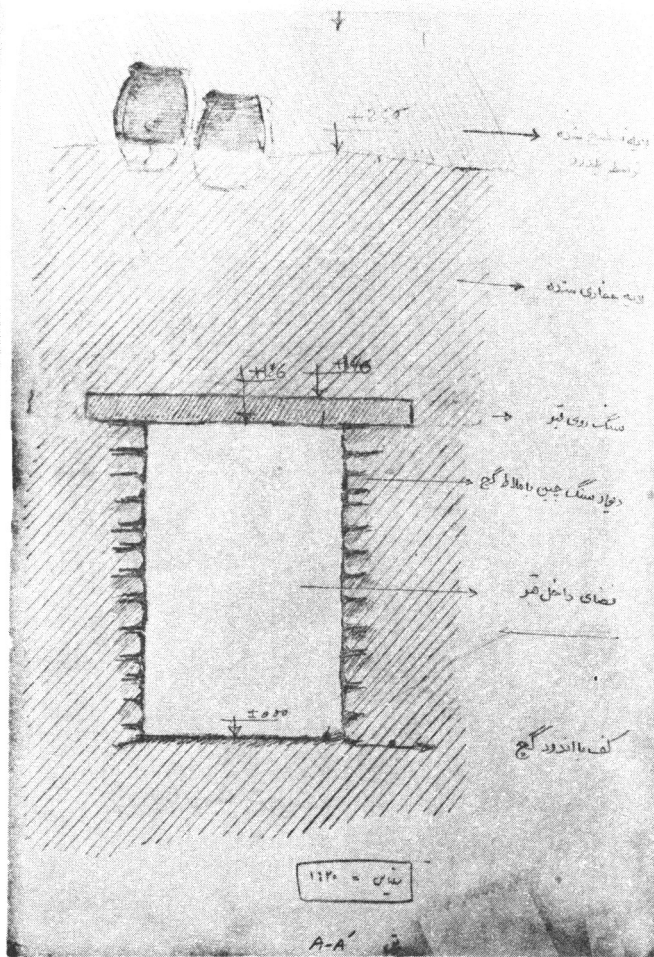
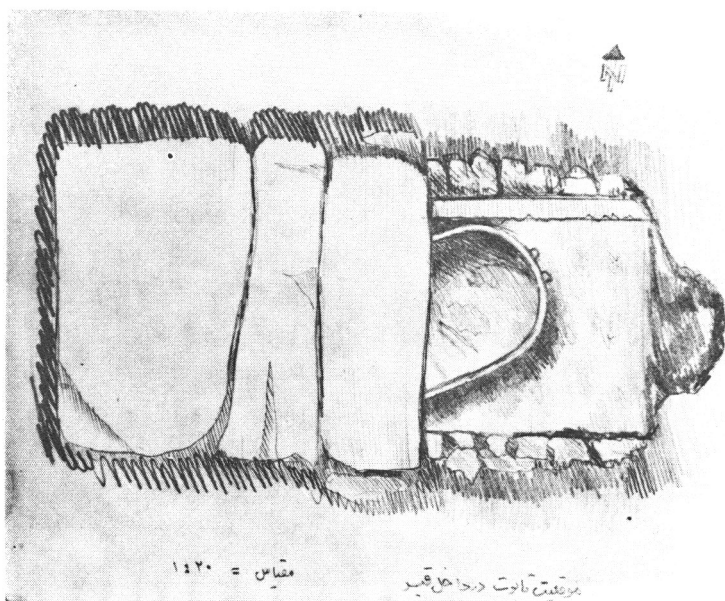
۲۴- وضع قرار گرفتن تابوت فلزی در داخل آرامگاه



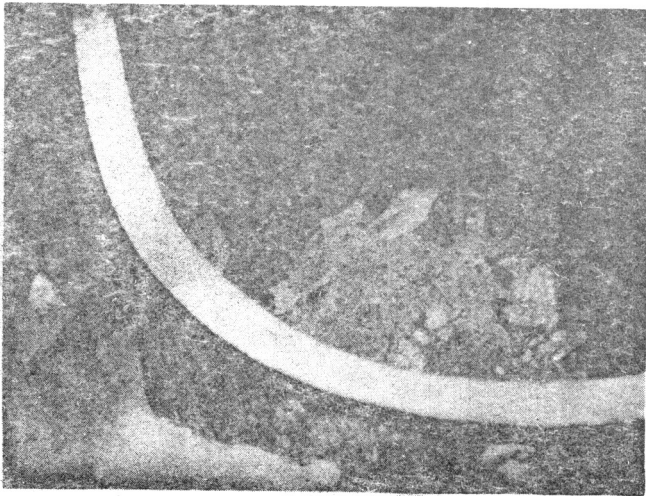
۲۲- نمای داخل آرامگاه بعد از کمی تمیز کردن



۲۳- وضع تخته سنگهای پوشش آرامگاه و ابعاد آنها



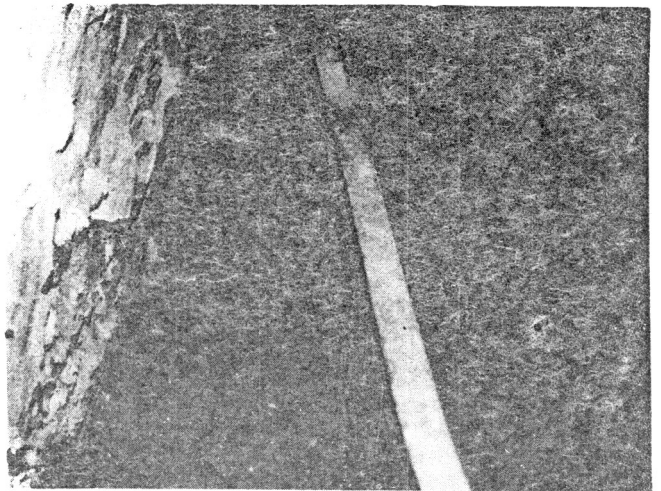
۲۵- بوش AA از آرامگاه



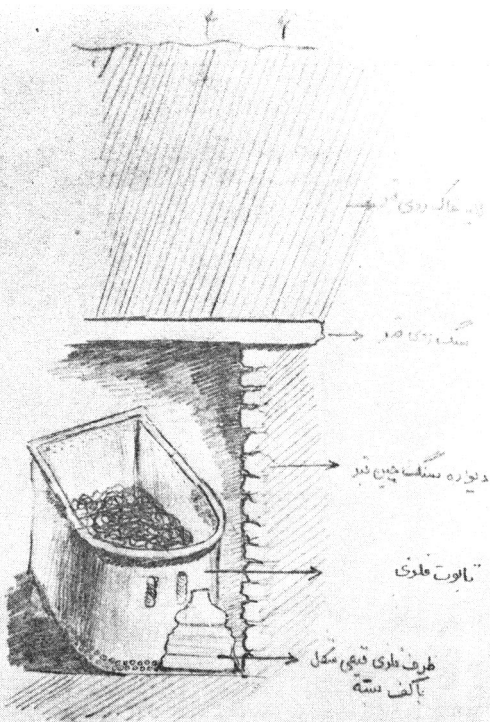
۲۶- تابوت در داخل آرامگاه و نمای محتویات داخل آن



۲۷- استخوان ران قرار گرفته در سطح تابوت

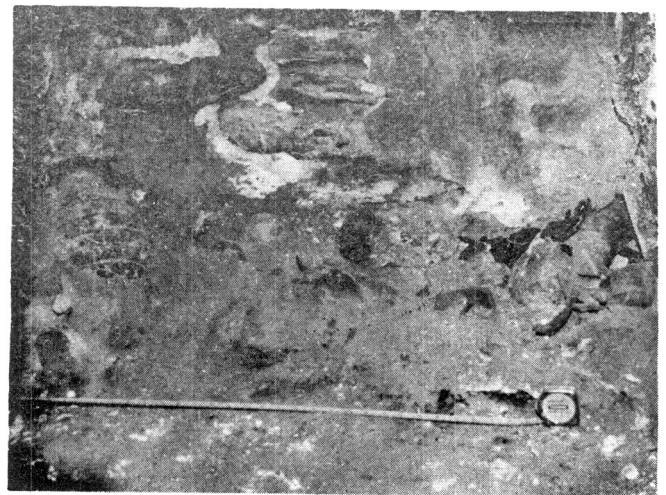


۲۸- ضلع جنوبی تابوت و دیواره جنوبی آرامگاه



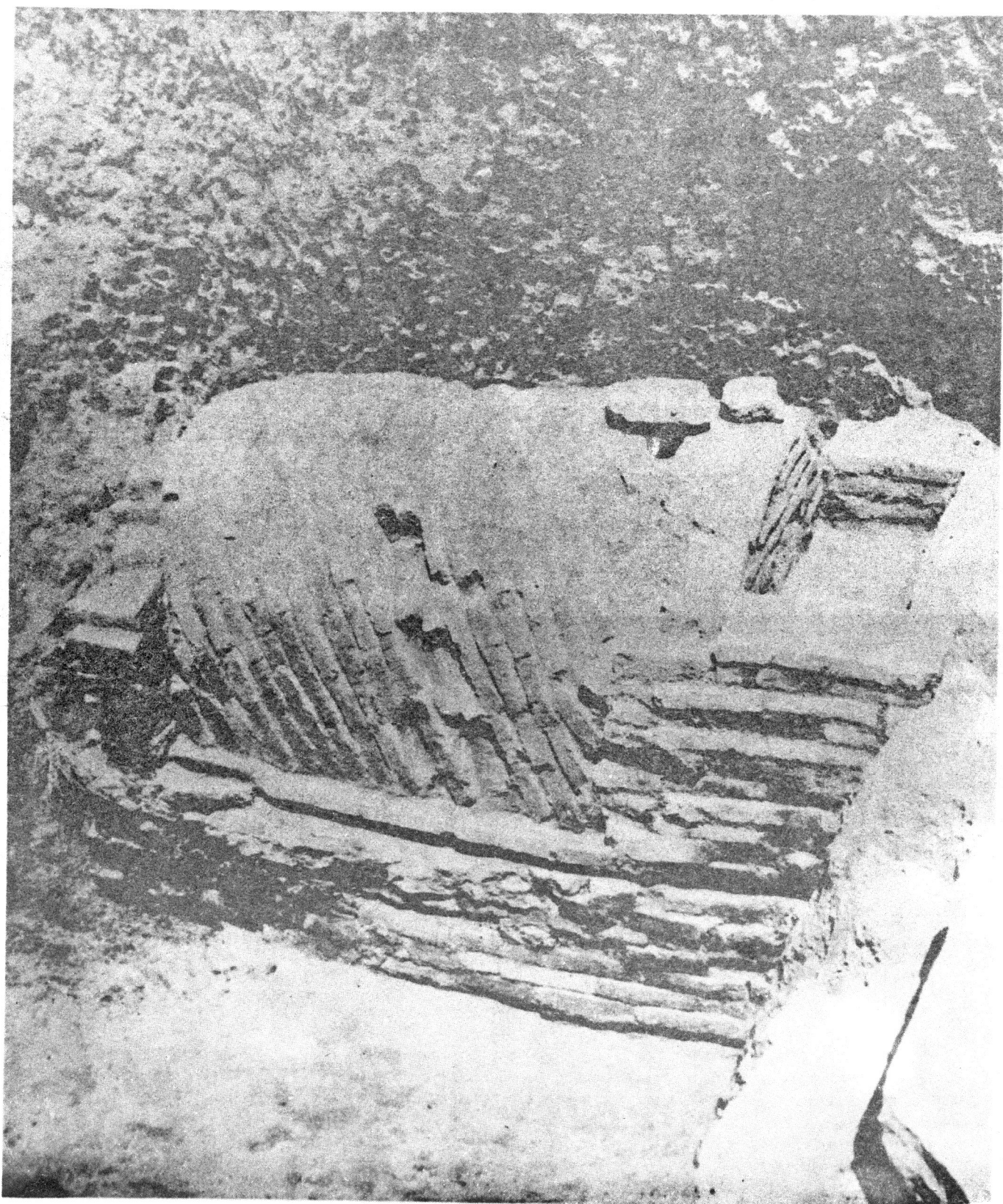
موقعیت تابوت فلزی و یک طرف فلزی واقع در شمال شرق آن به مساحت ۹ سانتی متر در داخل قبر

۱:۲۰ = میل



۲۹- ضلع غربی آرامگاه پشت تابوت و منظره اشیاء داخل آن

۳۰- برش آرامگاه ، موقعیت تابوت و ظرف قیفی شکل



۳۱- گور عیلامی اواخر هزاره دوم ق . م .

گور در زیرزمین خانه‌ای ساخته شده و دارای راهروئی مستطیل شکل (۰/۸۵۰ x ۱/۱۵۰ متر) بوده است . در این

گور ، سه اسکلت و ظروفی که هدایای تدفینی در آن بوده ، یافت شده است .

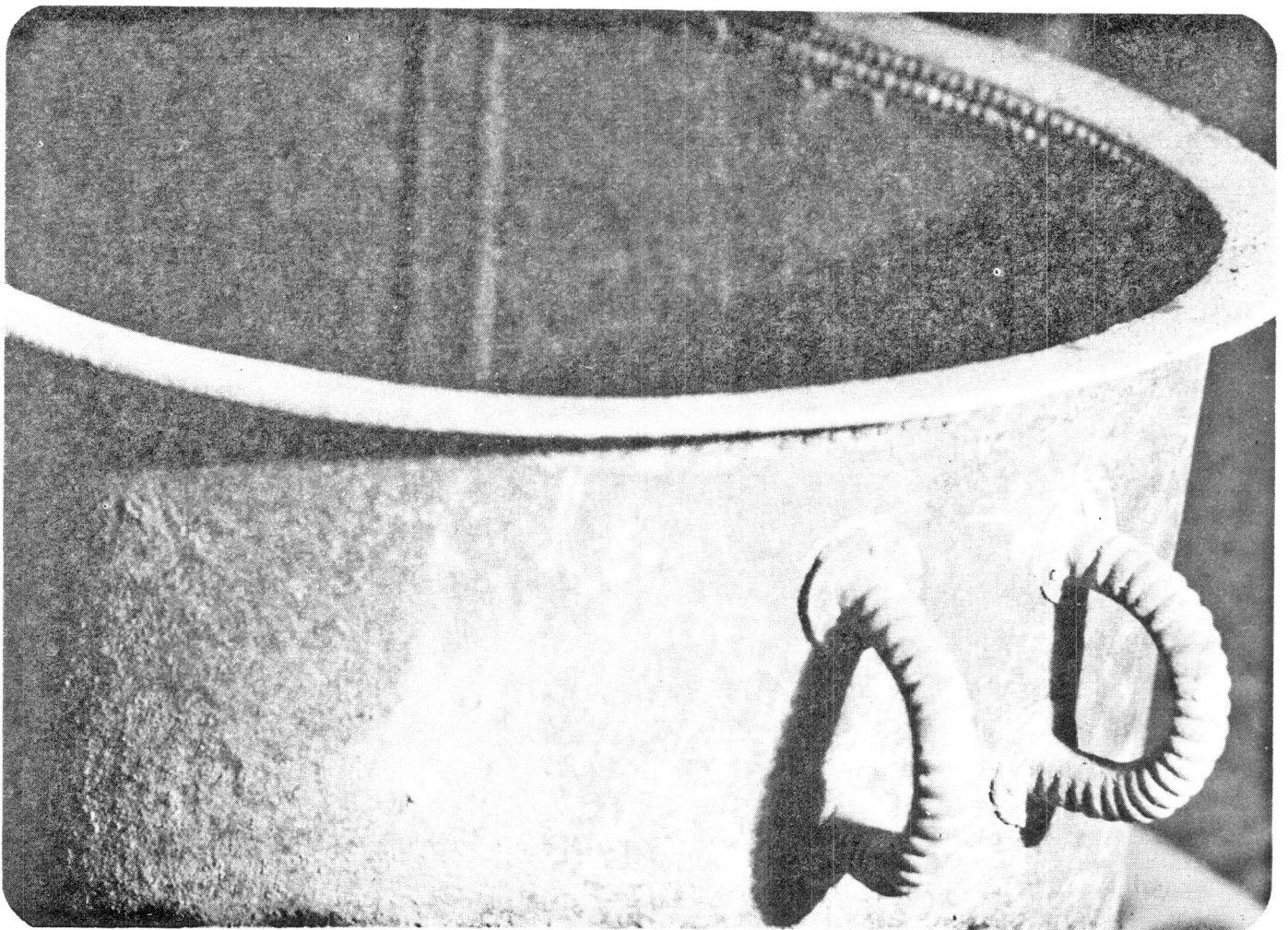
که از عیلامیان بودند مردگان خویش را مانند بابلیان و آشوریان زیر خانه خود بخاک می سپردند . در این محوطه چند تابوت سفالین پیدا شد درست بشکل وان حمام . برمن آشکار است که این تابوت ها روزگاری جای استحمام بوده است .

در هر تابوتی مرده ای قرار داشت که به حالت جنبی که در شکم مادر باشد دست و پایش را در شکم جمع کرده بود و الا پاها در آن ظرف تنگ جای نمی گرفت این وان حمام یک زیر آب هم دارد

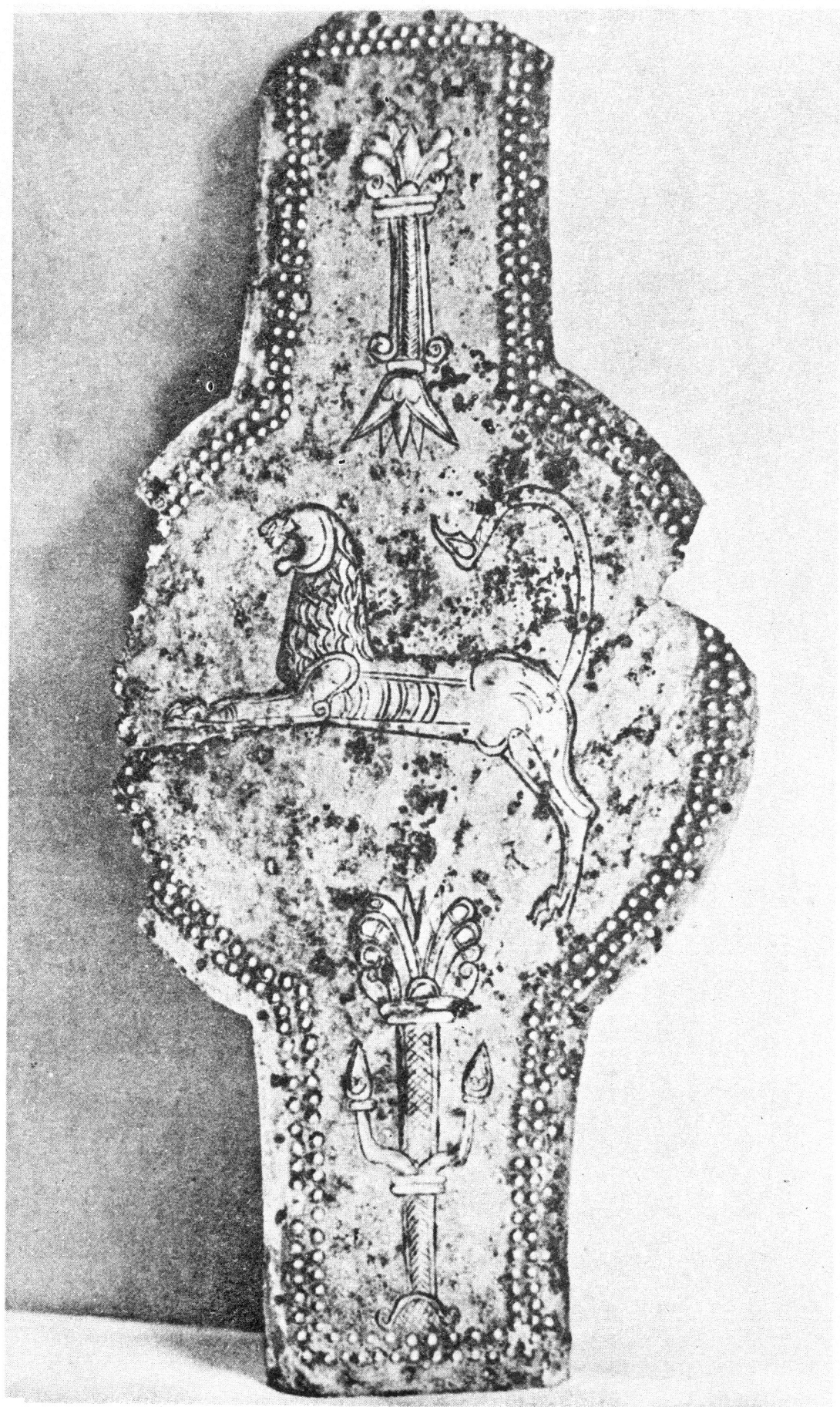
در یکی از این تابوت ها که آن نیز بشکل وان حمام بود شمشیر کوتاه و تبر جنگی و چند تکه سلاحهای دیگر مفرغی که از آن صاحب گور بود یافته شد (۹) .

استفاده از تابوت فلزی در دوره عیلامی تاکنون بی سابقه بوده

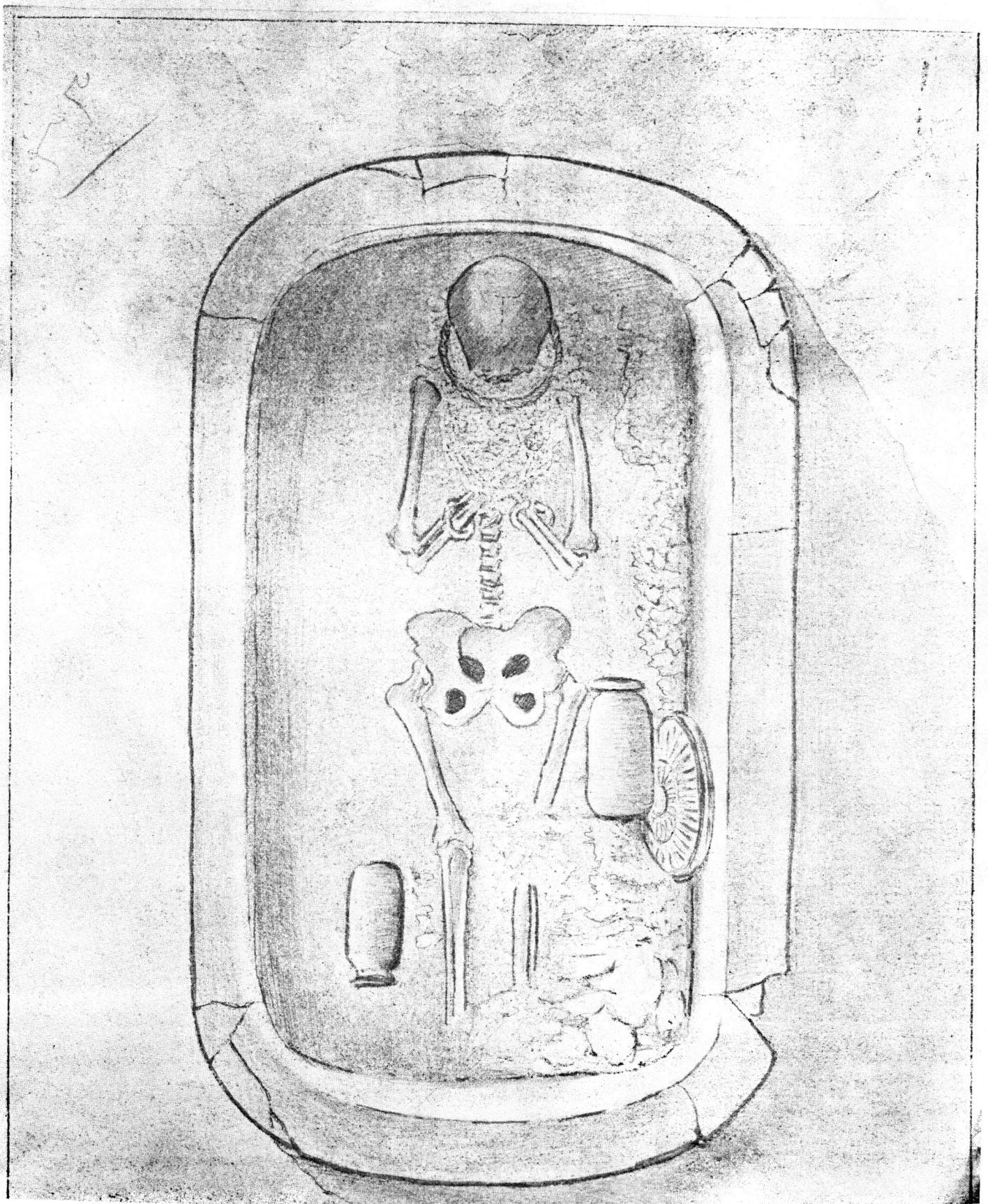
و باید پذیرفت که تا قبل از زمان کیدین هوتران با احتمال زیاد از تابوت فلزی استفاده نشده است . گرچه در زمانهای بعد مثلا " در نیمه اول هزاره اول ق . م . در زیویه و بعدها در دوره هخامنشی مورد استفاده قرار گرفته است . تابوت آرامگاه ارجان از نظر فرم با تابوت های سفالی دوره عیلام قابل مقایسه بوده و از نظر تکنیک و اجرای تزئینات میخهای برجسته در لبه پایینی و بالا و محل اتصال قطعات آن در نوع خود بی نظیر می باشد . اجرای تزئینات با میخهای برجسته تاکنون در هنر عیلامی نیمه اول و دوم هزاره دوم ق . م . مشاهده نشده ولی ادامه این سبک بعدها با همان کیفیت و ظرافت بر روی یک قطعه پلاک فلزی مکشوفه از زیویه تکرار شده که حداقل حدود چهارصد سال باهم اختلاف زمانی دارند .



۳۲- تزئینات برجسته کاری بصورت دوردیف میخ برجسته در حاشیه داخل و خارج و بدنه و محل اتصال قسمت پائین به کف در تابوت آرامگاه ارجان

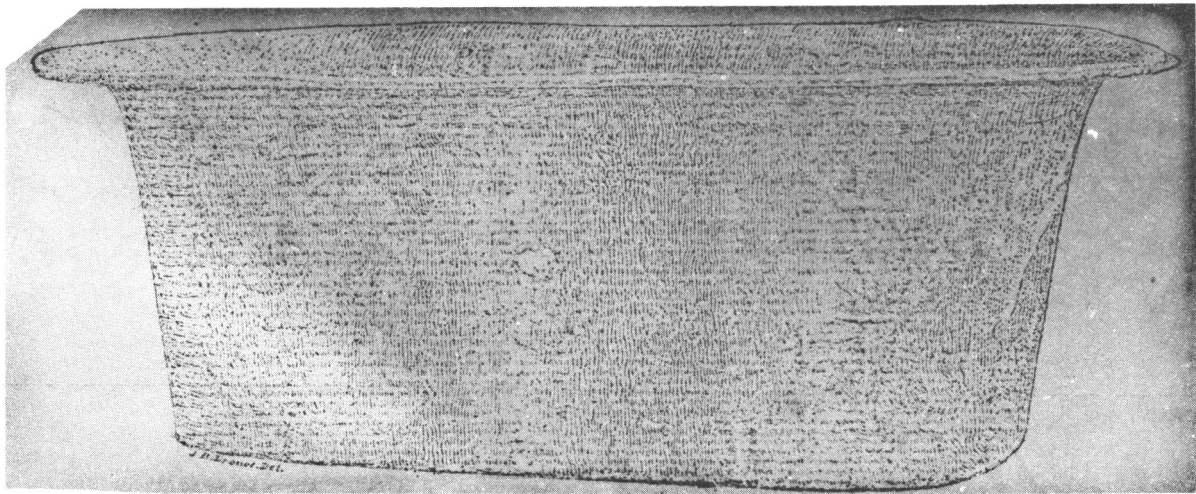


۳۳- هلاک فلزی مکشوفه از زیویه - با دوردیف تزئین برجسته بصورت میخکاری در حاشیه - جنس نقره

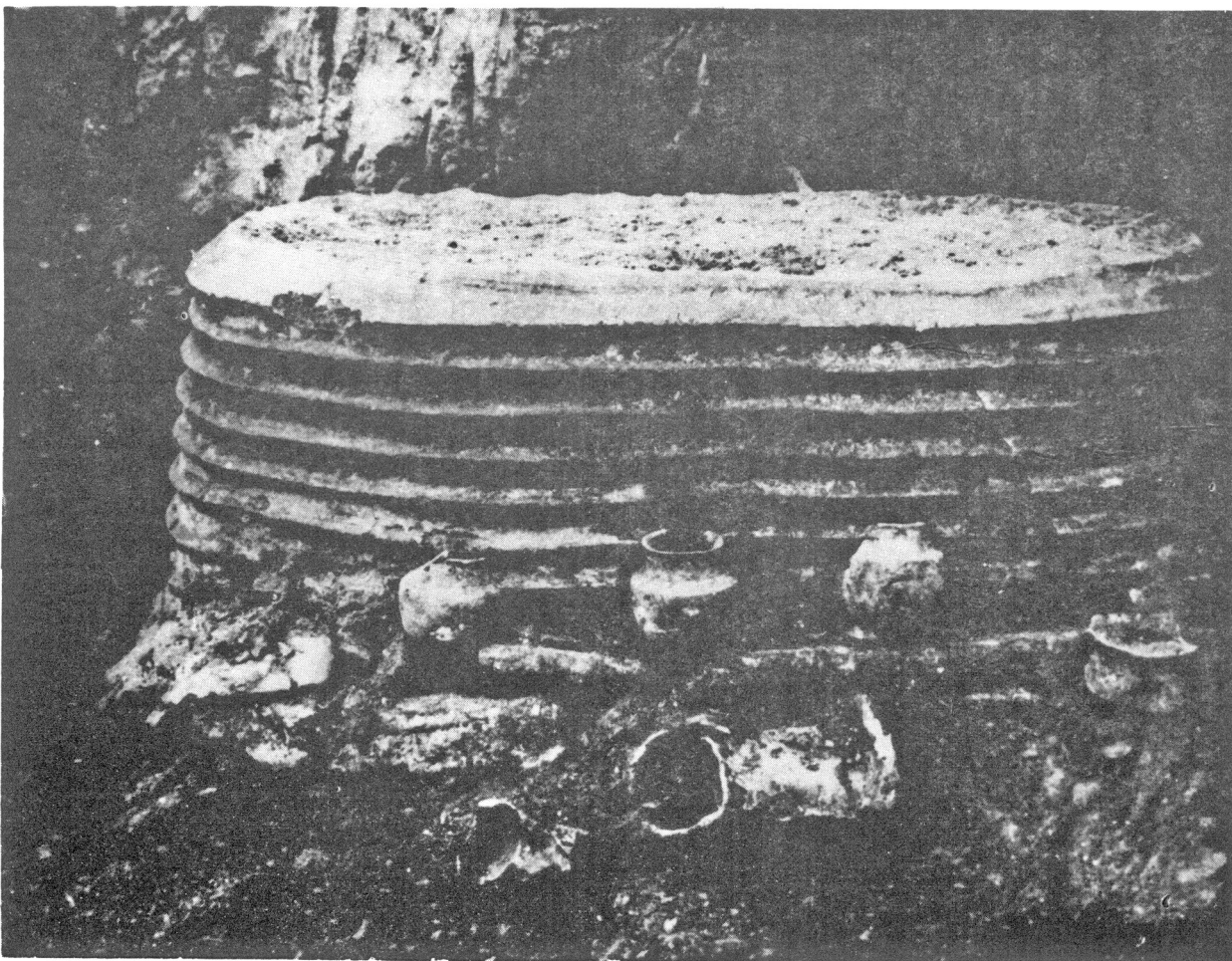


۳۴- محتویات داخل تابوت فلزی مکشوفه از شوش دوره هخامنشی ، مربوط به کتاب

Memoires Tom VIII dem. J. Demorgan Paris 19°5



۳۵- تابوت فلزی مربوط به دوره هخامنشی - مکتشفه از شوش . کتاب *Memoires Tome VIII*
 De.M.J. Demorgan. Paris. 19۰5.



تابوت گلی با خطوط برجسته تزئینی
 دوره سلسله سیماش- عیلام

۶- مشخصات تابوت فلزی ارجان

تابوت فلزی ارجان بشکل یک درگاهی با طاق هلالی میباشد

ابعاد آن بشرح زیر است :

طول از قاعده تا راس قوس ۱۳۲ سانتیمتر

عرض ۶۰ سانتیمتر

عمق با احتساب کف ۶۰ سانتیمتر

دارای چهار دسته . دو دسته در قاعده صاف و دو دسته در ضلع نیم استوانه . لبه برگشته با سطحی صاف در حدود ۴ سانتیمتر شامل ۵ قطعه زیر می باشد .

۱- درپوش

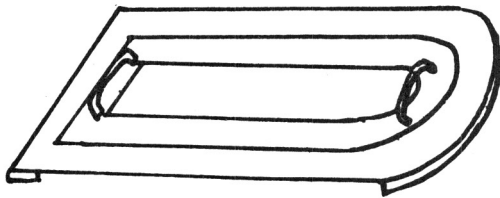
۲- لبه

۳- دسته ها و قسمت مدور (نیم استوانه) بدنه

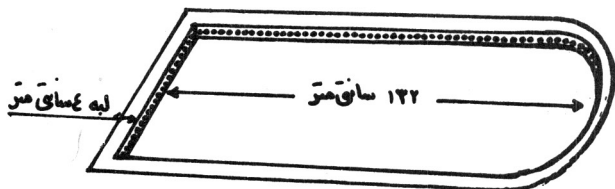
۴- دسته ها و قسمت سطح بدنه

۵- کف

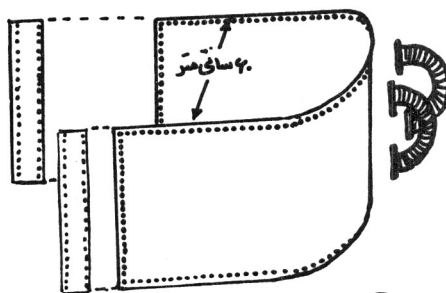
محل اتصال قطعات بوسیله یک نوار پهن با دو ردیف میخ با سرگرد و برجسته بصورت تزئینی بهم وصل شده اند . جهت آن در داخل آرامگاه شرقی غربی یعنی قسمت قوسی شکل بطرف شرق می باشد . متأسفانه بعلت زنگ زدگی شدید در قسمت پائین کف از آن جدا شد و هنوز وزن آن مشخص نشده است .



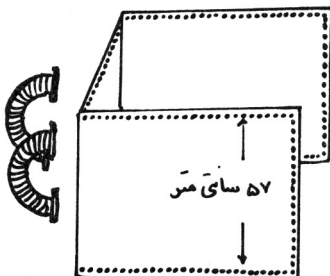
①



②



③



④



⑤

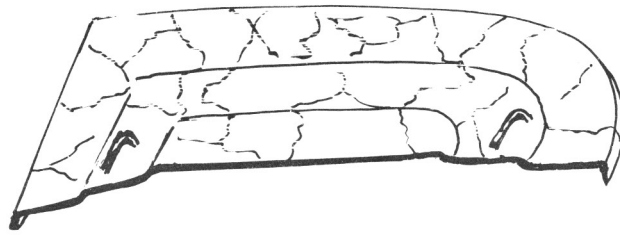
① - درپوش تابوت

② - لبه

③ - دسته ها و قسمت مدور بدنه و بست های اتصال

④ - دسته ها و قسمت سطح بدنه

⑤ - کف



۳۸- مقطع و قسمتی از نمای درپوش فلزی تابوت آرامگاه کیدین هوتران،
 مناسفانه این درپوش چون زیر تابوت افتاده بود تقریباً "متلاشی"
 شده و تکه‌های آن جمع‌آوری گردیده است تا در آزمایشگاه پس از
 مراقبت‌های لازم تا حدود امکان نسبت به بازسازی و ترمیم آن
 اقدام گردد.

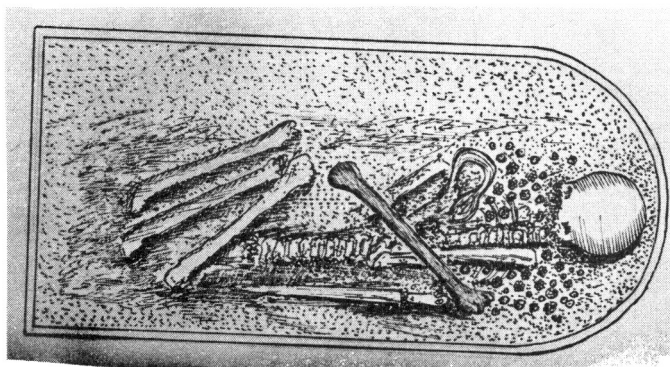


۷- استخوانهای مربوط به اسکلت داخل تابوت

متاسفانه کف آرامگاه تا حدود ۳۵ سانتیمتری از گل و لای ته نشسته پر شده بود و چنانکه از مشاهده جداره بیرونی و داخلی تابوت فلزی همچنین دیوارهای جانبی آرامگاه مشاهده میشود در زمانهای بسیار دور به عللی مقدار زیادی آب به داخل قبر نفوذ کرده بطوریکه تابوت برای مدتی در آب شناور بوده است و درپوش فلزی از روی آن افتاده و با آرامی در جبهه جنوبی به دیوار برخورد نموده و به زیر آن سر می خورد . با توجه باینکه عرض تابوت ۶۰ سانتیمتر است و عرض آرامگاه حدود ۹۰ سانتیمتر این عمل در این محدوده کم بسیار به آرامی صورت گرفته و پس از ته نشین شدن آب تابوت کمی جلوتر اندکی متمایل به جنوب شرقی از امتداد شرق منحرف گشته و بر روی زمین و درپوش ثابت می ماند . عمق آب جمع شده در داخل آرامگاه را از ارتفاع آتشدان فلزی که در خارج از تابوت در قسمت جنوب غرب آن قرار داده اند می توان حدس زد . آب بالا آمده در حدود ۵۵ سانتیمتر یعنی اندکی از ارتفاع تابوت کمتر تخمین زده می شود و شاید در بعضی موارد از این مقدار بالاتر رفته و به داخل تابوت نیز نفوذ کرده است . بهمین دلیل اسکلت داخل آن و یک خنجر با غلاف چوبی و تیغه آهنی و دسته استخوانی احتمالا " از عاج بشدت پوسیده شده و بجز اشیاء طلائی شامل حلقه طلا و دگمه های طلا مربوط به لباس و تزئینات آن و قسمتهای تزئینی از جنس طلا بر روی خنجر بقیه بکلی متلاشی شده است . شاید برای مدت مدیدی آب داخل تابوت باقیمانده با در نظر گرفتن قسمت مرطوب زیر آن موجب پوسیدگی کف تابوت نیز شده است

آنچه که مسلم است بعلت طول کم تابوت (۱۳۲ سانتیمتر) جسد داخل آن بحالت چمباته دفن شده است و از بقایای پارچه های پوسیده در ضخامت چندین لایه روی هم می توان چنین استنباط نمود که علاوه بر اینکه جسد بالباس دفن شده است مقداری پارچه نیز در زیرش گذاشته اند . هم اکنون نمونه های جمع آوری شده

از پارچه ها به موزه ایران باستان تحویل داده شده تا پس از مطالعه کارشناسان اطلاعات بیشتر در اختیار علاقمندان قرار گیرد . از تعداد بیشمار دگمه های طلائی ۹۸ عدد در سه اندازه درشت و متوسط و ریز چنین برمی آید که قسمت بالاتنه لباس تماما " حاشیه دوزی شده بوده زیرا دگمه ها عموما " در زیر شانه و قسمت بالاتنه اسکلت بدست آمده اند . شواهد موجود نشان میدهد که دستهای جسد احتمالا " روی سینه قرار گرفته و حلقه طلائی در میان دستهایش قرار داشته است . خنجر را در پهلوئی جسد در پشت آن یعنی ضلع جنوبی گذاشته بودند . لباسهای پودر شده و گل و لای ته نشینی کف تابوت را تا ارتفاع قابل ملاحظه ای پوشانده بود ، از استخوانهای باقیمانده یک استخوان ران بتدریج در سطح گل ولای فوق الذکر قرار گرفته بود . در عکسی که قبل از بررسی و بازدید ما توسط مقامات محلی از داخل تابوت گرفته شده بود حجمه اسکلت را در قسمت قوسی شکل تابوت نشان میدهد ولی وقتی که از طریق سوراخ ایجاد شده ، آرامگاه مورد بازدید قرار گرفت حجمه از داخل آن خارج شده بود گر چه جای دست خوردگی و بهم ریختگی خاک درون تابوت دیده نمی شد . بنظر می رسد که حجمه نیز مانند استخوان ران در سطح مانده باشد . رنگ استخوانها بر اثر مرور زمان بعلت همجواری با تابوت فلزی به رنگ سبز در آمده بود . در مجموع با دقتی که در امر انتقال اشیاء داخل تابوت بعمل آمد وضعیت جسد را می توان بطریق زیر تجسم نمود .



۴۰- موقعیت حلقه طلائی - اسکلت ، خنجر و دگمه های طلا

در داخل تابوت آرامگاه ارجان بهبهان

ارتفاع آتشدان حدود ۷۵ سانتی متر

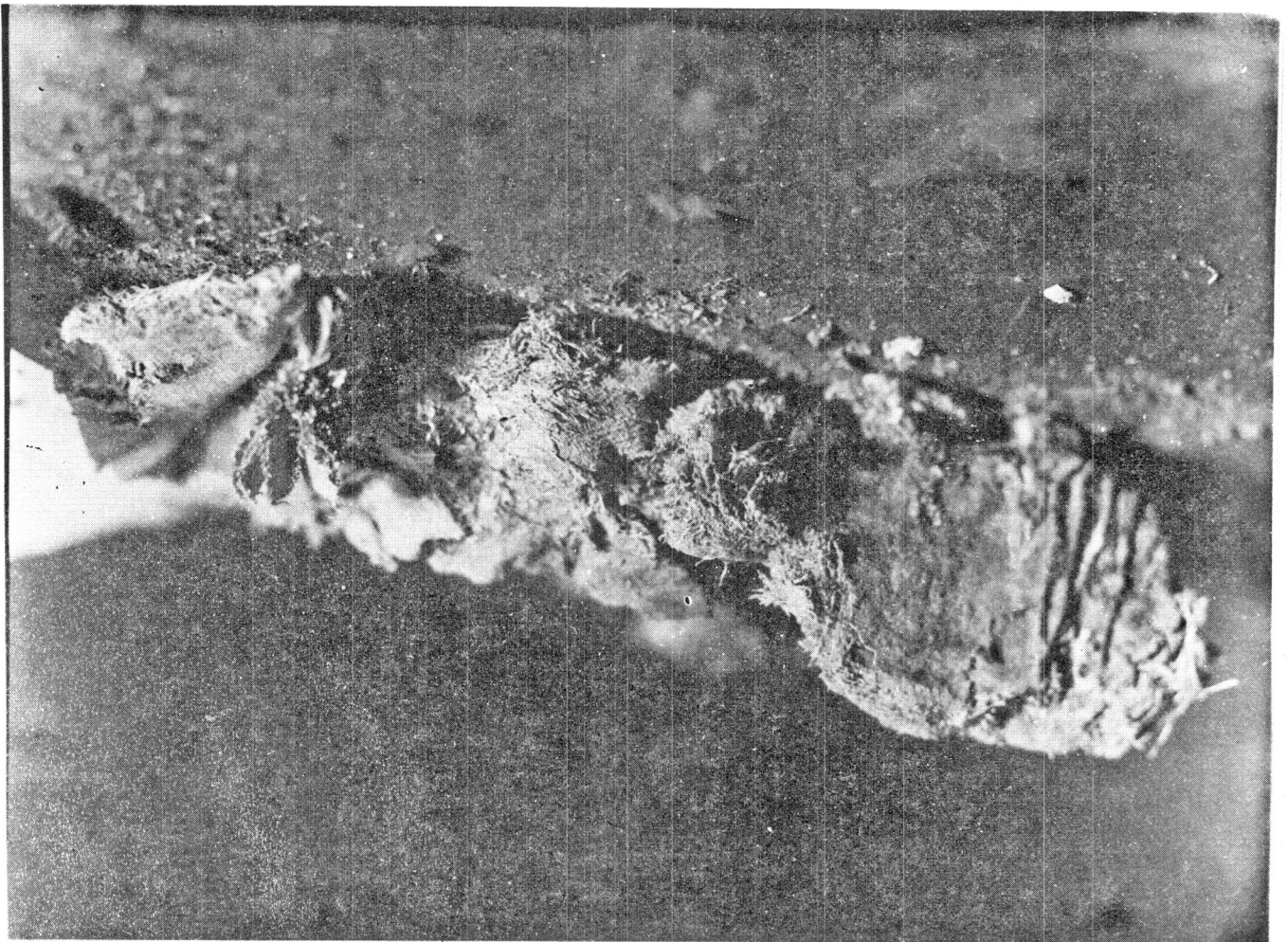
آن قسمت از آتشدان که از آب بیرون بوده است

75 cm.

آن قسمت که آب نوده است

آن قسمت که داخل آب نوره و بعد توسط گلولی

پوشیده شده بود



۴۲- قسمتی از پارچه‌های جمع‌آوری شده از داخل تابوت آرامگاه کیتین هوتران واقع در ارجان بهبهان - محل دقیق این پارچه

اطراف پای‌های اسکلت میباید .

و تزئین آنها در هر دوره‌ای نقش مشخص کننده‌ای دارد ولی در هیچیک از حفاریات انجام شده نمونه‌ای از این لباسها بدست نیامده است . آسیب‌پذیری و عدم مقاومت در مقابل گذشت زمان از علل از بین رفتن و نابودی پارچه‌ها و لباسهای مورد نظر می‌باشد و شکی نیست هنر بافندگی و ریسندگی یکی از نیازهای اولیه انسان بوده و همزمان با پیشرفت و تکامل فن سفالگری - مجسمه سازی و سایر هنرها اگر از پیشرفت قابل ملاحظه‌ای برخوردار نبوده عقب نیز نبوده است . چنانچه در حفاریات تپه قبرستان واقع در سگزآباد قزوین توسط دانشگاه تهران در ترانشه E بر روی چند تکه سفال اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول (حدود ۱۲۰۰ تا ۹۰۰ قبل از میلاد) اثر پارچه دیده می‌شود بطوریکه سفال خیس و نهخته را روی پارچه گذاشته‌اند و اثر تار و پود پارچه بر پشت این سفالها

کشف قطعات پارچه بصورت توده فشرده و پوسیده در تابوت آرامگاه ارجان بنوبه خود یکی از مسائلی است که بعد از زمینه تحقیق و مطالعه تاریخ فن بافندگی در دنیای باستان قرار خواهد گرفت . تاکنون قدیمی‌ترین پارچه و الیاف بافته شده در جهان باستان را که سالم و قابل مطالعه بدست آمده است به دوره هخامنشی نسبت میدهند . این پارچه‌ها شامل قطعاتی از نمدهای رنگی بوده که برای تزئین دیواره‌های قبور مکشوفه در سال ۱۹۴۷ تا ۴۹ میلادی در پازیریک واقع در کوههای آلتای در سیبری بکار رفته‌اند . بهمراه این قطعات پارچه‌های رنگین - جامه‌ها و فرشهای کشف شده‌اند که علت سالم ماندن آنها یخبندان منطقه بوده است (۱۱) . گرچه بر روی اثر مهرها و نقوش برجسته مربوط به ادوار پیش از تاریخ بر تن تصاویر انسان لباس دیده می‌شود و تا حدودی فرم لباسها

نقش بسته و بعد از پخته شدن جای تاروپود پارچه بخوبی ثابت مانده است و تکنیک بافت دو نوع پارچه روی این سفالها مشخص می‌گردد (۱۱) در بیان ارائه نمرنه‌هایی از پارچه باید گفت بعد از نقش پارچه روی اثر مهرها و نقش برجسته‌ها اثر پارچه را بر پشت سفال خواهیم دید و حال پارچه آرامگاه ارجان بهبهان را که در نوع خود می‌تواند اولین نمونه منسوج در ۳۲۰۰ سال قبل باشد به علاقمندان، تحقیق در زمینه هنر بافندگی و ریسندگی معرفی می‌نماید. امید است موزه ایران باستان با مراقبت‌های لازم نسبت به معرفی تکنیک بافت و نوع آن اطلاعات جامعی در اختیار پژوهندگان قرار دهد.

۸- اشیاء مکشوفه در داخل تابوت فلزی

۱- حلقه طلایی: "حلقه قدرت"؟

حلقه طلایی مکشوفه از داخل تابوت تاکنون نظیر آن در هیچ‌کدام از حفاریات علمی و کشفیات اتفاقی نه در ایران و نه در بین‌النهرین بدست نیامده است و بجزرات می‌توان گفت سرانجام افسانه حلقه قدرت که بعدها موضوع اصلی هنر ایران در دوران هخامنشی، پارت و ساسانی و سوزده مشخص حجاریهای این دوره گشته است، رویای دیدن آن با کشف حلقه آرامگاه ارجان به حقیقت می‌پیوندد. در یک نظر اجمالی به هنر ایران و بررسی جنبه‌های مختلف عقیدتی آن در طی دورانهای مختلف ما را با تصاویری از ابزار و وسایل مربوط به مراسم مذهبی و جشن‌ها، بر روی حجاریها، نقش ظرفها و پلاکهای فلزی، اثر مهرها و نهایتاً "مراسم بسیار معمولی و جدی بر روی جام‌های طلا آشنا می‌سازد ولی تاکنون هیچگاه صحبت از حلقه‌ای با مشخصات حلقه ارجان بمیان نیامده است. و اگر هم در جایی بحث شده است هیچ نقش برجسته‌ای و هیچ توصیفی نتوانسته عظمت واقعی چنین اثری را بطور جدی القاء نماید چنانکه در کتاب تاریخ ملل آسیای غربی به مطلبی برمیخوریم که ذکر آن بی‌مناسبت نخواهد بود.

"نزدیک یکی از دیوارهایی که بوسیله توکولتی نینورتای اول

(۱۲۱۸ - ۱۲۵۵ ق م) پادشاه آشور (تقریباً همزمان با کیدین هوتران (۱۲) نقش برجسته‌ای بدست آمده که ظاهراً" مربوط به اواسط قرن سیزدهم پیش از میلاد می‌باشد. در این حجاری طبق معمول بابل شخصی در حال دعا میان دو فرشته با گیسوان مجعد تصویر شده که هر یک از آن دو علامتی (بشکل صفحه نورانی که به دسته‌ای متصل است) در دست دارند. در قسمت پائین این نقش چند مرد و چند حیوان در یک منظره "کوه" تصویر شده. از این دوره سبک مخصوص آشور بوجود آمده است. (۱۴) اگر شیئی مذکور بشکل صفحه نورانی که به دسته‌ای متصل است چیزی شبیه حلقه مکشوفه کیدین هوتران باشد چرا در دست حکمران نیست و در دست فرشته‌ها می‌باشد آیا این حلقه، حلقه تشریفات مذهبی است؟ آیا حلقه آرامگاه ارجان که نوشته میخی آن بنام کیدین هوتران است در چنین مراسمی مورد استفاده قرار گرفته است؟ اگر چنین است پس چرا با او در داخل تابوت دفن شده است؟ و با مرگ کیدین هوتران دیگر مراسمی برپا نخواهد شد؟ بنظر می‌رسد اظهار نظرهایی که در اینگونه موارد شده است بعلت عدم اطلاع صحیح و عدم دسترسی به این ابزار از نزدیک مبنای درستی نداشته باشد. اکنون با کشف این حلقه می‌توان مسائلی را مطرح نمود و برای هر یک از آنها دلایل کافی نیز ارائه داد. حلقه کیدین هوتران چیزی نیست که بتوان آنرا به گردن انداخت و یا مثل دست بند از آن استفاده نمود و حتی دسته آن جای چهار انگشت یک دست را بروی خود ندارد. بنظر میرسد که کنده‌کاری و برجسته‌کاری روی صفحه آن و شیارهای قاشقی بر پشت و دسته هنوز زبر بوده و چندان مورد استفاده قرار نگرفته. و از همه مهمتر تنها یک حلقه بیشتر نیست بنابراین نه تنها پذیرفتن این امر که حلقه مزبور در مراسم تشریفات مذهبی مورد استفاده قرار گرفته دشوار است بلکه قابل قبول نیست. گرچه با سمبل‌های مذهبی آن دوره بی‌ارتباط نمی‌تواند باشد.

بررسی نقش تزئینی روی دو صفحه قرینه این حلقه بصورت دو

شیر روبرو با دو بال تزئینی که یک پای خود را بر نقش یک پالم
مماس نموده اند و تزئینات فلس مانند زیر پای آنها حکایت از بیان
یک نقش قدیمی "سمبل قدرت" که در بررسی هنر باستان از مشخصه
هنر آشوری معرفی شده است می نماید .
" در نقوش آشوری درختان طبیعی که در کوهها می رویند و بطور
آشکار از درختان خرما ی تزئینی که بنظر می رسد ترکیبهای مصنوعی
بوده ، و در کوهستان نمی رویند ، متمایز شده اند
حیوانات نقوش آشوری معمولا " درخت را لمس نمی کنند اگر هم
لمس می کنند تنها یک پای خود را بر درخت می نهند (۱۴) ."
نقش حلقه قدرت یا دوشیر روبرو بطور قرینه محصور در دایره ای
تزئینی با سه نوار بهم بافته شده با خصوصیتی که دارد با همه
نقشهای موجود تاکنون فرق دارد . گر چه هر یک از موتیفهای
آنها به تنهایی نمی توان با تمدنهای هزاره اول قبل از میلاد و
اواخر هزاره دوم مقایسه نمود ولی در مجموع هیچ نقشی از نظر
ترکیب و هم آهنگی و ارائه موضوع باین موفقیت اجرا نشده است
همچنانکه در طرح شماره ۶ مشاهده میشود . موضوع اصلی در اینجا
دو شیر روبرو پنجه های دست خود را بحالت مقابله رو بروی هم
قرار داده اند - هر دوبا دهنی باز و زبان اندکی از دهان بیرون
آمده حالت غرش را کاملا " القاء می نمایند - پنجه های دست و
پا بحالت طبیعی بدون اینکه بشکل سم حیوانات علف خوار باشد
نظیر آنچه که در حیوانات اساطیری خواهیم دید . کاکل و یال
و گوشها کاملا " طبیعی است تنها چیزی که حالت اساطیری بآن
می بخشد دو بال است . اگر این نقش فاقد بال بود از نظر طراحی
و اجرای حالت و پرسپکتیو هیچ فرقی با واقعیت نداشت . اندازه ها
متناسب و اناتومی بسیار دقیق و حساس اجرا شده است . اگر اغراق
نباشد باید گفت در تمام دوران ها در تاریخ هنر باستان هرگز
نقشی باین زیبایی و ظرافت بر هیچیک از آثار فلزی مشاهده نگردیده
است . درباره شیرو شیر بالدار تاکنون در هنر ایران صحبت های
فراوان شده و آنها مظهر قدرت و یک نقش تزئینی برای بیان قدرت

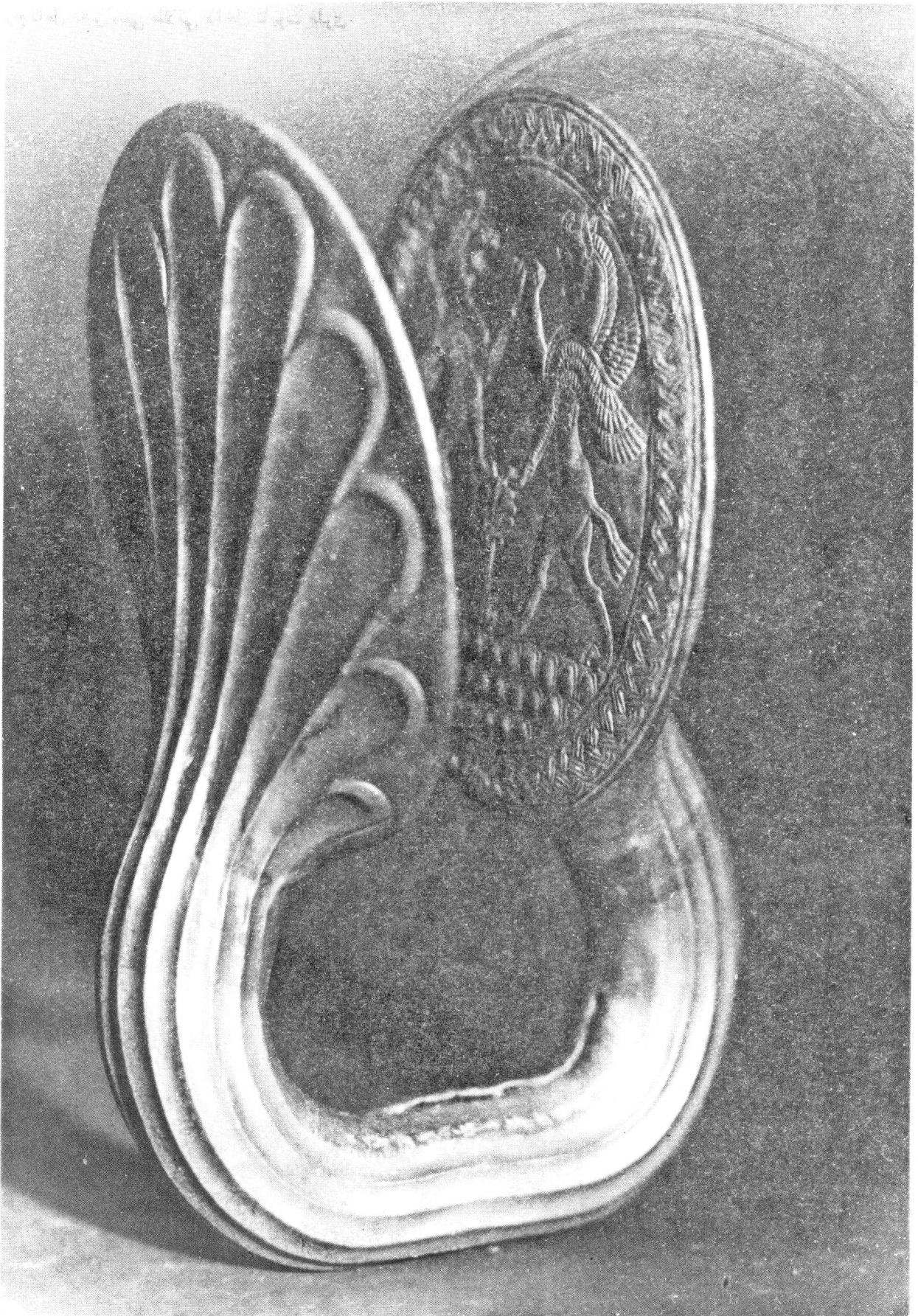
سلاطین توصیف کرده اند بعدها در نقوش روی طرفها مثل جام
حسنلو شیر را بطور رام شده در کنار تخت سلطان یا شخص صاحب
قدرت خواهیم دید .

در نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد نقش شیر هنوز افسانه ایست
و بصورت شیر دیو یا شیر دال توصیف شده است نمونه هایی از
این نقش رامی توان بر جام طلای مکشوفه از شمال غرب ایران که
در موزه لوور نگهداری می شود مشاهده کرد .

در جام طلای کلاردشت موجود در موزه ایران باستان که تاریخ
آنها تقریبا " نزدیک به حلقه طلایی مکشوفه از آرامگاه راجان سبهان
می توان تخمین زد شیر بدون کاکل و با بدنی کشیده و دم علم
کرده با سر برجسته که بطور جداگانه بآن افزوده شده و دهان بسته
تجسم شده است . این اثر از نظر اجرای طرح و ارائه یک حجم
پلاستیکی بسیار ضعیف تر از نقش شیر حلقه طلایی آرامگاه راجان
است . نقوش زنجیره ای یا طنابهای بهم بافته شده در دو ردیف
بالا و پائین در بالا شامل سه رشته بهم بافته شده و در پائین دو
رشته ، کاملا " با نقش تزئینی حلقه طلایی قابل مقایسه می باشد .
این طرح تزئینی بعدها در هنر فلزکاری لرستان نقش عمده ای را
در کادر موضوعات و نقوش بر عهده خواهد داشت که بموقع به چند
نمونه از آن اشاره خواهیم کرد .

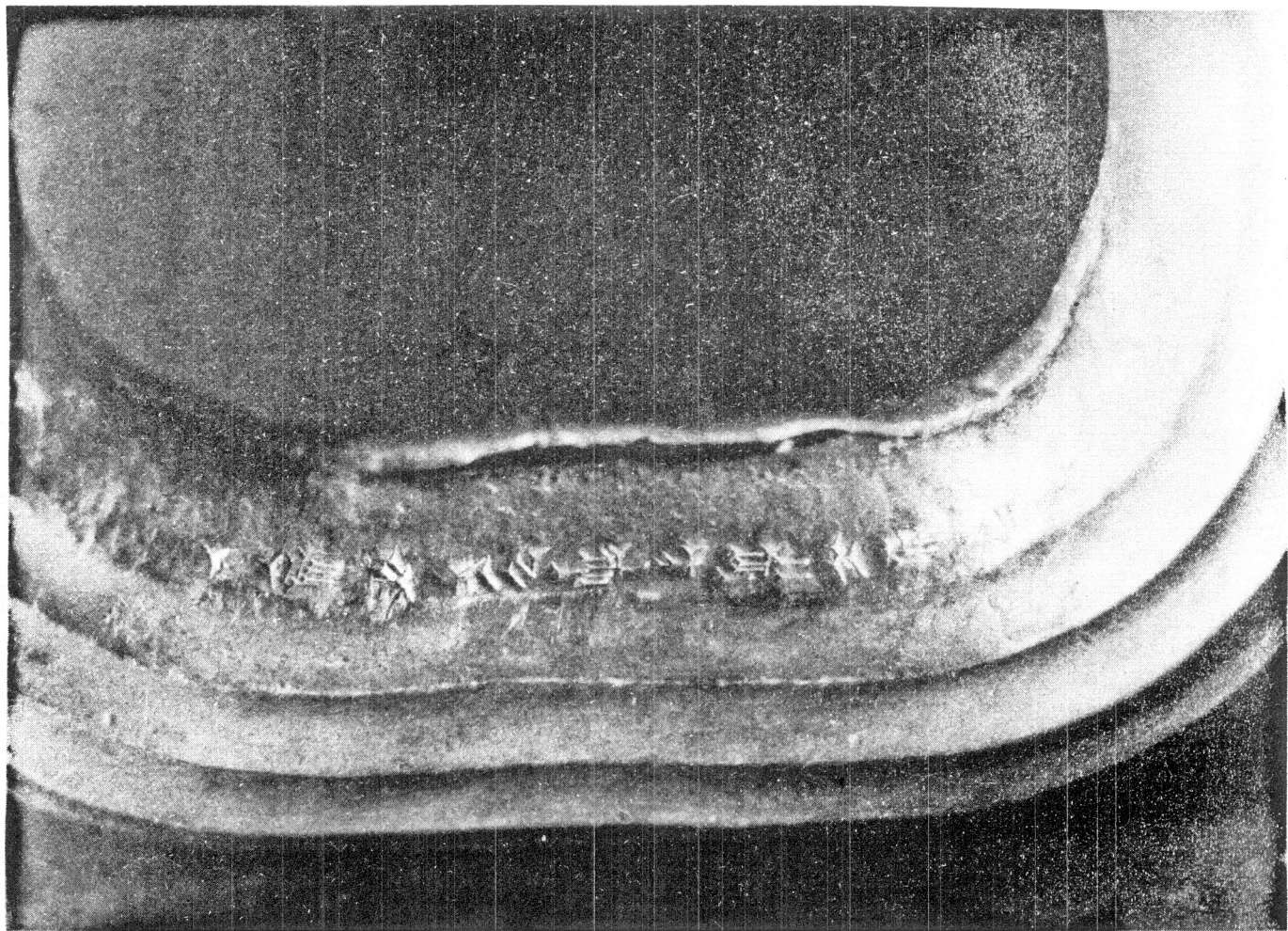
جام طلای مارلیک با نقش گاوهای بال دار در دو سوی درخت
تزئینی متعلق به قرن دوازدهم تا یازدهم پیش از میلاد که هم
اکنون در موزه ایران باستان نگهداری میشود به عقیده ایدت پرادا
رابطه بسیار نزدیک با هنر عیلام دارد . استناد پرادا در رابطه
با هنر عیلام " شیوه ایست که در آن سر گاوهای جام مارلیک به
صورت پیکره آزاد کار شده اند و باین وسیله بطرز فعالتری در فضای
پیرامون سهم گشته اند . همچنانکه به وسیله ظروف قیر طبیعی
دوران عیلام قدیم پیشنهاد شده است ممکن است به رسوم عیلامی
پی گیری نمود . حقیقت اینکه این رسم کهن به وسیله هنرمندان
دورانهای جدیدتر در شوش ادامه یافت . این موضوع با یک پاگرد

تذکره شاهنشاهی ایران، جلد اول، صفحه ۱۰۰



۴۳- سبی طلائی (حلقه قدرت) مکشوفه داخل تابوت فلزی - وزن ۲۳۷ گرم - آرامگاه کبیرین هوتران - ارجان - بهبهان

۴۴- طرح کامل نقش شیئی طلائی داخل تابوت فلزی



۴۵- نوشته میخی بر روی دسته حلقه طلائی مکشوفه از داخل تابوت فلزی آرامگاه ارجان



۴۶- طرح زنجیره‌ای بر روی لبه خارجی جام مارلیک



۴۷- طرح زنجیره‌ای شبه تزئینات حلقه طلایی ارگان بر روی ظرف طلایی مارلیک.

مفرغی دری از شوش که احتمالاً " به زمان عیلام میانی تعلق دارد نشان داده شده است . اسبها و گاوها در حال راه رفتن به دور این ظرف نقش شده اند . بدن آنها بصورت برجسته ارائه گردیده و سرهایشان به سوی خارج برگشته و کاملاً " شکل بخشی شده اند (۱۵) ."

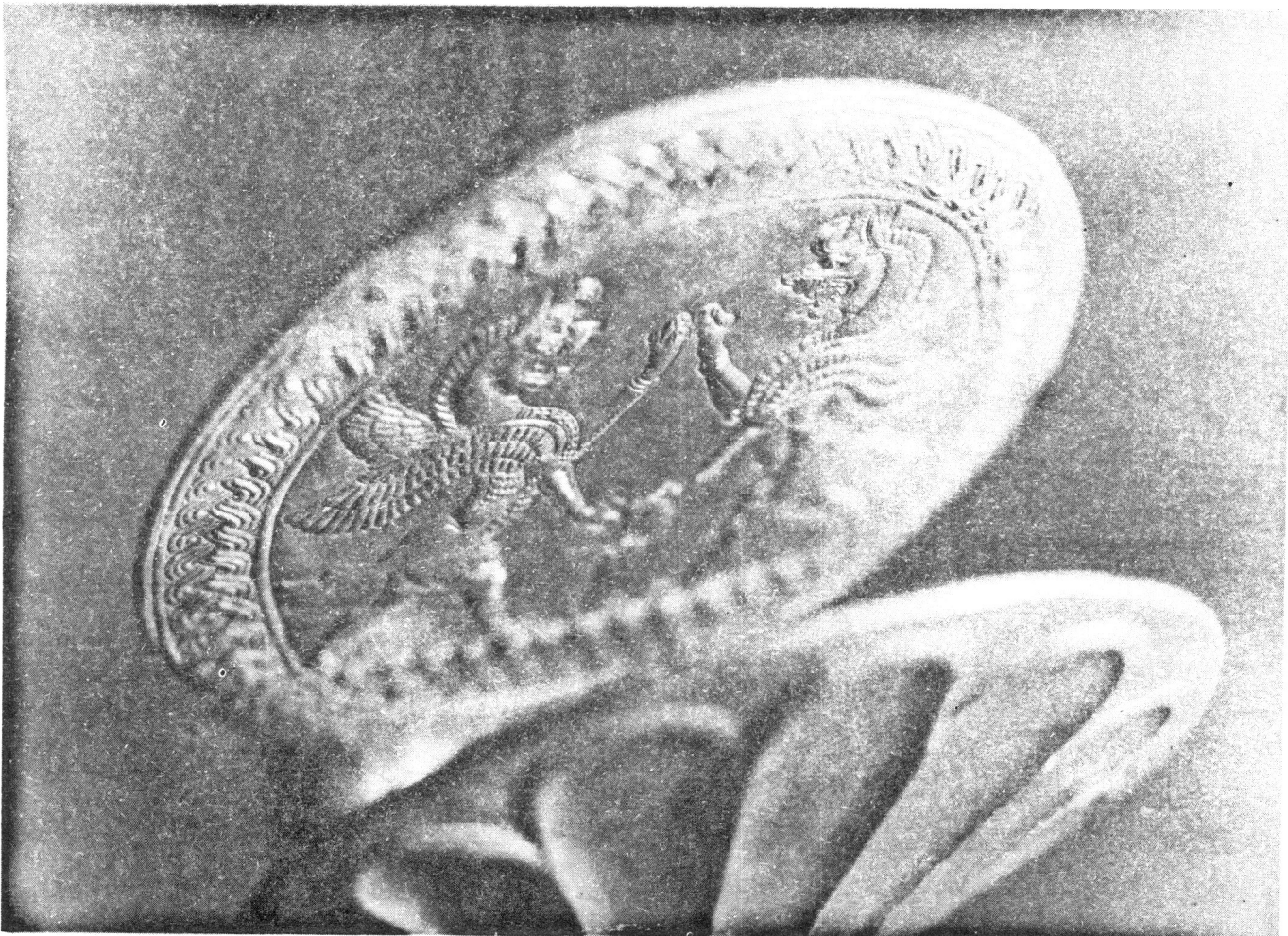
در اینجا باید به استنادات پرادا اضافه نمود که علاوه بر موضوعات ذکر شده می توان از دو موتیف دیگر عیلامی برای شناسائی بیشتر جام مارلیک کمک گرفت . زیرا پیشنهاد می نماید علت وجود نوشته روی شیپ طلائی ، موتیف های آن مبنای مستندی برای مقایسه اشیا هنری قرار گیرد .

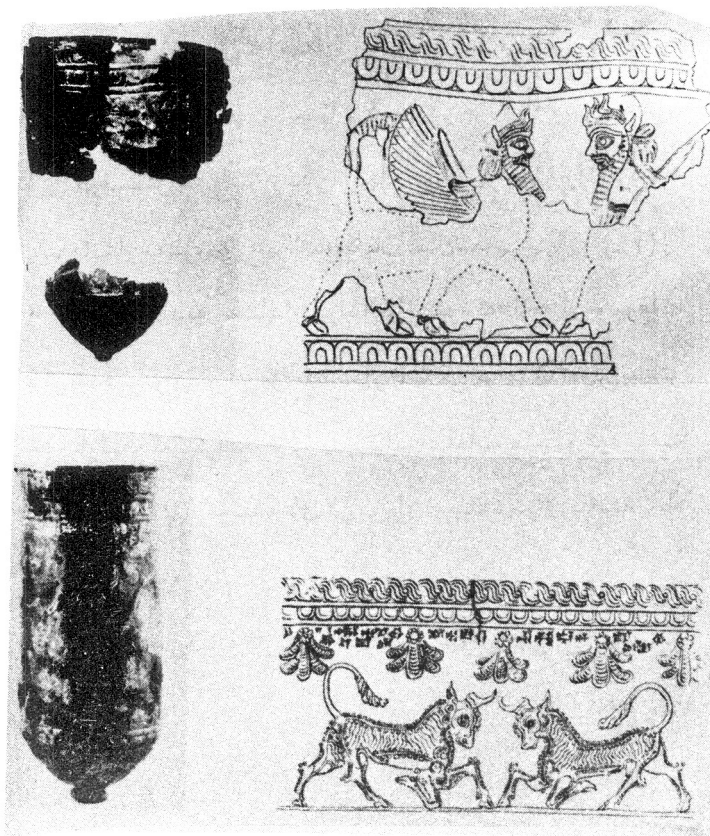
اگر پرادا برجسته کاری و ادامه این شیوه را در دورانهای بعد

در شوش مایه و رنگ هنر عیلامی احساس کرده است ، نقش زیرپای گاوهای بالدار بصورت فلس هارا که به نشانه زمین تعبیر شده است بطور آشکار و بسیار واضح تر در زیر پای شیرهای حلقه طلائی می بینیم . همچنین نقش تزئینی نوارهای بهم بافته شده (شامل سه رشته بهم بافته شده) در قسمت بیرونی لبه رانیز بهمان ظرافت و مهارت در اطراف شیرهای حلقه طلائی می بینیم .

بیان ارتباط هنری اقوام ساکن مارلیک و اقوام ساکن بهبهان در دوران حکومت کیدین هوتران قبل از آن از بحث این تحقیق خارج است ولی آنچه که مسلم است اگر شیوه های تزئینی ظروف طلائی و تکنیک های بکار رفته را در هر دو قسمت از شمال و جنوب

۴۸- نقش شیپ طلائی مکشوفه داخل تابوت فلزی



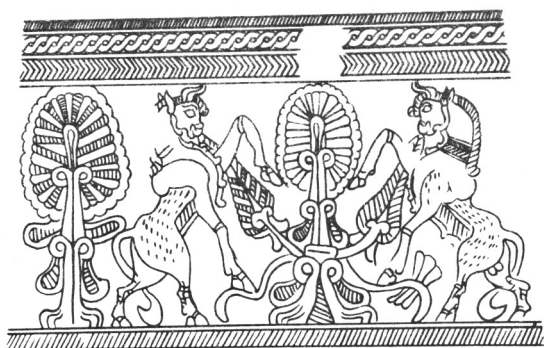


۴۹- تزئینات شبه اشیاء ارخان بر روی ظرف فلزی لرستان

ایران مورد بررسی قرار دهیم و ادامه این سنت ها را ردیابی نمائیم سرانجام یکی از مناطق را محل ساخت و مهد خلافت این هنر با ارزش خواهیم شناخت . در اینجا قضاوت را به کلیه هنر شناسان و منقدان صاحب نظر در هنر ایران باستان واگذار می کنیم زیرا هر آنچه در حال حاضر درباره حلقه طلایی ارجان گفته شود خالی از تعلق خاطر نخواهد بود .

شیر بالدار با تصویر دو بال و رعایت پرسپکتیو در هنر ایران تا قرن پنجم قبل از میلاد تقریباً " ناشناخته است البته حیوانات دیگر مثل بز کوهی بالدار - اسب بالدار و گاو بالدار در قسمت اعظم آثار بدست آمده در شمال ایران و غرب و حتی جنوب غرب مشاهده گردیده ولی شیوه ارائه نقش شیر با طبیعت گرائی در نشان دادن حالات و اعضای بدن با قدرت بخشیدن و جلوه عظمت آن با دو بال تزئینی بطور اعم در جنوب ایران توسط هنرمندان هخامنشی در نقش شمشیر کاخ خزانه تکرار شده و اگر این شیوه را از آن هنرمندان عیلامی بدانیم ، هنرمندان حجار در نقش شمشیر کاخ خزانه ادامه دهنده هنر نیاکان خود یعنی عیلامیان بوده اند .

اگر موضوع قرینه بودن دو حیوان را در دو طرف یک درخت تزئینی یک نقش آشوری بپذیریم و ادامه این سنگ را در کار هنرمندان بی گیری نمائیم باین نتیجه خواهیم رسید که در دوره عیلامی این سبک و ویژگیهای خاصی پیدامی کند و در نیمه دوم هزاره دوم گسترش پیدا کرده و یکی از موضوعات تزئینی ظروف و پلاکهای فلزی میگردد چنانچه به ظروف طلایی مارلیک و کلاردشت در شمال ایران اشاره گردید . اقوام کوهستان نشین دیگری در غرب زاگرس این شیوه را در کارهای خود مدام تکرار می کنند . آنچه که تحت نام برنز لرستان معرفی شده و بتاریخ اوایل نیمه اول هزاره اول ق . م . تاریخ گذاری شده است چه در بکار بردن سبک دو حیوان قرینه در دو طرف یک درخت تزئینی و چه در استفاده از نواری از فلسها یا پولکها و حاشیه زنجیری بصورت دو طناب بهم بافته بسیار غنی

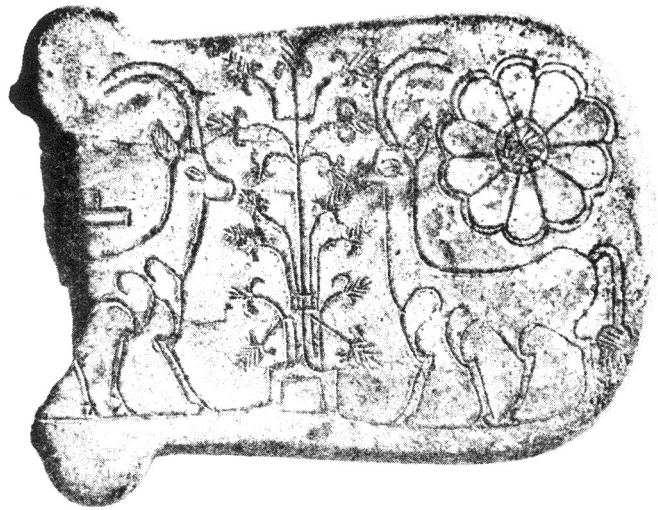


۵۰- تزئین زنجیره ای و قرینه سازی در هنر ، نیمه اول هزاره اول ق . م

می باشد .

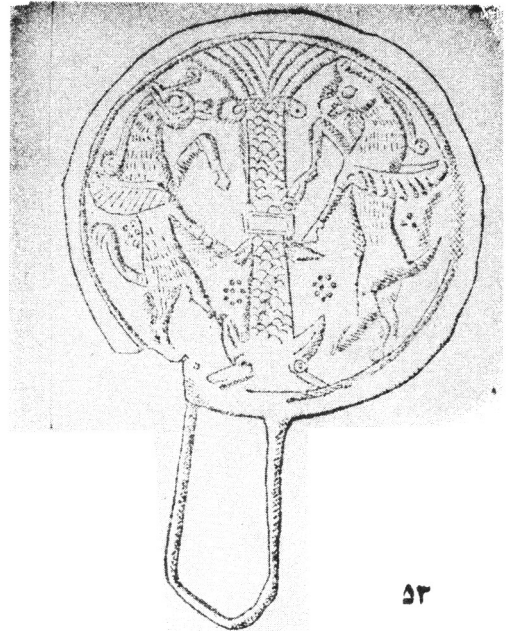


۵۵- قرینه سازی در هنر لرستان

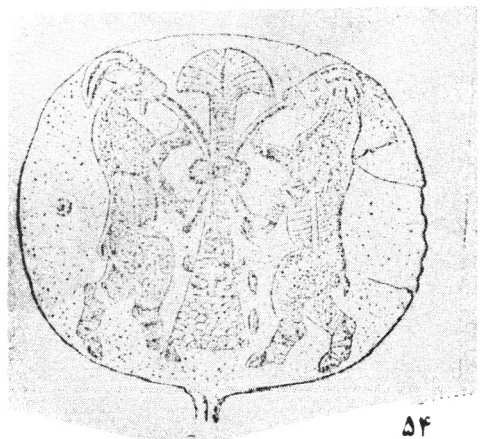


۵۲- نقش حیوان در دو طرف درخت تزئینی و گل رزت شبهه دگمه‌های

مکشوفه در آرامگاه ارجان



۵۳



۵۴

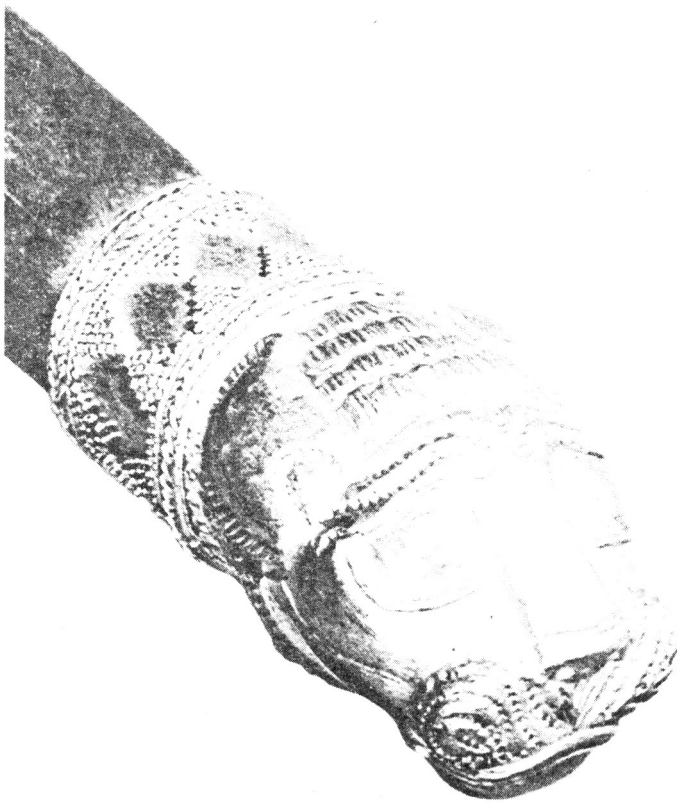
نقش حیوان بطور قرینه در دو طرف درخت

تزئینی بر روی سنحاق های فلزی لرستان

خنجر مکشوفه در داخل تابوت

این خنجرکه با تیغه آهنی درون غلاف چوبی بر اثر پوسیدگی چوب و زنگ زدگی آن به وضع بسیار دلخراشی درآمده است . در ابتدا بسیار زیبا و باارزش بوده است . حلقه لبه غلاف از جنس طلا به پهنای حدود یک سانتیمتر دارای تزئینات نقطه برجسته که در اصطلاح به تزئینات خوشه‌ای معروف است و طرح دندان‌های می باشد . این شیوه تزئینی در نیمه دوم هزاره دوم در هنر عیلام مرسوم بوده و نمونه زیبای آنرا می‌توانیم در یک چاقو تیزکن با دسته طلائی بشکل سرشیر مکشوفه از شوش متعلق به دوره عیلام میانی قرن سیزدهم تا دوازدهم پیش از میلاد مشاهده کنیم .

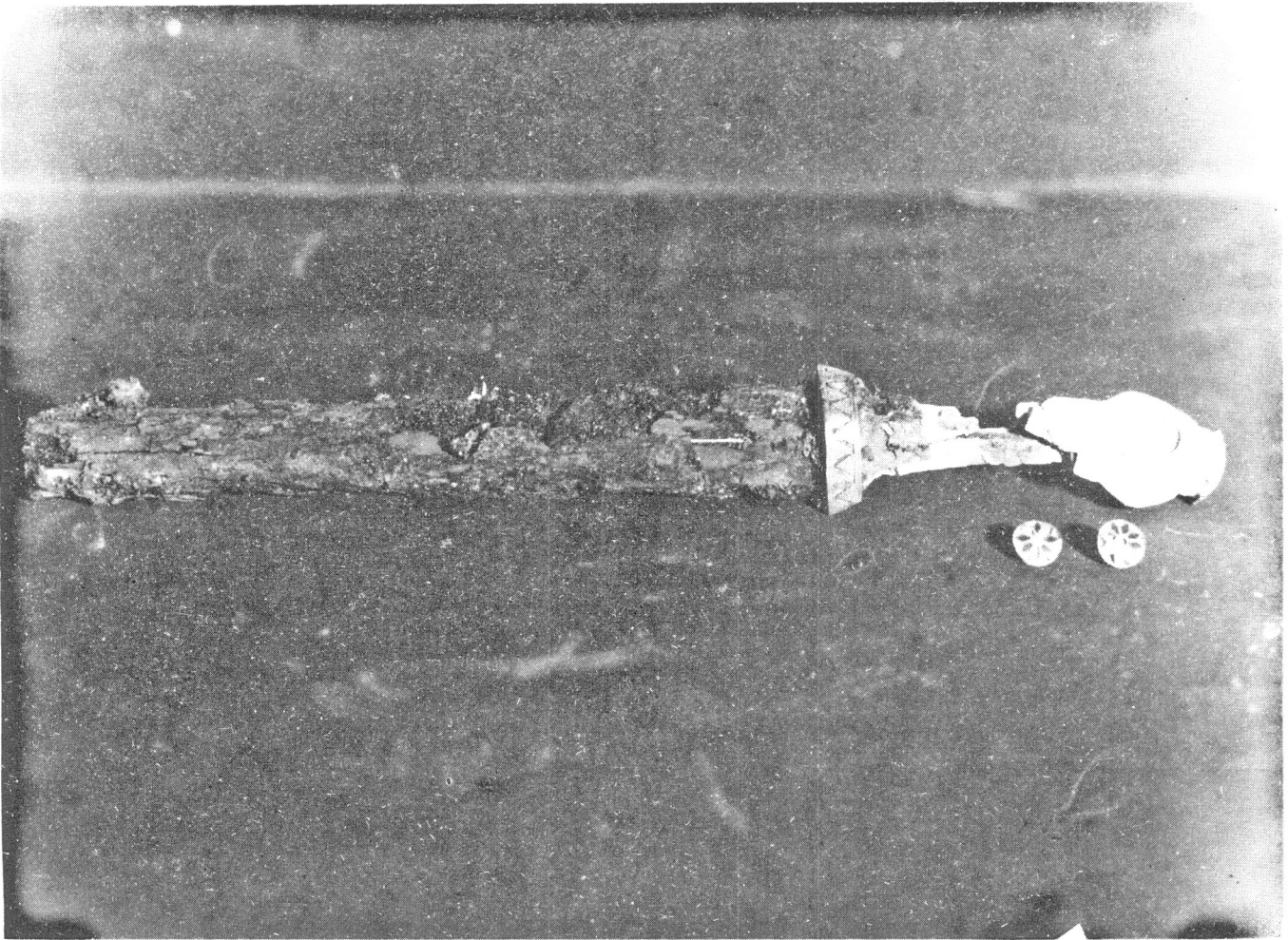
(تصویر زیر) . دسته خنجر از جنس استخوان می‌باشد که متأسفانه بسیار نرم شده و بصورت پودر درآمده است راس دسته بوسیله یک دگمه طلای دایره‌ای به شکل یک گل میخ با نقطه‌های برجسته که قاب یک نگین عقیق را تشکیل میدهد تزئین شده است . رنگ عقیق سفید و لکه دایره‌مشیکی مایل به قهوه‌ای می‌باشد (این نوع عقیق را در اصطلاح چشمی یا باباقوری می‌گویند) . سایر تزئینات این خنجر دو نگین مرصع عقیق نشان با قابهای طلائی بشکل دایره می‌باشد که هر کدام از آنها بصورت ستاره‌هشت پر با هشت تکه نگین عقیق لوزی شکل تزئین شده‌اند و محل این نگین‌ها دو طرف دسته در قسمت فوقانی می‌باشد .



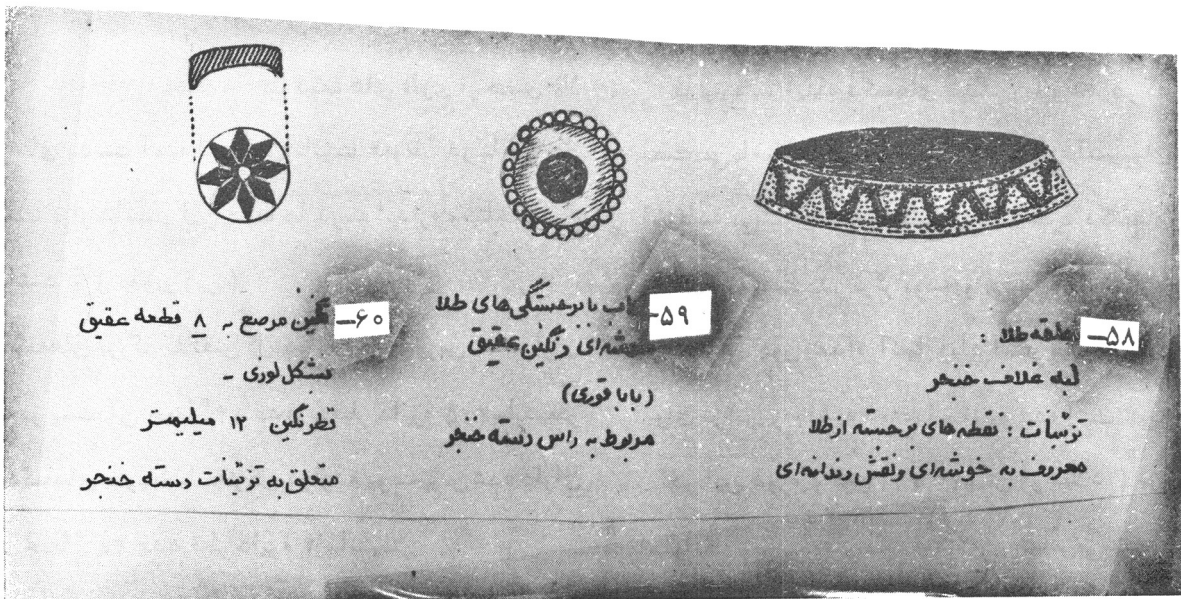
۵۶
سنگ سمباده با دسته‌ای از طلا ،
بشکل سرشیر ، مکشوفه از شوش
موزه لوور - درازا : ۰/۱۵۵
متر از جنس طلا و سنگ شایسته سبز
رنگ .

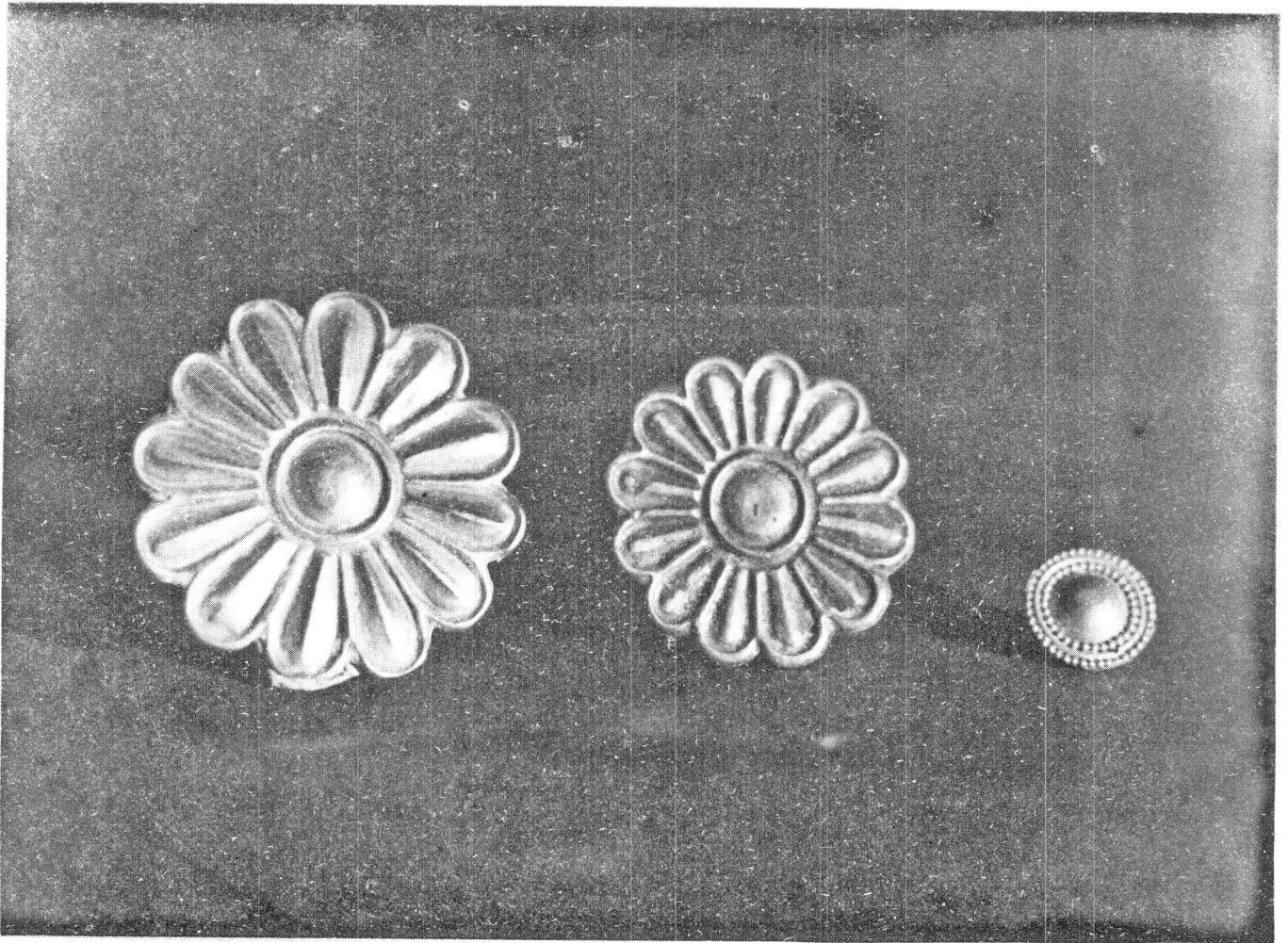
سرشیر استلیزه شده ، و عیناً "
بعدها در دوره هخامنشیان تقلید
شده است . گردن بند خوشه‌ای این
مجسمه بهمان ظرافت نقوش انگشتری‌ها
میباشد . (عکس از کتاب عیلام -

پیر آمیه)



۵- خنجر بادسته عاج و تزیینات طلا و عقیق و حلقه طلایی در لبه غلاف - غلاف چوبی و تیغه آهنی
مکتوفه از داخل تابوت فلزیه آرامگاه ارجمان - بهبهان - طول = ۳۱ سانتی متر - کسر در





۱-۶- دگمه های طلائی مکشوفه از داخل تابوت فلزی آرامگاه ارجان - بهبهان

۱- دگمه بزرگ با نقش گل دوازده پر - قطر : ۲/۵ سانتیمتر

۲- دگمه متوسط با نقش گل دوازده پر - قطر : ۲ سانتیمتر

۳- دگمه کوچک با نقش برجستگی در وسط و دو ردیف نقطه برجسته - قطر ۷ میلیمتر

باتوجه به اینکه دگمه های بزرگ و متوسط هر کدام دارای دو بست می باشند کاربرد دگمه رانداشته و از آنها برای تزئین لباس استفاده می شده است . همچنین در مورد دگمه های کوچک گرچه دارای یک بست در مرکز بوده و می تواند کاربرد دگمه رانداشته باشد ولی چون تعداد آنها زیاد است میتوان گفت از آنها نیز برای تزئین و حاشیه دوزی استفاده شده است .

در این دوره (قرن ۱۳ و ۱۲ پیش از میلاد) بر روی مهرهای استوانه ای و مجسمه های مکشوفه در تزئین لباس می بینیم که حاشیه دوزی متداول بوده و بعدها در هنر هزاره اول و بطور اعم در دوره هخامنشی با همین دگمه ها (گل دوازده پر) تزئینات روی لباس را می بینیم

۳- دگمه های فلزی از جنس طلا

دگمه های بدست آمده از داخل تابوت عموماً " در ناحیه بالا تنه اسکلت قرار داشت و این دگمه ها در سه اندازه مختلف بشرح زیر می باشند : (تصویر زیر)

۱- دگمه های بزرگ با نقش گل دوازده پر - پرس شده دارای دو بست بر پشت آن جمعا " ۱۴ عدد - قطر دایره ۲/۵ سانتیمتر

۲- دگمه های متوسط با نقش گل دوازده پر - پرس شده دارای دو بست جمعا " ۲۰ عدد قطر دایره ۲ سانتیمتر

۳- دگمه های کوچک با برجستگی در وسط و دو ردیف نقطه کاری برجسته (تزئینات خوشه ای) جمعا " ۶۴ عدد قطر دایره ۷ میلیمتر

مشخصات آتشدان؟ فلزی

آتشدان فلزی مکشوفه از آرامگاه ارجان از جنس برنز میباشد و از دو قسمت تشکیل شده است .

۱- ساقه آتشدان

۲- پایه آتشدان

ساقه آتشدان خود از چند قسمت تشکیل شده از جمله در قسمت فوقانی که بشکل قرقره است (طرح شماره ۱ و ۲) از نظر شیوه ساخت چنین بنظر میرسد که یک استوانه فلزی را از پهلو تراشکاری کرده اند و تقریباً اثر تراش بر روی آن احساس می گردد. این صفحه بوسیله شش مجسمه بسیار زیبای شیر با قامتی کشیده و انحنای آرام که بیانگر حالت انجام یک کار مهم و خارق العاده را دارد و در حین سکون از تحرک و خشونت آنها نمی گاهد، نگه داشته شده است (طرح شماره ۳) شیرها دارای دمی کشیده و پنجه های درشت و خیز برداشته تجسمی بسیار قوی از کار مجسمه سازان این دوره را القاء می کند. خطوط چهره و دهان باز و کنده کاری روی بازوها بمنظور مجسم نمودن عضلات آن از تکنیک فوق العاده برخوردار است. پای مجسمه ها بر روی صفحه مدور دیگری استوار است که آن نیز بر روی گوی کروی شکلی که لبه آن بصورت برگهای برگشته گل ۸ پر بشکل گرز خشخاش یا انار تعبیه شده است. با توجه به اینکه در نقوش برجسته عیلامی و در اغلب مهرهای استوانه های این دوره با نقش انار مواجه می شویم انتساب این گوی کروی و تشبیه آن به انار مناسب تر بنظر می رسد.

ارتفاع ساقه آتشدان از راس صفحه مدور قرقره ای شکل یا محل اتصال آن به پایه حدود ۵ سانتیمتر است و بعد از قسمت کروی شکل باده برجستگی برگی شکل و سردیف مفتول حلقوی در فاصله هر کدام از برجستگی ها تزئین شده است. مشاهده این برجستگی ها بشکل یک گل نشکفته و ارونه مارا بیا در تزئین پایه ستونها در دورانه های بعد بخصوص دوره هخامنشی می اندازد و اگر این سبک تزئین را ریشه یابی کنیم. تزئین آتشدان آرامگاه ارجان یکی از مدارک

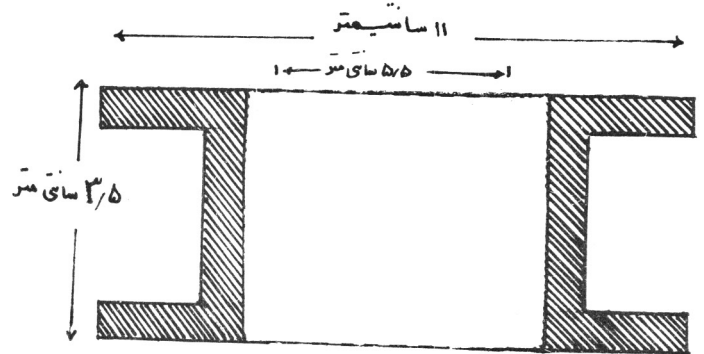
مستند برای مقایسه این هنر خواهد بود. (طرح شماره ۴) محل اتصال ساقه آتشدان بر سه پایه بصورت نر و مادگی ساخته شده و با سانی بهم دیگر چفت می شوند .

سه پایه آتشدان مرکب از یک برجستگی کروی شکل محاط در دو ردیف تزئین برگی شکل شبیه گوی زیر پای شیرهای قسمت بالا می باشد. این صفحه مدور نیز از زیر بوسیله سه مجسمه شیر و سه مجسمه انسان به سه پایه ای که انتهای رعوس آنرا مجسمه گاو شاخدار زانو زده تشکیل میدهد بهم مرتبط می سازند. پای شیرها بر روی پشت گاوها و پنجه های دست متصل به صفحه مدور است سر شیرها بادهانی باز بطرف خارج برگشته البته نه باندازه شیرهای بالای آتشدان بلکه کمتر. اگر زاویه برگشت سر شیرهای قسمت بالای آتشدان را ۱۸۰ درجه در نظر بگیریم شیرهای قسمت پائین ۹۰ درجه سر خود را به اطراف برگردانده اند. در فاصله بین شیرها بر وسط قاعده هر مثلث یک مجسمه انسان با لباس بلند و پای برهنه - کمر بند پهن، ریش بلند با خطوط افقی، موهای گره شده در دو طرف شانه - کلاهی نوک دار؟ با موهای بافته شده و در راس گره خورده (البته این آتشدان هنوز تمیز نشده و بر اثر زنگ و چسبیدگی خاک تزئینات آن خوبی قابل رویت نیست) با دستهای خود رو به بالا صفحه مدور را نگه داشته اند در مجموع این سه پایه از نظر کیفیت هنری یکی از اشیاء منحصر بفردی است که تاکنون هیچیک از موزه های جهان نظیرش را بخود ندیده است (طرح شماره ۵) حالت شیرها و تناسب آنها نسبت به ارائه هیکل مجسمه های انسان فلسفه و کاربرد این آتشدان را در نحوه استفاده از آن تا اندازه ای روشن می سازد و این مساله نشان میدهد که آتشدان آرامگاه ارجان علاوه بر اینکه دارای تزئینات فوق العاده است برای مراسم مخصوصی ساخته شده و در اختیار همگان نیز نبوده است. مشاهده مجسمه های گاو نشسته و زانو زده (این مجسمه ها در حال حاضر بعلت جرم گرفتگی بسیار نامشخص است و فقط می توان حالت آنرا تجسم نمود و ممکن است بعد از تمیز شدن دارای تزئینات

اما دلیل نام گذاردن این اثر نفیس هنری بنام آتشدان از اینجا ناشی می شود که در قسمت فوقانی صفحه قرقره ای شکل دارای یک سوراخ است و در قسمت پائین تر جایی است که بوسیله شش مجسمه شیر به ساقه متصل می شود مشبک می باشد و برای ریختن مایع و یا قرار دادن چیزی شبیه شمع و غیره در آن مناسب نیست و این اثر یا تحسمی از یک آتشدان است و صرفاً جنبه تزئینی دارد، یا اینکه ظرفی شبیه ظرف فیفی شکل مکشوفه در داخل آرامگاه با کف مسطح بطور وارونه در داخل سوراخ بالای آن تعبیه شده و روی کف آن آتش می گذاشته اند و یا مشعل در داخل آن قرار میداده اند (طرح زیر)

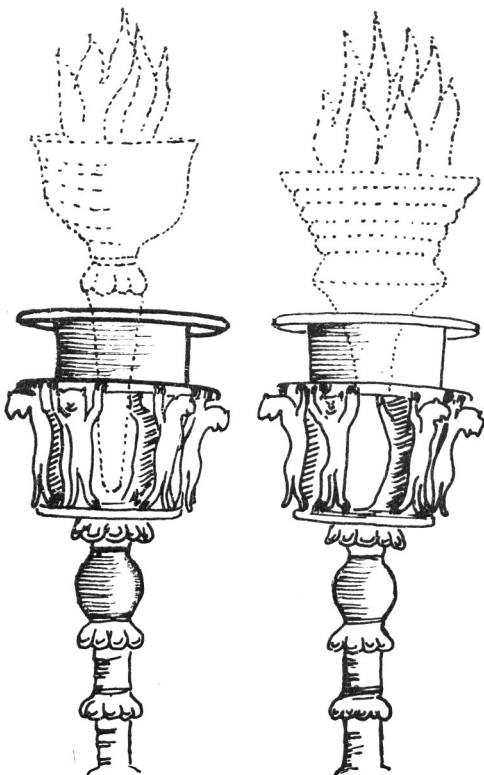
و خصوصیات دیگری باشد که در اینجا از آن بحثی بمیان نیامده است) در نگاه اول تکنیک سرستونهای تخت جمشید را در ذهن بیننده القاء می کند در حالیکه این دو حدود نزدیک به هشتصد سال اختلاف زمانی دارند و تداوم هنرهای بومی را بخوبی می توان در این سرزمین باثبات رسانید .

در بیان انتساب آتشدان به زمان اشیاء موجود در آرامگاه نیازی به ارائه استدلال نیست زیرا در هنر دوره عیلام استفاده از ظروف پایه دار بخصوص با سه پایه و مثلثی شکل مرسوم بوده و عناصر ترکیبی و اجزاء تشکیل دهنده اینگونه ظروف نیز مجسمه های حیوان بوده است .

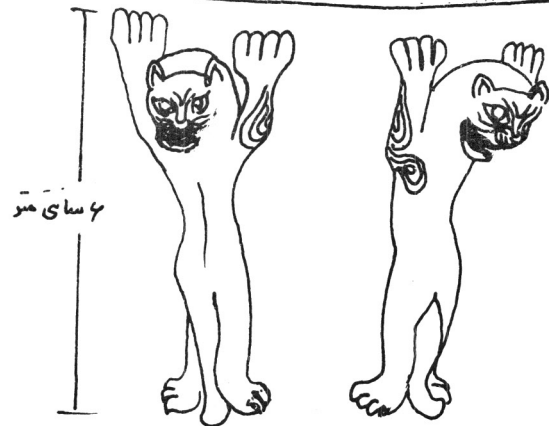
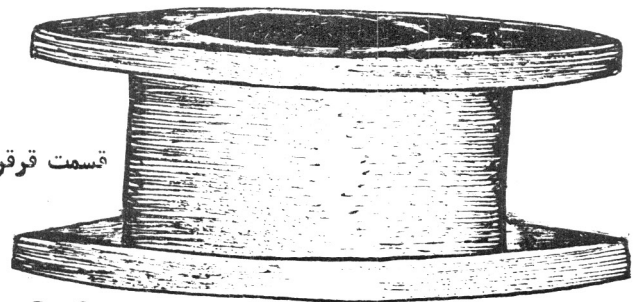


برش قسمت قرقره ای شکل آتشدان

۶۳- تحسمی از نحوه استفاده از آتشدان فلزی مکشوفه

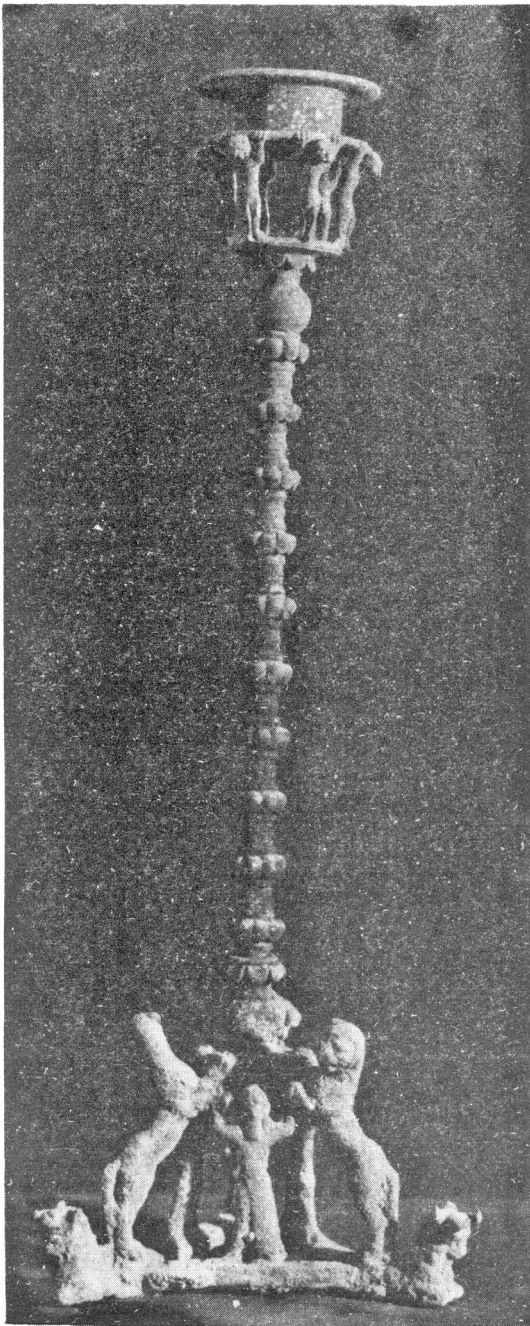
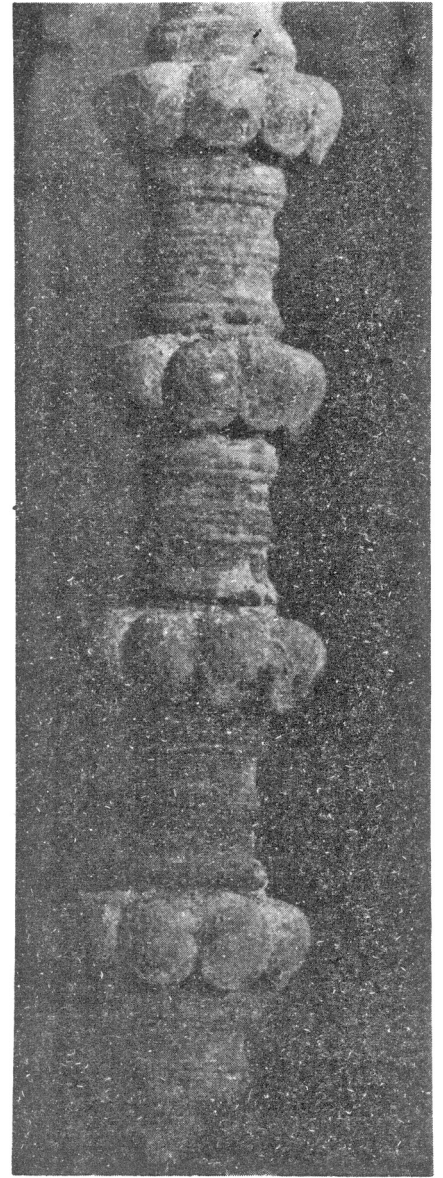


قسمت قرقره ای شکل آتشدان

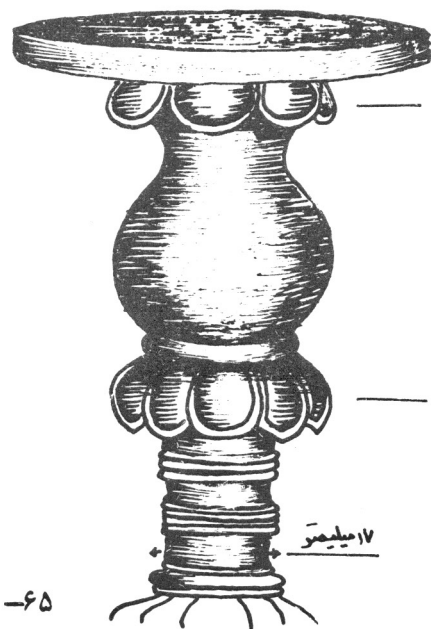


۶۴- مجسمه شیر به تعداد ۶ عدد در قسمت فوقانی آتشدان

۶۴- ساقه آتشدان



۶۶- آتشدان

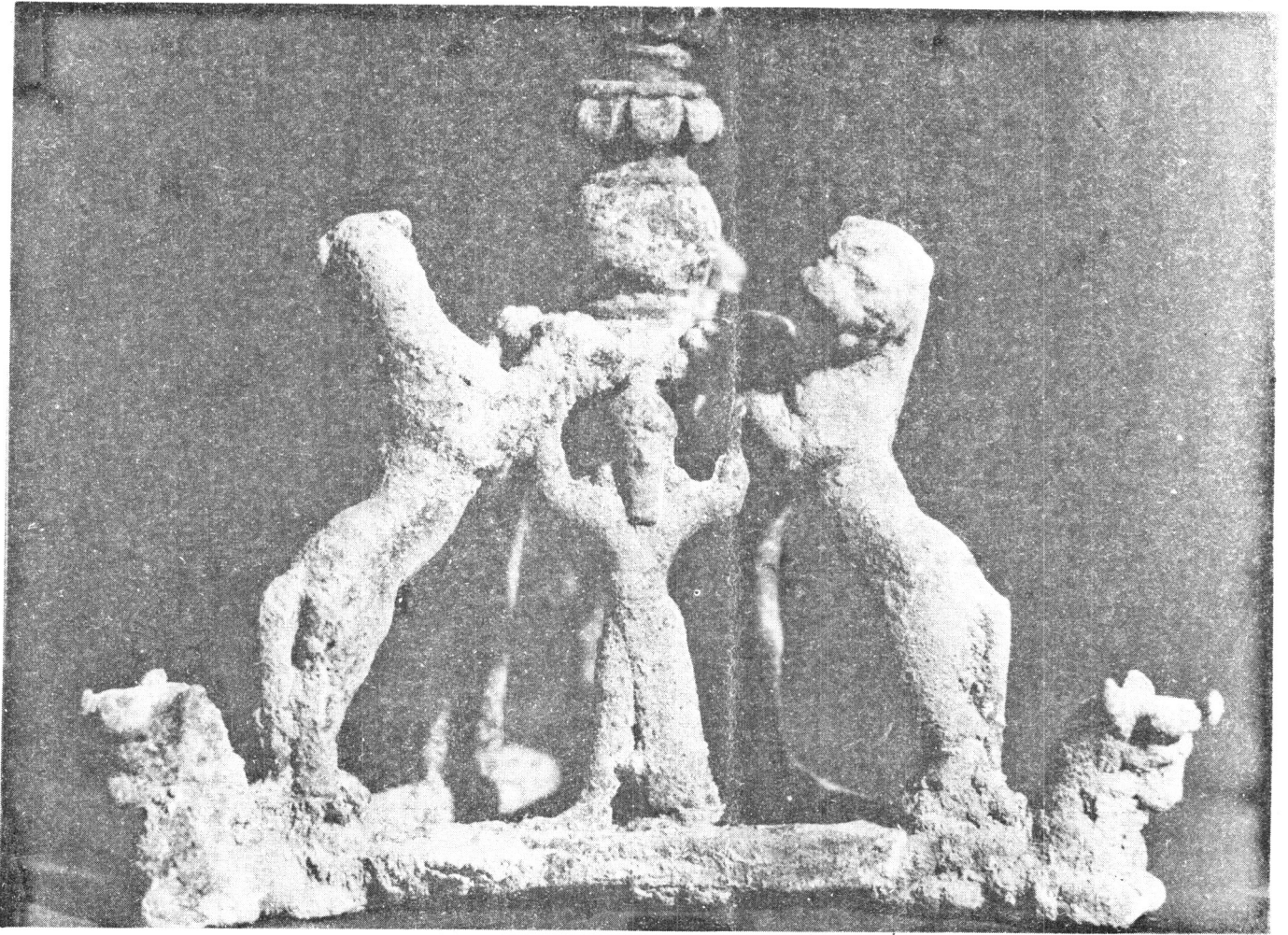


گل ۸ پر

گل نه پر

۷ میلیمر

۶۵- صفحه مدور و قسمت کروی شکل ساقه آتشدان



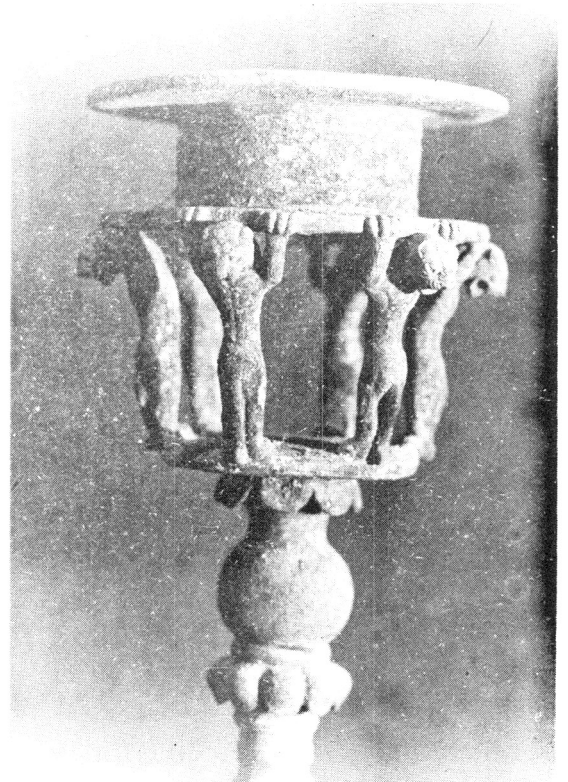
۶۷- پایه آتشدان شامل :

۱- قسمت کروی شکل و صفحه مدور

۲- سه مجسمه شیر

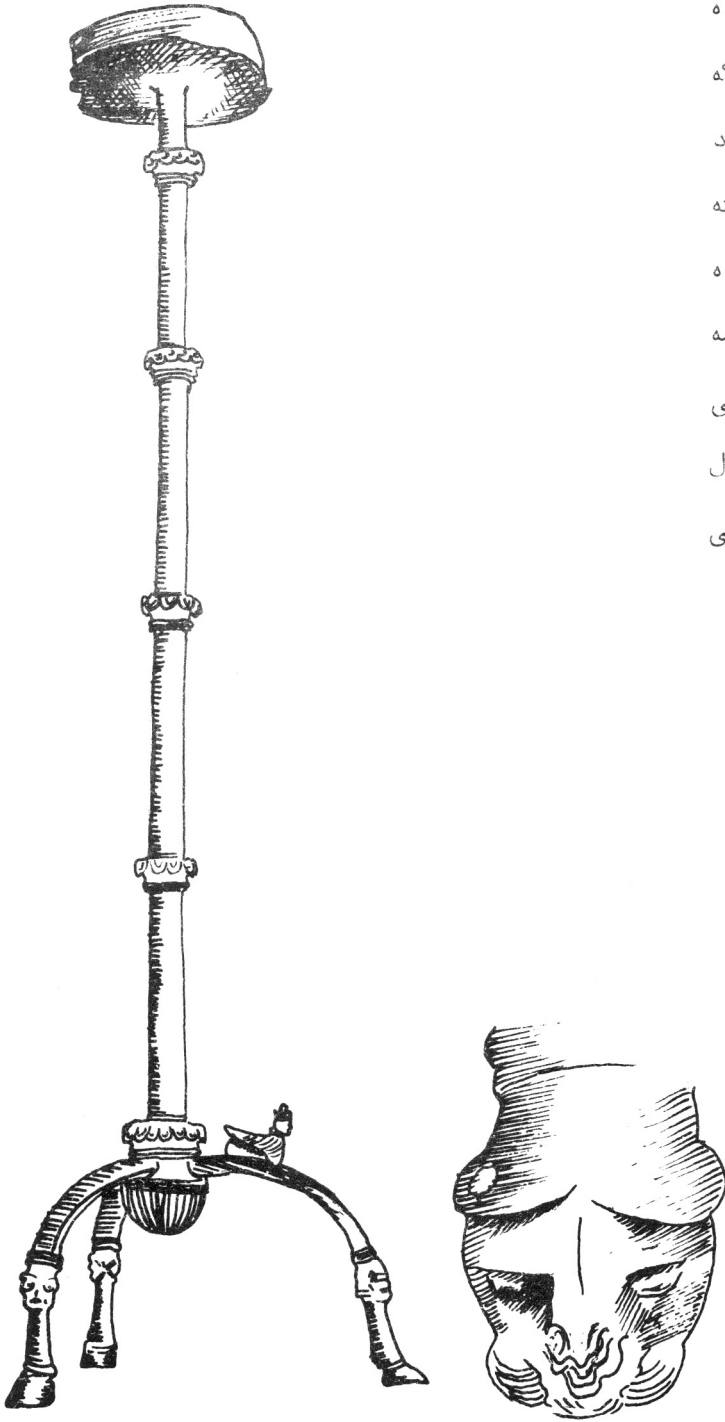
۳- سه مجسمه انسان

۴- سه مجسمه گاو نشسته



۶۸- قسمت فوقانی آتشدان

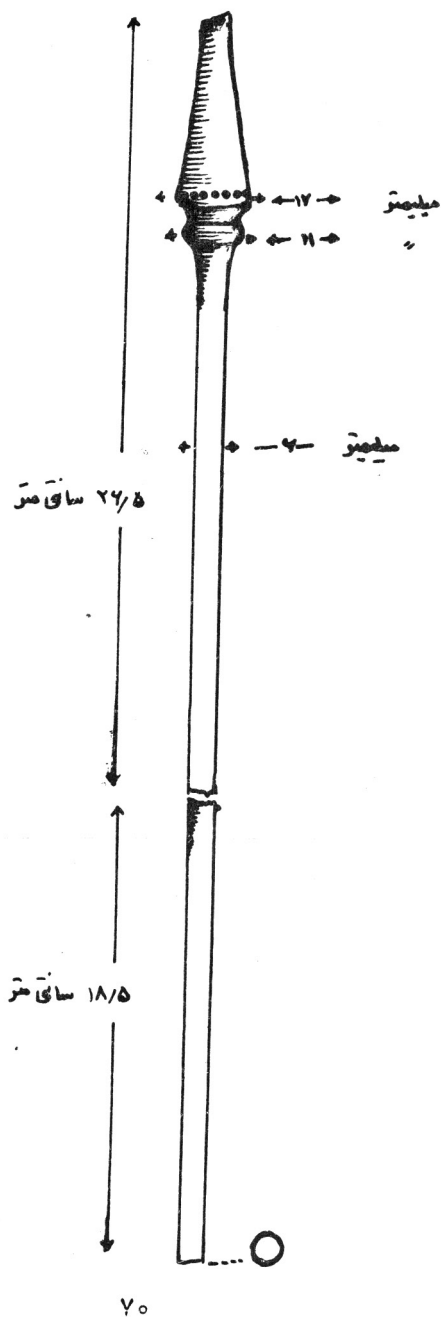
از آنجائیکه تاکنون نظیر آتشدان یا شمعدان ارجان کمتر دیده شده در یک مورد می توان به شمعدان مکشوفه از توپراک قلعه که یکی از شاهکارهای هنر اورارتو نیمه اول هزاره اول قبل از میلاد است اشاره کرد. بیشتر از هر چیز از نظر فرم و تزئینات بکاررفته در آن در همان نگاه اول ارتباط و شباهت هائی در ذهن بیننده القاء می کند. تزئینات روی ساقه بصورت برگ گل و درونه - سه پایه بودن و مجسمه شیر در مفصل پاها یا پایه ها - جنس - کشیدگی در مجموع تداوم این سبک بخصوص فلزکاری نیمه دوم هزاره اول را که در منطقه عیلام و آشور تقریباً "مشترک" بوده است بخوبی نشان میدهد.



۶۹- هزیات نقش شیر روی پایه شمعدان.

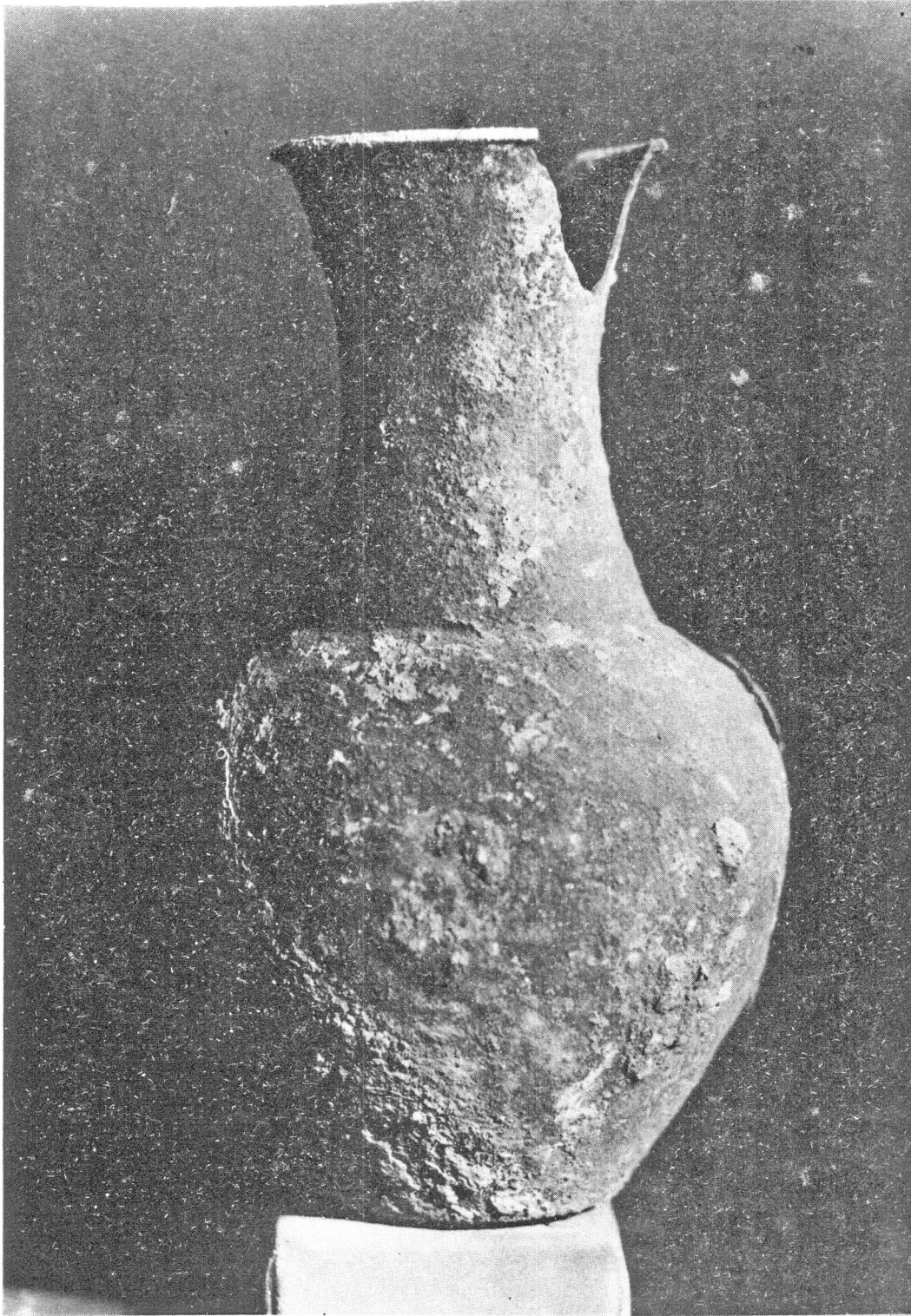
شمعدان برنزی مکشوفه از توپراک قلعه
(۶۳۹-۶۸۵ قبل از میلاد)
ارتفاع ۱۳۶/۵ سانتی متر. موزه هامبورگ

طرح از روی عکس کتابچه هنر و صنایع اورارتو - گیتی آذربئی
لوحة های ۴۷ و ۴۸ تهیه شده است.



میله نقره‌ای

این میله در انتها و ساقه بقطر ۶ میلی‌متر و در ناحیه مخروطی شکل ۱۱ و ۱۷ میلی‌متر است طول آن (دوتکه) ۴۵ سانتیمتر میباشد. جنس این میله نقره‌ای و مجوف است. در قسمت مخروطی دارای سوراخهای ریزی است که احتمالاً می‌تواند به تعیین کاربرد آن کمک نماید. از آنجائیکه این میله سبک بوده و ظریف و شکننده می‌باشد کاربرد تزئینی آن چندان مورد نظر نبوده است و می‌توان احتمال داد بعنوان نی از آن استفاده میشده است. این شیئی نقره‌ای چون قبلاً توسط مسئولان محلی از داخل آرامگاه خارج شده است متأسفانه محل دقیق آن هنوز برای ما معلوم نیست. شاید به‌مراه آتشدان در خارج تابوت قرار گرفته است. در حال حاضر مقدار زیادی زنگ و خاک چسبیده بر روی قسمت مخروطی آن وجود دارد که احتمالاً پس از تمیز شدن در آزمایشگاه وضع سوراخهای آن بهتر مشخص می‌گردد و در زمینه کاربرد آن بیشتر می‌توان به بحث و گفتگو پرداخت.



۷۱- کوزه فلزی با گردن بلند و بدنه محدب - کف مسطح

جنس : مفرغ

ارتفاع : ۲۷/۵ سانتیمتر

قطر دهانه : ۱۰/۸ سانتیمتر

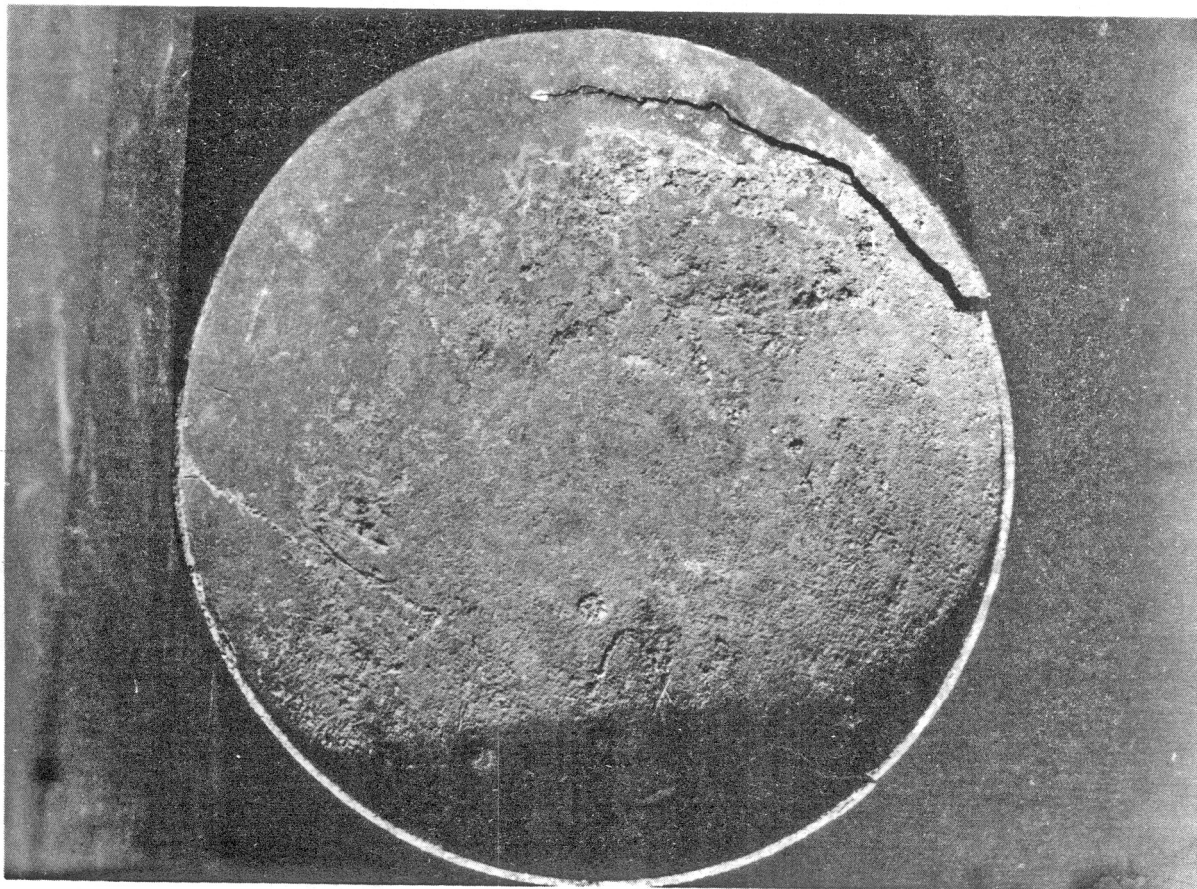
محل کشف : داخل آرامگاه اجان - جنوب تابوت



۷۲- کوزه فلزی از جنس نقره - مکشوفه از داخل آرامگاه - خارج تابوت

قطر دهانه : ۳ / ۷ سانتیمتر

ارتفاع : ۱۲ سانتیمتر



۶۳- طرف برنزی بشکل سینی با ته محدب - مکشوفه از داخل آرامگاه ارجان

قطر: $43/5$ سانتیمتر

ارتفاع یا گودی: $8/5$ سانتیمتر

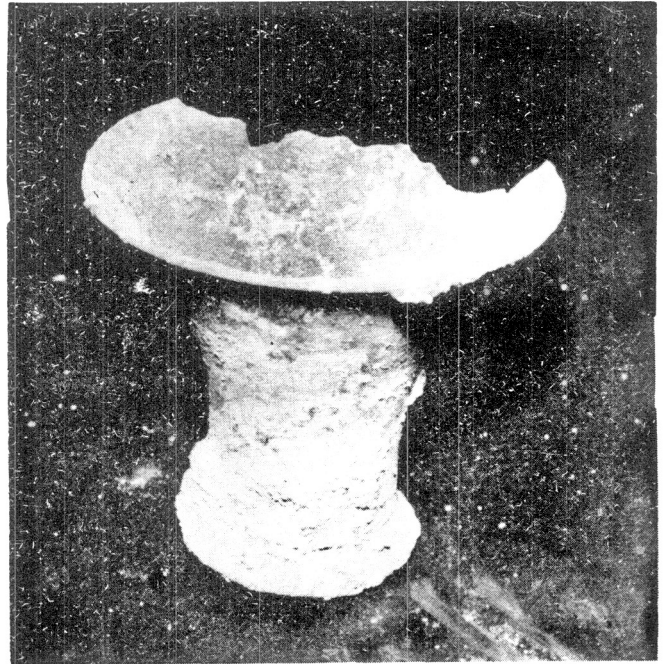
۷۴- ظرف فلزی از جنس برنز به شکل گلدان مکشوفه از داخل آرامگاه

ارجان ، خارج از تابوت

قطر دهانه : ۱۳/۸ سانتیمتر

ارتفاع : ۱۲ سانتیمتر

توضیح اینکه تعداد ظروف بدست آمده از این نوع ۱۰ عدد میباشد



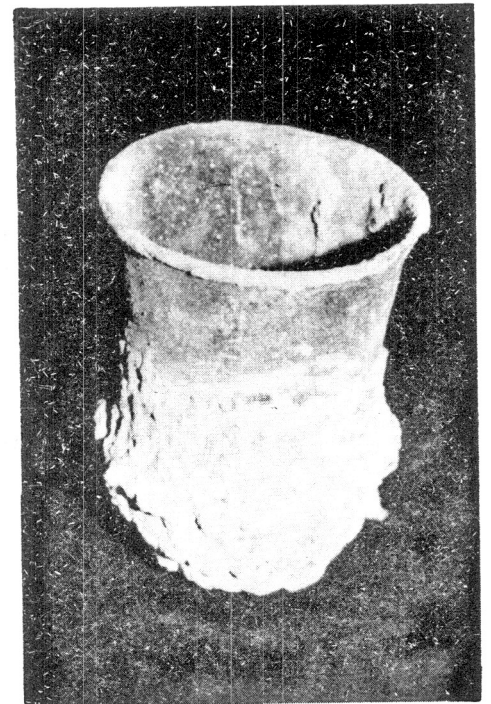
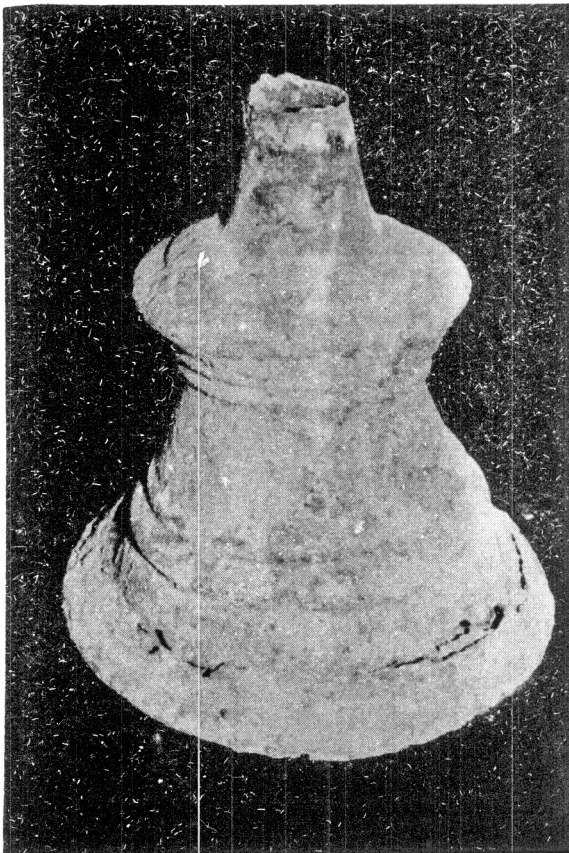
۷۶- ظرف فلزی از جنس مفرغ - قیفی شکل دارای کف مسطح

در حال حاضر کف از بدنه جدا شده است

مکشوفه از داخل آرامگاه ارجان - خارج تابوت

ارتفاع : ۳۲ سانتیمتر

قطر دهانه : ۴/۸ سانتیمتر



۷۵- ظرف فلزی از جنس مفرغ - مکشوفه از آرامگاه ارجان

دو جداره - جداره بیرونی دارای تزئینات برجسته

قطر دهانه : ۹/۵ سانتیمتر

ارتفاع : حدود ۱۱ / ۴ سانتیمتر

نتیجه گیری

حاصل بررسی‌های اندک و مختصر اشیاء آرامگاه ارجان از نقطه نظر معرفی، مسایلی را در زمینه بعد تداوم فرهنگ و هنر ایران باستان از دوران ماقبل خود و تاثیر متقابل در هنر دوره‌های بعد را بطرز برجسته و آشکاری مطرح می‌سازد. کیفیت عالی اشیاء از نظر جنس و فرم بیانگر دوره حساسی از تاریخ ناشناخته این مرز و بوم است که بدنبال آن مسایل اقتصادی و سیاسی را برای مطالعه و تعمق بیشتر پیش می‌کشد. کشف آرامگاه در چنین نقطه‌ای از کشور ما به روشنی حدود مرزهای دولت عیلام را در ساحل آبهای خلیج فارس مشخص و علیرغم ادعائی که مبنی بر تسلط مداوم خلیج فارس در زمان دولت آشور که در بعضی از نوشته‌های مورخین آمده است بی‌اساس می‌سازد. انتساب بسیاری از سوزه‌های هنری و موتیف‌های تزئینی در هنر هزاره اول بخصوص در لرستان که با اقوام همجوار نسبت داده میشود می‌تواند رنگ و بوی هنر خودی و ملهم از هنر عیلامی باشد زیرا با اختلاف قرن‌ها پیش تر با چنین هنر پیشرفته‌ای که نظیرش را در ارجان می‌بینیم روبرو هستیم. هنر جواهر کاری و فلز کاری اشیاء آرامگاه ارجان با همه آنچیزی که در هنر آشور و بابل می‌بینیم فرق دارد چنانچه در میان توصیف هنری اشیاء بآن اشاره شده است. تداوم این هنر را بیش از آنچه که در سرزمین بیگانه بینیم در ایران (فلات ایران) با تسلسل موزون تر خواهیم دید. از نقطه نظر تحلیل علمی کشف آرامگاه ارجان می‌توان به مسایلی اشاره کرد که هر کدام در نوع خود تازگی دارد:

- ۱- کشف حلقه طلائی موسوم به حلقه قدرت که تاکنون نظیر آن بدست نیامده است و می‌تواند از دید استفاده برای تشریفات مربوط به شرکت در مراسم رسمی آن زمان مورد مطالعه قرار گیرد.
- ۲- کشف خط بر روی یک شیئی در داخل آرامگاه که هویت صاحب قبر را برای اولین بار در دوره عیلامی مشخص می‌سازد.
- ۳- کشف تابوت فلزی برای اولین بار در دوره عیلام میانه
- ۴- کشف پارچه که بتوان بر روی آن مطالعه نمود. احتمالاً "قدیمیترین

- نمونه پارچه بدست آمده در کشفیات باستانشناسی ایران.
- ۵- کامل‌ترین نمونه آرامگاه انفرادی با استفاده از مصالح تخته سنگ بدون اجرای طاق ضربی.
 - ۶- کشف کامل‌ترین نمونه آتشدان یا شمعدان فلزی که تاکنون نظیر آن دیده شده است. و برتری آن از نقطه نظر کیفیت هنری بر آتشدان یا شمعدان‌های موجود در هنر اورارتو- آشور و حتی مصر.
 - ۸- پاسخگوئی به نقاط ابهام تاریخ عیلام در نیمه هزاره دوم در ادامه حفاریات هفت تپه.
- با امید اینکه هر کدام از موارد فوق سوزه تحقیق و مطالعه یکی از علاقمندان باشد.

زیرنویس

- ۱- پرونده ثبتی شماره ۴۴ مربوط به شهر قدیم ارجان - بایگانی اسناد فنی دفتر آثار تاریخی .
 - ۲- لیان - منظور شهر لیان است که کنار بندر بوشهر فعلی واقع در پادگان نیروی دریائی می باشد .
 - ۳- آثار شهرهای خلیج فارس و دریای عمان - تالیف احمد اقتداری - انتشارات انجمن آثار ملی - ص ۱۹۱ .
 - ۴- بجز یک مورد آنهم بر روی نوشته‌های معبد کی‌ری‌ری‌شا که نگارنده بعداً " متوجه آن شده است و در دنباله بحث شرح آن آمده است .
 - ۵- عیلام - از حدود ۱۶۰۰ تا ۱۲۰۰ ق . م . رندلابات - تاریخ باستانی کمبریج جلد ۱ و ۲ جزوه ۱۶ ص ۱۲ و ۱۳ متن نوشته‌ها انگلیسی است و ترجمه آنرا دکتر صادق ملک شه‌میرزادی استاد باستانشناسی دانشگاه تهران در اختیار ما گذاشته است .
- The Cambridge Ancient History ELAM C 1600 - 1200 B.C by Rene Labat Revised Edition of Volones I & II cambridge university press.**
- ۶- **Walter Hinz/Sas Reich Elam/Stuttgart 1964. Pa 99 .**
 - ۷- در حفریات تپه باستانی علی‌کش در دشت دهلران و شمال خوزستان و سردابها و مقابر و معبد چغا زنبیل از ملاط قیر استفاده شده است .
 - ۸- تعدادی از این کتیبه خوانده شده است برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب هینس ؟
 - ۹- مجله هنر و مردم - شماره ۶۷ و ۶۸ - کاوشهای هیات باستانشناسی فرانسوی در شوش و مسجد سلیمان در دو ساله اخیر خرداد ۱۳۴۷ - پروفیسور گریشمن - ترجمه مسعود رجب نیا .
 - ۱۰- **A. Godard, le Tresor de ziviye(kurdistan), Haarlem 1950, Fig, 109**
 - ۱۱- برای اطلاع بیشتر می‌توان به مقاله پازیریک نوشته ماریا . ب . زاویتوخینا - مجله پیام شماره ۸۶ سال هشتم دی ماه ۱۳۵۵ مراجعه نمود .
 - ۱۲- مجله مارلیک‌ضمیمه مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران - جلد ۲ مقاله حفریات ترانشه E - قبرستان تپه‌سگزآباد در سال ۱۳۵۱ - دکتر فرخ ملک زاده .
 - ۱۳- توضیح از نگارنده
 - ۱۴- تاریخ ملل آسیای غربی - دکتر احمد بهمنش - انتشارات دانشگاه ص ۱۳۶
 - ۱۵- هنر ایران باستان - ایدت پرادا - ترجمه یوسف مجید زاده - انتشارات دانشگاه تهران سال ۵۷ - ص ۱۶۸ .
 - ۱۶- ایدت پرادا - هنر ایران باستان - ترجمه یوسف مجید زاده - انتشارات دانشگاه تهران - صفحات ۱۲۳ - ۱۲۴ .
 - ۱۷- **P.Calmeyer, Reliefbronzen in babylonischem stil. Eine westiranische werkstatt des 10. Jahrhunderts v. chr., Munchen 1973, s.75, L1**